



مسأله محدودیت

از منظر عقلی و عاطفی



دکتر محمد منصور نژاد

مسأله مهدویت

از منظر عقلی و عاطفی

دکتر محمد منصور نژاد



انتشارات جوان پویا

۱۳۸۴

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

منصورنژاد، محمد، ۱۳۴۰
مسأله مهدویت از منظر عقلی و عاطفی / محمد منصورنژاد. —
تهران: جوان پویا: ۱۳۸۴.
۱۸۱ ص.؛ جدول. — (انتشارات جوان پویا؛ ۴)
ISBN: ۹۶۴-۹۶۲۹۸-۳-۱ : ۱۶۰۰۰ ریال
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. ۱۲۹-۱۳۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. مهدویت - انتظار. ۲. مطهری، مرتضی، ۱۲۹۹-۱۳۵۸ -
نظریه درباره مهدویت. الف. عنوان.
م ۲۳۳/۴/۴ BP ۲۹۷/۴۶۲
کتابخانه ملی ایران
۱۵۱۹۲-۸۴

مسأله مهدویت از منظر عقلی و عاطفی

تألیف: دکتر محمد منصورنژاد

ناشر: انتشارات جوان پویا

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

لیتوگرافی: سمند

چاپ و صحافی: کوروش

شابک: ۹۶۴-۹۶۲۹۸-۳-۱

کلیه حقوق مادی و معنوی برای ناشر محفوظ است.

انتشارات جوان پویا: ۰۲۱-۳۳۰۰۶۰۷۲ و ۰۹۱۲-۲۷۷۹۸۵۳

مراکز پخش: تهران: ۰۲۱-۳۳۰۰۶۷۸۱ و ۰۹۱۲-۱۹۷۳۳۵۲ و ۰۲۱-۵۵۸۹۵۲۷۹

کتابفروشی جهاددانشگاهی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: ۰۲۱-۶۶۴۶۴۵۶۸

۰۲۵۱-۶۶۰۴۹۰۴

۰۹۱۱-۳۱۲۱۱۹۴ و ۰۱۲۱-۲۲۵۴۳۸۱

قم:

آمل:

با قدردانی از:

همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

مدیریت تولید:

انتشارات جوان پویا

مدیریت اجرایی، صفحه آرایی و استخراج نمایه ها:

حجت الله محمدشاهی

امور فنی:

طراحی روی جلد:

مرضیه بایه

نظارت فنی و پیگیری چاپ:

رجبعلی آقایی

تایپ و حروفچینی:

فاطمه و کیلی

مرتضی منصورنژاد

تأمین اعتبار مالی:

حاجیه خانم حکمت فقیه

مهندس مهدی بوستانی

و به اهتمام:

حسین سالاری

انتشارات جوان پویا

۱۳۸۴

تقدیم:

برای حسین بوستانی

فهرست مطالب

۷	سخن ناشر
۱۱	برای حسین به جای مقدمه
۱۵	بالاخره او آمد (داستان)
۲۳	تأمل و شرح و بسطی بر آراء استاد مطهری در مسأله مهدویت
۸۷	پرسش و پاسخ در موضوع مهدویت
۱۰۹	شوق مهدی (اشعار فیض کاشانی)
۱۱۹	فهرست منابع
۱۲۵	نمایه ها
۱۳۳	فهرست آثار دکتر محمد منصورنژاد
۱۵۵	برخی از سایتهای مهدویت
۱۶۵	ادعیه

سخن ناشر

۱) امروزه اکثریت جمعیت کشورمان را جوانان تشکیل می دهند. جدای از ویژگی کمیتی، از لحاظ کیفی نیز به تبع انقلاب اسلامی، در دهه های اخیر راه ورود به تحصیلات عالی برای کثیری از جوانان ما باز شده که از آثار آن، مواجه شدن با نسلی فهیم، پرسشگر و هشیار است. خصوصاً اینکه این نسل به قویترین روشها و ابزارهای ارتباطی (ماهواره، کامپیوتر، اینترنت و...) نیز مجهز است و با جدیدترین مسایل عصر مواجه و با تازه ترین داده های زمان آشنا است. این مخاطبین تشنه، آگاه و مسلح، مباحث خاص خود را داشته و پاسخهای ویژه خود را می طلبند.

این انتشارات مهمترین هدف خود را پاسخگویی به برخی از مسایل و پرسشهای نسل جوان قرار داده و از این رو در نامگذاری اش (انتشارات جوان پویا) نیز از کلمه زیبای «جوان» بهره گرفته است. امید است که محصولات این نهاد فرهنگی، مطلوب خصوصاً جوانان و فرهیختگان افتد.

۲) کار فرهنگی در مقایسه با سایر تلاشها ممکن است به معنای اقتصادی آن، سودآور نباشد و یا حتی اگر مستقلاً تعقیب شود، نه تنها مورد تشویق و حمایت قرار نگیرد، بلکه چالشهایی را نیز در پی داشته باشد، با این حال اگر تلاش در این بعد، جدی و خلاقانه باشد، قطعاً از عوامل مؤثر بر مسیر تاریخ و سرنوشت جوامع بشری است؛ و اگر این فعالیت صبغه نشر، چاپ و تألیف کتاب به خود گیرد، یکی از محدود آثار دنیایی پایا و ماندگار آدمیان است.

چنانچه ما امروزه به راحتی «گاتها» از آثار «زرتشت» را از حداقل ۳۰۰۰ سال پیش می خوانیم و لذت می بریم و یا از قریب ۲۵۰۰ سال پیش یونان، «جمهور» افلاطون و «سیاست» ارسطو را در کتابخانه شخصی خود داریم و از آنها بهره می بریم. جدای از پایداری آثار فرهنگی، در فرهنگ اسلامی نیز «قلم» و آثار قلمی تا آن حد والایند که مورد سوگند خداوند در قرآن مجید واقع شده اند.

از این رو با آگاهی از اهمیت تلاش در حیطه چاپ و نشر کتاب و بدون آنکه برداشتهای مادی از آغازین اهداف کار باشد، پا به عرصه انتشارات گذاشته ایم و هر فرد که چنین انگیزه هایی در دل و چنین شوری در سر دارد را به همکاری مشفقانه در همه حیطه ها (تجهیزات، تشکیلات، سرمایه، ویرایش، نگارش، پخش و حتی نقد) دعوت می نمایم.

۳) در این سامان، فرهنگ و تمدن پیشین ما، ایرانشهری و فرهنگ و تمدن مهمان و مورد اقبال اکثریت غالب ایرانیان، فرهنگ و تمدن اسلامی است و فرهنگ و تمدن مسلط این عصر که از مجاری مختلف، دیگران و ما ایرانیان را نیز به رقابت می خواند، فرهنگ و تمدن غربی است. و از این

رو از دغدغه های این نهاد آن است که به آثاری پردازد که دغدغه هویت ایرانی - اسلامی در مقایسه با غرب را دارند.

با این نگاه، آثار دکتر محمد منصورنژاد که عمدتاً نظر به هویت سه گانه و مسایل ایرانی، اسلامی و غربی دارند، در اولویت چاپ و نشر قرار گرفته اند. از این مؤلف تاکنون آثاری از سوی دیگر ناشرین منتشر گردیده (به انتهای کتاب مراجعه شود) و چاپ سایر آثارش مورد اهتمام انتشارات جوان پویا است. در مراحل نخست از جمله کتاب حاضر منتشر گردیده و به بازار اندیشه تقدیم می شود. در مراحل بعد، از چاپ آثاری با ویژگیهای فوق الذکر استقبال خواهد شد.

انتشارات جوان پویا

۱۳۸۴

برای حسین به جای مقدمه

از نگاه ما هنوز بسیار بسیار زود بود که او در کنارمان نباشد و در سوگش بنشینیم. در این مدت گرچه جسمش در میان ما نبود، اما خاطرات، سکوت، تواضع، ادب، آرامش و خنده هایش هرگز از صفحه جانمان محو نشده است. از آنجا که محجوب و بی مدعا بود، کمتر کسی از حالات روحی و تعامل قوی اش با خدا، اهل بیت و امور معنوی خبر داشت. اما اگر کسی از نزدیک او را تجربه می کرد و توان استشمام عطر و بوی جاننش را اندکش داشت، آنگاه در مقابل گستره عزم و خلوص به وسعت دریای او متعجب می شد.

او در سنین نوجوانی در شبها اهل تهجد مداوم بوده و ساعاتی از نیمه شبها را با معبودش به راز و نیاز می نشست و گاه روزها روزه می گرفت. عظمت و ابهت کارش آنجا رخ می نماید که، برای بسیاری از افراد در گذشتن از چند لحظه خواب صبحگاهان برای ادای نماز صبح نیز سنگین

می نماید و با کم و زیاد شدن غذایی به التهاب می افتند. از ویژگیهای برجسته اش آن بود که با خدایش از مجرای اهل بیت سودا می کرد و در این فضا، جذبه و کشش امام عصر(ع) او را واله خود کرده بود و به مسجدی دل بستگی داشت که مدار فعالیتهايش ظهور حضرت حجت بود.

تردیدی نیست که روح او این توان را دارد که بر ما ناظر باشد، اما همواره از خودمان می پرسیدیم که ما چگونه می توانیم یاد او را زنده نگه داشته و برای ادای دین نسبت به او گامی ماندگار برداریم؛ به باقیات الصالحات می اندیشیدیم و به کوشش مؤثر. اینجا بود که به عرصه فرهنگی کشانده شده و با خود گفتیم که چه کاری ماندگارتر، مؤثرتر و مفیدتر از تولید یک اثر فرهنگی، که در صورت اتقان و جذبه، قابلیت ماندگاری برای همه اعصار را دارد و کثیری از افراد در اقصی نقاط می توانند از آن بهره گرفته و اجر معنوی آن برای عزیزمان بماند.

فکر کردیم که زنده نگه داشتن یاد امام زمان(ع) و مسایل مربوط به آن حضرت و پاسخگویی به شبهات مربوط به این موضوع، حسین عزیزمان را بیشتر راضی می کند و اینجا بود که به تألیف اثر حاضر رسیدیم.

از آنجا که از کار تکراری ابا داشتیم و جای کار عقلی در این میدان را کم رنگ دیدیم، برای پر کردن بخشی از این خلأ، از نگاه عمیق و فلسفی استاد مطهری استمداد جسته و مقاله «تأمل و شرح و بسطی بر آراء استاد مطهری در مسأله مهدویت» را به نگارش درآوردیم و از این طریق به برخی پرسشهای مهم عصر، خصوصاً در مقابله با بعضی مکاتب زنده غربی پرداخته شد، ضمن اینکه مروری بر اندیشه موعودباوری در فرهنگهای مختلف داشتیم.

برای شبیه زدایی، متن مصاحبه با محفلی دوستانه و دانشجویی را آوردیم که به چند پرسش کلیدی پیرامون فلسفه غیبت و کارکردهای انتظار پاسخ داده شده است.

برای آنها که اهل ذوق اند، به سراغ اشعار زیبا و نغز «ملا محسن فیض کاشانی» در کتاب «شوق مهدی» رفتیم که با الهام از مولانا و خصوصاً حافظ، هنرنمایی نموده است.

برای کسانی که اهل وسایل ارتباطی و اطلاعاتی جدیدند، مهمترین سایتهای فارسی زبان در زمینه مهدویت را معرفی نمودیم، تا به آسانی از طریق اینترنت به منابع موجود درباره منجی باوری دسترسی داشته باشند.

و اما برای آنها که می خواهند با خدا و امام زمانشان درددل کنند و دوست دارند سخنانشان را با الهام از اولیاء بزنند، در پایان کتاب چند دعای مهم در موضوع را منعکس نموده ایم.

و برای آنکه کتاب حسن مطلع داشته و برای همگان جذاب باشد، با داستان کوتاه «بالاخره او آمد» آغاز و ابتدا کردیم. امید که مطلوب افتد.

از تلاش مشفقانه و مسئولانه خواهران و برادرانی که در «انتشارات جوان پویا» با علاقه وافر به تولید فرهنگی مشغول اند و از محصولات اقدامات آنها به ثمر رسیدن کتاب حاضر است، صمیمانه سپاسگذاری به عمل می آید.

دکتر محمد منصورنژاد

مدیر گروه ادیان و مذاهب

مؤسسه مطالعات ملی

۱۳۸۴

E-mail: M_Mansoornejhad@Yahoo.Com

بالاخره او آمد

(داستان)

اول بار در برخی سایتها خبر ظهور فردی در مکه منتشر شد و رسانه های رسمی آن را چندان جدی نگرفتند. اما وقتی صدای این خبر مثل بمبی پیچید و به شدت مورد استقبال مردم قرار گرفت، رسانه های رسمی نیز ناچار بدان پرداخته و درباره صحت و سقم آن به گمانه زنی پرداختند. برخی در نشانه های آن فرد و شخص موعود تشکیک کردند. ولی فضای عمومی به قدری تهییج شده بود که خواص را نیز به دنبال خود می کشید. مردم زیادی به دنبال ویزا و مسافرت به مکه بودند. فرودگاهها ظرفیت انتقال مسافر را نداشتند. قطارها بدان سمت فعالانه به حرکت درآمدند. حتی بوفه اتوبوسها نیز پر از مسافر بود و اندک اندک کار به جایی رسید که مردم گروه گروه پیاده عازم مکه و آن سوی صحرا شدند. حوزه های علمیه نیز گروهی را برگزیدند تا با سفر به عربستان، به پژوهش در موضوع پردازند و برخی منتظر نتیجه آن گروه تحقیق بودند.

اما تحولات دیگری مسأله را به صورت جدیتری طرح نمود. زیرا شنیده می شد که در شرق، بودائیان اخیراً تحولاتی از خود نشان داده و سخن از علایم ظهور منجی خود می دهند. زرتشتیان نیز به حرکت درآمده و در تجلیل از «سوشیانس» که در سیستان از آن اخباری می رسید، به آتشکده ها درآمده و مراسم ویژه برگزار نمودند. تعدادی از اوتاد از حرکت حضرت خضر به سوی مکه خبر می دادند. مهمتر آنکه از خاورمیانه به خصوص از بیت المقدس اخبار عجیب و قریبی می رسید. در اخبار آمده بود که فردی در قدس در میان مردم ظاهر شده و ادعا دارد که عیسی مسیح است. این ادعای او را بسیاری از پیروان مسیحی تأیید کرده و یا برای آزمون صحت و سقم گفته های او به بیت المقدس می آمدند.

گزارشها حکایت از آن داشت که مسیحیان کثیری از کشورهای غرب گروه گروه به حضور آن فرد رسیده و تعداد قابل توجهی از آنها دیگر حاضر نیستند به دیارشان بازگردند و حتی افراد آماده تر برای جنگ و عملیات، سازماندهی می شوند. معدود اخبار منتشر شده که از سوی دولتها نیز تکذیب می شد، حکایت از آن داشت که برخی افسران اطلاعاتی و نظامی به مسیح پناه آورده و حتی برخی خلبانان با هواپیمای پیشرفته نظامی، از محل خدمت فرار کرده و خودشان را به سرزمین قدس رسانده اند.

اخبار دیگری به گوش می رسید که قرار است در بیت المقدس بین مسیح و آن فردی که در مکه ظهور کرده، ملاقاتی صورت بگیرد و احتمال داشت که این دیدار در مکانی فاش نشده، در حوالی بین مکه و بیت المقدس باشد. عجیبتر آن بود که از قول این عیسی مسیح نقل می شد که او به یارانش می گفت: پس از اینکه دشمنانم را در این منطقه از سر راه

برداشتم، باید با همراهانم به سوی مکه حرکت کرده و سپاه من با سپاه مکه ادغام شده و این حرکت عدالت خواهانه و ستم سوز با هم تعقیب شود.

در مقابل این حرکت، قدرتهای غربی به شدت عکس العمل نشان می دادند، اما قابل توجه آن بود که احتمال داشت سربازان و نیروهایشان توجهی به فرامین آنها نداشته و حتی سلاح و تجهیزات موجود را علیه آنها به کار بگیرند. تازه داشت معنای این جمله که در آخر الزمان سلاحهای موجود از کار می افتند، خودش را نشان می داد و ظاهر می گردید.

روزهای اخیر حاجیانی از مکه بازگشته بودند و اقبال مردم برای استقبال از آنها بی سابقه بود. از قول آنها شنیده شد که فردی را در صحرای عرفات دیده اند که در خیمه کوچکی مستقر است و علیرغم دوربودن از زرق و برق دنیایی، ابهت معنوی خاصی او را فراگرفته بود. چهره فوق العاده جذاب و رشیدی داشت و دیگران را به خدا و قیام در راه او دعوت می کرد. عده بی معدود از زنان و مردان نیز مانند نگین انگشتی او را در میان داشته و لحظه بی رهایش نمی کردند. نماز جماعت او رنگ و بوی خاصی داشت و صدای داودی او در نماز و نغمه خوش دعاهایش مؤمنین را مسحور و مجذوب می کرد. هر فرد که مایل بود به حضورش بارمی یافت و عجیبتر آن بود که حتی به زبان محلی هر کس با آنها سخن می گفت. مخاطب ناخواسته جذب شیوه بیان و استدلال و نورانیتی می شد که در صورتش موج می زد.

بعضی از حاضران اعتراف می کردند که انگار چنین چهره بی را قبلاً نیز در برخی محافل و مراسم عبادی و یا کوه و دشتها دیده اند و قلبی حتی می گفتند که با او سابقاً مؤانست داشته و گفتگو کرده اند. خبرهای

دریافتی تکذیبیه های رسمی که این گونه حوادث را رد می کرد، زیر سؤال می برد و موضوع را روز به روز جدیتر و قابل توجه تر می کرد. در برخی هیأتها و مساجد اعلام شده بود که دیگر دعای ندبه نمی خوانند، زیرا برای چه گریه کنند، در حالی که آقایان آمده و انتظارشان به پایان رسیده است. وجهی نداشت که دعای فرج بخوانند.

شهرها حال و هوای فرهنگی ویژه به خود می گرفت. برخی افراد در سطح شهر در روز، با چراغ روشن حرکت می کردند. مردم برخی میدانها چهارراهها را آذین بندی نموده و نقل و شیرینی و شربت توزیع می کردند. خیلی از افراد که در سوگ عزیزانشان نشسته و به سختی با غم فراق یاران کنار می آمدند، نیز بارقه های امید در دلشان زنده شده بود. زیرا برخی معتقد بودند که امکان دارد در زمان ظهور آقا، یاران و عاشقانش حتی اگر سر به خاک گذاشته باشند، دوباره رجعت کنند.

اما اخباری هم برخی را محتاطتر می کرد که موضوع را با وسواس بیشتری پی بگیرند. زیرا خبرهای واصله حکایت از آن داشت که افرادی که شوق زیاد و آمادگی لازم را داشته باشند، پس از ورود به مکه و ملاقات با آقا، به منطقه یی که دقیقاً اعلام نشده است، اعزام می شدند تا آموزش لازم را دیده و در گروههای عملیاتی سازماندهی شوند. زیرا گفته می شد که جنگ سختی در پیش است و باید عده و عده آماده ساخت. اینجا بود که کار برای کسانی که دغدغه های همسر و فرزند و مال و پست و کارخانه و شغل و... داشتند، دشوار می شد.

افرادی که سالیان زیادی شبهای چهارشنبه به اینجا و آنجا می رفتند و دعاها برای ظهور می خواندند، اکنون مانده بودند که با دغدغه های دنیایی خود چگونه کنار بیایند؟ اگر به مکه بروند و یکدفعه از آنها توقع جهاد و

شهادت باشد، باید چه کنند؟ از این رو ترجیح دادند که اخبار آخر الزمان را با احتیاط تعقیب کنند و به تکذیبها توجه ویژه داشته باشند. به راحتی می دیدند که هنوز آمادگی برای حضور در عرصه های خطرناک را ندارند. اینجا بود که دل بستگیها و وابستگیها خودش را نشان می داد و گوهره دینی و ولایی افراد محک می خورد.

در کنار اینان، بودند آنانی که واقعاً عاشق بودند، نیمه شبها آرام و قرار نداشتند، روزها روزه گرفته و تمام فکر و ذکر و دعاهاشان با آقایان گره خورده بود. در عین حال ابهاماتی در تطبیق آن فرد با مصداق خودشان داشتند. نمی دانستند که آیا واقعاً او همانی است که قرنهای افراد خالص و صادق و عارف برایش اشک ریخته اند و برای ظهورش دعا کرده اند؟ اینان میزان مناجاتهایشان بیشتر شده بود و این بار از خدا می خواستند که واقعیت را برایشان روشن کند. دلشان دائماً در التهاب و اضطراب بود. گروهی از اینان آماده می شدند که به سوی مکه بروند، اما نه برای دیدار و بازگشت، بلکه همه مقدمات را جوری مهیا می کردند که بروند و پس از پرسش و تحقیق، اگر به نتیجه مثبت رسیدند، همانجا بمانند و برای برافراختن پرچم عدل و داد اهتمام بورزند.

تغییر رفتار جامعه به این افراد محدود نمی شد. عجیب بود که کثیری از مردم با هم مهربان شده بودند. برخی که مدتها با هم قهر بودند، این روزها ابراز دوستی می کردند. تعدادی آدمها که مشهور بودند که دیرجوش اند و با خودشان هستند، این ایام روابط عمومی شان قوی شده بود. برخی افراد که به هرزه گویی و پرده دریا شهره بودند، در رفتارشان تجدیدنظر کرده و خیلی مراقب بودند که ظواهر را حفظ کنند. کسانی که در بعد اقتصادی با

مردم بد معامله می کردند، الان رعایت حال عموم را تا حد خوبی می کردند و اجناس ارزانتر شده بود. شاید به این دلیل که جنسهای احتکاری بیرون ریخته شده بود. ثروتمندان چقدر بخشنده شده بودند. خیلی از آدمهای جلاد و سرکش هم مرعوب شده بودند. شاید می ترسیدند که شمشیری به سراغ آنها آید و این بار دیگر این انتقامها شوخی بردار نباشد. زمان انتخابات فرارسیده بود، اما از آن افشاگریهای کذایی، وعده های سرخرمن، عکسهای رنگی و هزینه های گزاف تبلیغاتی، خیلی خبری نبود و انگار افراد ولعشان را برای خوردن کیک قدرت از دست داده بودند.

نکته مهم دیگری که قابل ذکر است اینکه، در طبیعت هم تحولاتی به چشم می خورد و حرکات غیرعادی دیده می شد. در حالی که فصل زمستان بود، اما هوا مطبوع و ملایم شده بود. بارانهای بهاری می آمد و برفها را به سرعت آب کرده بود. چشمه ها فعال و جوشان شده بودند. پرندگان و بلبلها به روی شاخه ساران دیده می شدند و صدای چه چه آنها گوش فلک را پر کرده بود. درختان پر از شکوفه شده بودند و عطر و بوی خاصی در کوچه ها و باغها و بیابانها به مشام می رسید. در زمینهایی که کویری به نظر می رسیدند نیز چشمه های کوچک جاری شده و محیط به سرسبزی می گرایید و گلهای کوچک بنفشه در آنها طنازی می کردند. در موانع و کوههایی که تاکنون مزاحم و بی خاصیت به نظر می رسیدند، معادنی ظاهر شده بودند که اعجاب آور بود.

فضای عمومی و افکار جامعه رو بدان سمت داشت تا باور کند که انتظار به سر رسیده و منجی ظهور کرده و قرار است که دنیا پس از سالها تجربه ظلم و ستم و تجاوز، تجربه دادگری و تفاهم کند. بنا است به بسیاری از پرسشهای بلاجواب پاسخ داده شود. زمان آن رسیده که بسیاری از

حقوق تضییع شده اعاده گردیده و قرار است عصر طلایی بشریت آغاز گردد. وقت آن است که آرمان همه انبیاء و اولیاء تحقق یابد. اما برخی از بزرگان همچنان عصای حزم و احتیاط در دست داشتند، زیرا می دانستند که در طول تاریخ از موضوع مهدویت چه سوءاستفاده ها شده است. آنان می دانستند که دلهای خسته مردم این بستر آماده را دارد که با هر جرعه امیدبخش و آرامش آفرین روشن شود و از این رو دقت می کردند که فراتر از التهابات موجود در جامعه، موضوع را بررسی کنند.

تأمل و شرح و بسطی بر آراء استاد مطهری در مسأله مهدویت

نوشتار حاضر در عناوین زیر سامان یافته است:

الف) مدخل بحث.

ب) عصارة دیدگاه استاد مطهری در موضوع.

ج) تأمل و بسطی بر نگاه استاد مطهری.

الف) مدخل بحث:

مدعای استاد شهید مرتضی مطهری آن بود که مباحث دینی را متناسب با پرسشهای عصر به بحث بگذارند. به تعبیر خودشان:

«این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته، یا کتاب نوشتم، تنها چیزی که در همه نوشته هایم آن را هدف قرار داده ام، حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسایل اسلامی در عصر ما مطرح است.»^(۱)

هم ایشان تنها در یکی از آثارشان^(۲) به صورت متمرکز و نسبتاً مبسوط به بحث «قیام و انقلاب مهدی» پرداخته اند، آن هم از زاویه یی که مسأله

(۱) مطهری مرتضی، عدل الهی، انتشارات صدرا: بی تا، ص ۸

(۲) مطهری مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، انتشارات صدرا (چاپ هفتم):

عصر ایشان بود. در اوج امید آفرینیهای مارکسیستها در سطح جهانی و نیز در ایران، مطهری مسأله مهدویت را در مقایسه با نگاه مارکسیستها به تاریخ، پیروزی نهایی و عصر طلایی بشریت، به بحث گذاشته اند. امروزه گرچه با به زیاله دان تاریخ رفتن مکتب و جهان بینی مارکسیستی و ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی، دیگر بحث حاضر در تعامل با مارکسیستها موضوعیت ندارد، ولی عصاره دیدگاه ایشان (که در ۹ بند خلاصه شده) همچنان در بحث انتظار، آخر الزمان و مهدویت مفید، کلیدی و قابل استنادند.

البته ما نیز باید از متدلوژی استاد پیروی کرده و مسأله مهدویت را متناسب با پرسشهای زمان حاضر مطرح کنیم. امروزه جادارد که بحث مهدویت با هزاره گرایهای خصوصاً مسیحیان و یهودیان مورد مقایسه قرار گیرد و به عنوان یک مسأله (Problem)، در عصری که رقیبان با لسان هنر و خصوصاً فیلم بدان پرداخته و از «آخر الزمان تکنولوژیک» (با فیلمهایی چون «دکتر فرانکنشتاین»، «ترمیناتور» و «ماتریکس»)، «آخر الزمان طبیعی» (با فیلمهایی چون «برخورد عمیق»، «آرماگدون»، «قله دانه»، «دنیای آب»، «گودزیلا»، «پارک ژوراسیک»)، «آخر الزمان دینی» (با فیلمهایی چون «جن گیر»، «طالع نحس» و «پایان روزگار»)، «آخر الزمان علمی - تخیلی» (با فیلمهایی چون «روز استقلال»، «عنصر پنجم»، «جنگ ستارگان») و «آخر الزمان اسطوره یی» (با فیلمهایی چون «مومیایی»، «بازگشت مومیایی»، «عقرب شاه» و «ارباب حلقه ها») سخن به میان آورده اند،^(۱) از

(۱) شاه حسینی مجید، مقاله غرب، سینما و آخر الزمان، در کتاب: پیشگوییها و آخر الزمان (مجموعه مقالات)، نشر مؤسسه فرهنگی موعود عصر (چاپ چهارم): ۱۳۸۳، صص ۲۲-۱۱۵.

روشهای نوین برای طرح باورهای اعتقادی درباره آخر الزمان و انتظار و منجی بهره گیریم.

وقت آن است که اهمیت بحث انتظار و ظهور منجی را در مقایسه با سایر ادیان به تأمل بنشینیم و شاید مهمتر از همه اینها در ایران امروز و سالهای اخیر، مباحث و مسایلی و به تبع اقداماتی در راستای مهدویت انجام می پذیرد که گاه با مبانی شیعی و دینی و عقلی نمی سازد و آسیب زا است. از این رو علاقه مندان به موضوع، خوب است که به آسیب شناسی بحث مهدویت پردازند....

در این وجیزه تنها بر برخی از نکات مورد اشاره توقف خواهد شد. آن هم نکاتی که به نحوی مکمل مباحث شهید مطهری در کتاب «قیام و انقلاب مهدی» است.

ب) عصاره دیدگاه استاد مطهری در موضوع:

نکات عمده نگاه آیت الله مطهری به موضوع مهدویت را که در کتاب «قیام و انقلاب مهدی» منعکس شده، می توان در نکات زیر خلاصه نمود:^(۱)

۱) اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق، صلح، عدالت و... و اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس (حضرت مهدی عج)، اندیشه بی است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی بدان مؤمن و معتقدند. زیرا این اندیشه دارای اصل و ریشه قرآنی است. این قرآن مجید است که با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی ایمان اسلامی، غلبه قطعی صالحان و متقیان، کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت را نوید داده است (مطهری، ۶-۵).

(۱) چنانچه اشاره شد، عمده چالشهای این متفکر اسلامی با مارکسیستها به جهت غیرکاربردی بودن آنها در شرایط حاضر، حذف شده اند.

۲) این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است، که طبق بسیاری از نظریه ها و فرضیه ها فوق العاده تاریک و تیره است (پیشین، ۶).

چهار نظریه در این باب عبارت اند از:

اول: شر و فساد و بدبختی لازمه لاینفک حیات بشری است و بنابراین زندگی بی ارزش است و عاقلانه ترین کارها خاتمه دادن به حیات است.

دوم: برخی حیات بشر را اساساً اتر می دانند و معتقدند که بشر در اثر پیشرفت حیرت آور تکنیک و ذخیره کردن انبارهای وحشتناک وسایل تخریبی، به مرحله بی رسیده که به اصطلاح با گوری که با دست خود کنده، یک گام بیشتر فاصله ندارد. بنا بر این نظریه، بشر در نیمه راه عمر خود، بلکه در آغاز رسیدن به بلوغ فرهنگی به احتمال زیاد نابود خواهد شد.

سوم: شر و فساد جزء طبیعت بشر نیست، بلکه معلول مالکیت فردی است. تا این ام الفساد هست، شر و فساد هم هست و تکامل ابزار تولید و جبر ماشین روزی ریشه این ام الفساد را جبراً خواهند کند.

چهارم: ریشه فسادها و تباهیها، نقص روحی و معنوی انسان است. انسان هنوز دوره جوانی و ناپختگی را طی می کند و انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می رود. این نظریه را دین الهام می کند. نوید مقدس قیام و انقلاب مهدی موعود در اسلام، در زمینه این الهام است (پیشین، ۹-۵۸).

۳) امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی - انسانی در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده، که افضل عبادات است. اصل انتظار فرج

از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن اصل «حرمت یأس از روح الله» است (پیشین، ۷).

۴) انتظار فرج دو گونه است:

اول، انتظار سازنده، تحرک بخش و تعهدآور: در این نگاه ظهور مهدی موعود حلقه بی است از حلقات مبارزه اهل حق و باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود.

دوم، انتظار ویرانگر، بازدارنده و فلج کننده: در این نگاه، آنگاه که صلاح به نقطه صفر برسد و باطل یکه تاز میدان گردد، این انفجار رخ می دهد. لذا هر اصلاحی محکوم است. زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی شود و بهترین کمک به تسریع ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است.

اینان اگر خود اهل گناه نباشند، در عمق ضمیر خود با نوعی رضایت به گناهکاران می نگرند (پیشین، ۶-۶۱).

مطهری بر مبنای دیدگاه اول معتقد است که اصلاحات جزئی و تدریجی به هیچ وجه محکوم نیست. زیرا آهنگ حرکت تاریخ را به سود اهل حق تند می نماید (پیشین، ۴۶).

۵) این دو نوع انتظار فرج، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود است و این دو نوع برداشت به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلاب تاریخی ناشی می شود:

اول: ممکن است عده بی تحولات تاریخی را تصادفی و اتفاقی بدانند، زیرا جامعه چیزی جز مجموعه بی از افراد با طبایع فردی و شخصی نیست.

دوم: اما در دیدگاه دیگر، جامعه به نوبه خود، مستقل از افراد طبیعت است و شخصیت دارد و تاریخ آنگاه فلسفه دارد و موضع تفکر و مایه تذکر است که جامعه از خود طبیعت و شخصیت داشته باشد (پیشین، ۱۰-۸).

در نگاه دوم، در طول تاریخ گذشته و آینده، نبردهای انسان تدریجاً بیشتر جنبه ایدئولوژیک پیدا می کند و انسان تدریجاً از لحاظ ارزشهای انسانی به مراحل کمال خود نزدیک می شود، تا آنجا که در نهایت امر، حکومت و عدالت، یعنی حکومت کامل ارزشهای انسانی که در تعبیرات اسلامی از آن به «حکومت مهدی» تعبیر شده است، مستقر خواهد شد (پیشین، ۴۴).

۶) این دو نوع بینش درباره حرکت تکاملی تاریخ نتیجه دو نوع تلقی از انسان است:

اول: انسان در ذات خود فاقد شخصیت انسانی است. هیچ امر ماوراء حیوانی در سرشت او نهاده نشده است. هیچ اصالتی در ناحیه ادراکات و بینشها و یا در ناحیه احساسات و گرایشها ندارد. آنچه در انسان اصالت دارد، جنبه های حیوانی او است و انسان موجودی اسیر منافع، مادی و محکوم جبر ابزار تولید و در اسارت شرایط مادی اقتصادی اش است.

دوم: اما بنا بر تلقی فطری از انسان، آدمی موجودی است دارای سرشت الهی، مجهز به فطرتی حق جو و حق طلب، حاکم بر خویشتن و آزاد از جبر طبیعت و جبر محیط و جبر سرشت و سرنوشت. بنا بر این تلقی از انسان، ارزشهای انسانی در انسان اصالت دارد. انسان به موجب سرشتهای انسانی خود، خواهان حق و حقیقت و عدالت و مکرمتهای اخلاقی است. وحی به عنوان هادی و حامی ارزشهای انسانی او را یاری می دهد و راهنمایی

می نماید. بدون شک تعبیر و تفسیر قرآن از تاریخ، به شکل دوم است (پیشین، ۴-۵۱).

۷) آرمان قیام و انقلاب مهدی، یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ، گذشته از اینکه الهام بخش ایده و راهگشای به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمانهای اسلامی. این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی است، برخی فرهنگی و تربیتی، برخی سیاسی، برخی اقتصادی، برخی اجتماعی و برخی انسانی (انسانی طبیعی) است (پیشین، ۵۷).

۸) مشخصات انتظار بزرگ عبارت اند از: پیروزی نهایی صلاح و تقوا، حکومت جهانی واحد، عمران تمام زمین، بلوغ بشریت به خردمندی کامل، برقراری مساوات کامل میان انسانها در امر ثروت، منتفی شدن کامل مفسد اخلاقی، منتفی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون و سازگاری انسان و طبیعت (پیشین، ۱-۶۰).

۹) از مجموع روایات استنباط می شود که قیام مهدی موعود(عج) آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. مهدی موعود تحقق بخش ایده آل همه انبیاء و اولیاء و مردان مبارز راه حق است (پیشین، ۶۸).

ج) تأمل و بسطی بر نگاه استاد مطهری:

در تأملی کوتاه، برخی مباحث قابل طرح در ذیل مباحث استاد مطهری بدین قرارند:

۱) نکته اول مطهری، بحث طرح اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و... و اجرای این ایده به وسیله شخصیتی مقدس بود که همه فرق و مذاهب اسلامی بدان مؤمن اند. این مدعا را می توان بدین نحو بسط داد و پروراند که اندیشه پیروزی نیروهای حق و ظهور منجی، خاص مسلمانان نیست و همه ادیان توحیدی و حتی برخی ادیان غیر توحیدی نیز بدین اعتقاد باور دارند و به تعبیر منطقی، اگر نزاعی با زرتشتیان، یهودیان، مسیحیان، برهمنیان، بودائیان و... باشد، نزاعی صفروی است، نه نزاع کبروی.

به عبارت دیگر، در مدعای تحقق آخر الزمان، منجی، انتظار، علایم زمان ظهور، مدینه فاضله و عصر طلایی و... بین ادیان یادشده اختلاف فاحشی دیده نمی شود، در حالی که اشتراکات آنان جدی است. اما اینکه

باید منتظر چه کسی بود؟، منجی کیست؟، مدینه فاضله و عصر طلایی در کدام گفتمان تحقق می یابد؟ و...، با دیگر ادیان اختلاف نظر وجود دارد. در دسته بندی دیگری مطلب را بدین نحو می توان ارایه نمود که، مجموعه آدمیان در بحث آخر الزمان و منجی را به سه گروه می توان تقسیم نمود:

اول: آنانی که هم منکر کبرای قضیه (اصل آخر الزمان، تحقق عصر طلایی...) و هم منکر صغرای آن (مصدق منجی، ویژگیهای آن...) هستند. این افراد را «آتئیستها» و منکران ادیان و خدا و غیب و رسالت و پیام آسمانی تشکیل می دهند.

در زمره اینها و از مصادیق بارز اینها می توان به «مارکسیستها» که استاد مطهری در کتاب «قیام و انقلاب مهدی» بدانها پرداخته است، اشاره داشت. این باور اگر روزگاری و مثلاً در قرن بیستم طرفداران جدی داشت، امروزه و حتی پس از شکست نهایی این مکتب، به تعبیر امام خمینی در نامه به رئیس جمهور ابرقدرت شرق شوروی، «گورباچف»، در سال ۱۳۶۷، به «موزه های تاریخ سیاسی جهان»^(۱) منتقل شد و جانبداران جدی و کثیری در سطح جهانی ندارد.

(۱) امام خمینی سیدروح الله، آوای توحید، شرح نامه: آیت الله عبدالله جوادی آملی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ پنجم): ۱۳۷۳، ص ۱۰.

امام خمینی در این اثر، ضمن اینکه پیش بینیهایی را درباره عاقبت مارکسیسم داشت، که در اندک زمانی بعد درست درآمد، از سویی به گورباچف در کشانده شدن به دامن غرب تذکر داد و از سوی دیگر به مطالعه اسلام، خصوصاً از مسیر آشنایی با افکار امثال «فارابی»، «بوعلی سینا»، «سهروردی»، «محمی الدین ابن عربی» و «ملاصدرا» دعوت کرد.

دوم: آنان که کبرای موضوع را قبول دارند و در انتظار آخر الزمان و علایم آن بوده و به دنبال منجی اند، اما در صغرای قضیه با شیعیان (که معتقدند این منجی از فرزندان پیامبر اسلام و امام یازدهم است و در سال ۲۵۵ ه.ق. به دنیا آمده و تاکنون نیز زنده و غایب است) مشکل داشته و مخالف اند.

این گروه شامل پیروان همه ادیان آسمانی و برخی ادیان غیر توحیدی گردیده و حتی می توان پیروان این گروه را به اهل سنت در جهان اسلام نیز تعمیم داد. زیرا علیرغم وجود احادیث کثیر در بحث مهدویت و امام زمان حتی در منابع اهل سنت^(۱) و نیز با اینکه آنان به اصل ظهور منجی و حتی با نام «مهدی» معتقدند، اما در مصداق آن به نحوی که شیعه معتقد است، عمدتاً تشکیک می کنند. زیرا اصلاً مباحث مربوط به امامت را به نحوی که شیعه تفسیر می کند، نمی پذیرند و حتی برخی از بزرگان شان ردیه های جدی بر تشیع و خصوصاً بحث امامت دارند.^(۲) و در بحث آموزه منجی

(۱) در رابطه با اعتراف جمعی از علمای اهل سنت به صحت و تواتر احادیث راجع به حضرت مهدی و آنانی که مهدی (عج) را پسر امام حسن عسگری می دانند، با توجه به صحاح سته آنها (صحیح بخاری، مسند احمد حنبل، صحیح مسلم و...)، ر.ک.

هاشمی شهیدی اسدالله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، انتشارات مسجد جمکران (چاپ دوم): ۱۳۸۱، صص ۷۶-۷۸ و ۷۱-۱۴۰.

(۲) به عنوان شاهد به آثار زیر از امام محمد غزالی ر.ک.

غزالی ابوحامد محمد، فضایح الباطنیه، حقه و قدم له عبدالرحمن بدوی، ناشر للدار القومیه للطباعیه و النشر: ۱۳۸۳ ه.ق.

غزالی ابوحامد محمد، الاقتصاد فی الاعتقاد، مکتبه الجندی، قاهره: ۱۹۷۲ م.

غزالی ابوحامد محمد، المنقذ من الضلال (شک و شناخت)، ترجمه دکتر صادق آینه وند، انتشارات امیرکبیر (چاپ دوم): ۱۳۶۲.

موعود نیز انتقاد بی پرده «ابن خلدون» که همه اسناد مربوط به این اعتقاد را زیر سؤال برد، قابل مراجعه است.^(۱)

در پایان بحث نگاه اهل سنت به موعودگرایی، این نکته قابل تذکر است که عرفایی که در فرهنگ و گفتمان سنیان می زیسته اند، به بحث موعود و منجی توجه جدیتر و عمیقتر داشته اند. به عنوان شاهد، «محمی الدین ابن عربی» (که بنا بر قول مشهور سنی است) به عنوان فرد برجسته این جریان، مهدی منتظر را از نسل «حسن بن علی» و «خاتم الاوصیاء» می داند. از نگاه ابن عربی، او می آید تا قانون اسلام را با شمشیر تکلیف کند و «عیسی» یکی از وزرای او خواهد بود.^(۲)

سوم: آنانی که هم کبرا و اصل قضیه آخر الزمان و عصر طلایی و ظهور منجی را قبول دارند و هم معتقدند که آنکه باید منتظر او بود، فردی از خاندان نبوی و امام عسگری به نام «حضرت مهدی» است و... این گروه شیعیان در جهان اسلام اند. و البته برداشتهای شیعیان جدای از کلیت موضوع، که اجماعی است، در جزئیات تفاسیر مختلف می پذیرد.^(۳)

(۱) ابن خلدون، مقدمه (العبر فی...)، چاپخانه مصطفی محمد، مصر، ص ۱۹۹.

(۲) ابن عربی محمی الدین، الفتوحات المکیه، دار صادر بیروت، جزء سوم، باب ۳۶۶، ص ۳۲۷ و گزارشی از آراء صوفیان در بحث موعودگرایی در:

موحدیان عطار علی، مقاله گونه شناسی اندیشه منجی موعود در اسلام، فصلنامه هفت آسمان، ش ۲۱: بهار ۱۳۸۳، صص ۲-۵۰.

(۳) مثلاً در حالی که اسماعیلیان از فرقه های شیعی، در موعودگرایی از جایگاه مهمی برخوردارند، اما زیدیه از جریانات شیعی، کمتر به آموزه مهدویت اعتقاد داشتند. و اما شاید گزاف نباشد که بگوییم مذهب امامیان دوازده امامی در میان تمامی ادیان و مذاهب، موعودگراترین است و مهمتر اینکه موعود اینان، ویژگی خاص این نگرش را با خود دارد. گزارش کوتاه در موضوع را ببینید در:

همان منبع، ش ۲۱، صص ۶۱-۵۲.

مدلل کردن این مدعا که مسأله آخر الزمان و اعتقاد به منجی در ادیان مختلف مطرح است، در حد یک نوشتار کوتاه میسر نیست. از این رو به اختصار به برخی استشهادات بسنده می‌گردد. به اعتقاد برخی، خاستگاه اعتقاد به منجی در ادیان توحیدی یهودی و مسیحی، ریشه در باورهای زرتشتیان دارد.

زرتشتیان:

از نگاه زرتشتیان، موعود مزدیسنا «سوشیانس» نامیده می‌شود. زرتشتیان منتظر سه موعود هستند و میان هر یک از آنها هزار سال فاصله قرار داده شده است. آنان طول جهان را در ۱۲۰۰۰ سال تقسیم کرده‌اند، که مجموعاً به چهار مقطع ۳۰۰۰ ساله تقسیم می‌گردد. در چهارمین دوره ۳۰۰۰ ساله، دهمین هزاره عهد سلطنت روحانی پیغمبر ایران، «زرتشت»، شمرده می‌شود.

در آغاز هر یک از هزاره یازدهمین و دوازدهمین، دو تن از پسران زرتشت ظهور خواهند نمود. در انجام دوازدهمین هزاره، پسر سوم یعنی «سوشیانس» پدیدار گشته، جهان را نو خواهد نمود، مردگان را برانگیخته و قیامت و جهان معنوی خواهد آراست (به سه پسر زرتشت که در آخر الزمان تولد یابند، «سوشیانس» نام داده‌اند، گرچه به صورت خاص این اسم برای تعیین آخرین موعود تخصیص یافت.

در «گاتها» زرتشت چندین بار خود را سوشیانت، یعنی نجات دهنده خواند). محل ظهور سوشیانسها «کیانسیه سکستان» (به تعبیری دریاچه هامون

در سیستان) است. و یاران سوشیانس ۱۵ مرد و ۱۵ زن هستند که در نونمودن جهان از معاونین او خواهند بود.^(۱)

یهودیان:

یهودیان و بنی اسرائیل نیز طی قرون متعدد منتظر «ماشیح» (مسیحا) هستند. آنها در سراسر تاریخ سیاه خود هر گونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار می کردند که روزی ماشیح بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد و رنج رهانیده و بر جهان سروری دهد، به گونه یی که همه مردم جهان در برابر یهودیان خضوع کنند. بشارت ظهور منجی در کتاب «تورات» و ملحقات آن آمده است. مثلاً در «زبور» داود(ع) از جمله آمده است که:

«زیرا که شریران منقطع می شوند، اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد... خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود».^(۲) «در روزهای صدیقان شکوفه خواهند نمود و زیادتیی سلامتی تا باقی ماندن ماه خواهد بود. از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی زمین سلطنت خواهند نمود».^(۳)

(۱) پورداوود، سوشیانس، سازمان انتشارات فروهر (چاپ دوم): ۱۳۴۷، صص ۲۱-۷.

(۲) در این رابطه تطبیق مطالب نقل شده از زبور با محتوای آیه ۱۰۵ سوره انبیاء در قرآن قابل مقایسه است که در آن آمده:

«ما علاوه بر ذکر (تورات) در زبور نوشتیم که در آینده بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد».

(۳) عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزموور ۳۷، بندهای ۳۸-۹ و مزموور ۹۶، بندهای ۱۳-۱۰ و مزموور ۷۲، بندهای ۱-۲.

تفصیل بحث بشارت ظهور در کتاب اشعیای نبی، کتاب بوئیل نبی و کتاب زکریای نبی، کتاب خرقیال نبی، در کتاب جحی نبی، در کتاب صفیای نبی و در کتاب دانیال نبی از تورات در:

مسیحیان:

از نگاه مسیحیان نیز گرچه حضرت عیسی در گذشت، ولی در روز سوم از قبر برخاسته و به آسمان رفته است و دوباره برای پادشاهی روی زمین برخواهد گشت. پس از صعود ایشان، مسیحیان یقین داشتند که او به زودی می آید، زیرا از حضرت عیسی نقل می شد که درباره خود گفته است:

«پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش، به اتفاق ملائکه خود و در آن وقت هر کس را موافق اعمالش جزا خواهد داد. هر آینه به شما می گویم که بعضی در اینجا حاضرند که تا پسر انسان را نبینند که در ملکوت خود می آید، ذائقه موت را نخواهد چشید.»^(۱)

از جمله منابع مهم و قابل تأویل در این بحث برای مسیحیان، «مکاشفه یوحنا» است که در آن مباحثی چون بازگشت عیسی، انتظار مسیحا، روز خداوند، مکاشفه، محنت، ظهور، جذبه و تقدیرگرایی منعکس شده است.

هاشمی شهیدی اسدالله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، صص ۳۸-۳۰۴.

(۱) انجیل متی: ۲۷-۸/۱۶ و انجیل مرقس: ۱۹. و انجیل لوقا: ۷/۹-۲۶. و شرح مطلب در:

توفیقی حسین، مقاله هزاره گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت، در کتاب: پیشگوییها و آخر الزمان، صص ۸-۳۴.

هاشمی شهیدی اسدالله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، صص ۵۰-۳۳۸.

در منبع اخیر، غیر از انجیل اربعه نیز استشاداتی در موضوع آمده است.

هندیان:

مباحث مربوط به منجی و موعود در کتب هندیان نیز منعکس گردیده و در این رابطه در کتاب «اوپانیشاد» و در کتابهای «باسک»، «پاتیکل»، «وشن جوک»، «دید»، «دادتگ»، «ریگ ودا» و «شاکمونی» نیز آمده است.

برای نمونه در کتاب «اوپانیشاد»، که یکی از کتب معتبر و از منابع هندوها به شمار می رود، می خوانیم که:

«این مظهر ویشنو، در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد، ظاهر می شود و شریران را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد.... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.»^(۱)

بودائیان:

در نگاه بودائیان نیز «میتریه» موعودی است که در مجمع خدایان آنها هیچ کس چون او چنین آرایش پیچیده بی از تجسمها را عرضه نکرده است. مفهوم میتریه را به مثابه بودای آینده در همه سنتهای بودایی می توان یافت. اگرچه در دو چیز نظر همه یکی نیست: یکی تاریخ زندگی

(۱) اوپانیشاد (ترجمه فارسی از متن سانسکریت)، ترجمه محمد داراشکوه، ج ۲، ص ۶۳۷.

و تفصیل گزارشی از مجموع منابع هندی در:

هاشمی شهیدی اسدالله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، صص ۲۷۳-۳۰۴.

او و دیگری راهی که در آن، سرنوشت او به منزله بودای موعود آغاز می شود.

در یکی از متون فرق بودایی آمده است که، ۵۰۰۰ سال پس از آخرین بودا، آیین از میان می رود و عمر انسان به ۱۰ سال تقلیل می یابد. در این زمان چرخه به عقب بازمی گردد. زندگی هنگامی سامان می یابد که طول عمر میانگین روی زمین به ۸۰۰۰۰ سال برسد. در چنین جهانی، یک فرمانروا - شاه جهان ظهور می کند که در اندیشه رفاه و بهروزی مردم و حامی آموزه های بودا است. هنگامی که این بهشت موعود فراهم می شود، میتریه از آسمان توشیته پایین می آید. بودایی خود را به کمال می رساند و آیین را به فرهیختگان می آموزد. عقیده به هزاره میتریه هنوز در مناطق بودایی جنوب آسیا و جنوب خاور رواج دارد.^(۱)

آیین دائو:

در بستر فرهنگی و دینی مردمان چین، آیین دائو در کنار سایر مکاتب فکری، نقش آفریده و ضمن تأکید بر صبغه های معنوی، رگه های روشنتری از منجی باوری و انتظار موعود را نسبت به سایر مکاتب دارد.

«لائو دزو» بنیانگذار این مکتب (قرن ۶ ق. م.)، خویش را رهبری نجاتبخش معرفی کرده است و بر پایه متن «زندگی قدیس آخر الزمان و

(۱) تفصیل مطالب در:

لنکستر لویش، مقاله میتریه، موعود بودایی، ترجمه علیرضا شجاعی، فصلنامه هفت آسمان، ش ۲۱: بهار ۱۳۸۳، صص ۲۳-۲۱۱.

و مشخصات کتابشناختی این اثر:

Mircea Eliade. The Encyclopedia of Religion. by Lewis Lancaster. vol. ۹. pp ۱۳۶۰

پروردگار طریقت»، نوشته «شانگ چینگ»، در یک سال جن-چن، یعنی بیست و نهمین سال از دوره ۶۰ ساله که احتمالاً ۳۹۲ باشد، «لی هونگ» ظهور خواهد کرد تا جهانی نو برپا کند که در آن، برگزیدگان تحت حکومت قدیس آخر الزمان بزیند. ماجرای موعودباوری در آیین دائو، بعدها گسترش بیشتری یافت.

شاهد دیگر بر موعودباوری عمیق پیروان آیین دائو، ظهور و بروز جریان پیامبران دروغین و مدعیان نجاتگری در تاریخ تحولات آن آیین است. موعود در این آیین، ماهیتی شخصی دارد. «لی هونگ» کسی است که می آید تا حکومت «قدیس آخر الزمان» را برپا کند. و موعود چینیان اگر «لی هونگ» دائویی یا «میتربه» بودایی باشد، که اقتضای غلبه فرهنگی و دینی این دو نیز همین است، باید در شمار موعودهای شخصی در آید.

سرخپوستان:

در ادیان سرخپوستان آمریکای مرکزی و جنوبی، اندیشه موعودباوری بر بنیان خاطره یی خوش از پادشاهی قدرتمند و پرشکوه در زمانهای قدیم تکیه می زند و در چهره نهضت‌های آزادیخواهانه بومی ظهور کرده است. در ادبیات اخیر سرخپوستی، به چهره موعودواری به نام «اینکاری» برمی خوریم. او را به مثابه پسر خورشید و زنی وحشی، اسطوره پردازی و نمادگری می کنند. او یک خدای سرخپوستی نیست، بلکه خاطره یی

کمرنگ از پادشاهی باستانی است که پس از سالیان دراز انتظار، زنده می شود، تا حقوق از دست رفته سرخپوستان را باز پس گیرد.^(۱)

آیین کنفوسیوس:

کنفوسیوس شعار بازگشت به عصر شاهان باستان را سرلوحه اندیشه اصلاحی خویش قرار داده بود. او به چیزی که «هماهنگی بزرگ» (دادنگ) می خواندش، فکر می کرد. در کتاب «لی جی» (کتاب آیینها)، در فصل «لی یون»، به اوضاع زندگی در آن دوران آرامش اشاره می کند.

نهایتاً گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان و مذاهب مختلف را به صورت مختصر، به نحو زیر می توان نشان داد:^(۲)

(۱) برای مطالعه بیشتر درباره آیین دائو و ادیان سرخپوستی و نیز اشاره کوتاه به بحث موعودباوری در یونان و آفریقا و... ر.ک.

موحدیان عطار علی، مقاله گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف، فصلنامه هفت آسمان، ش ۱۲-۱۳، صص ۳۰-۱۰۷.

(۲) جزئیات هر یک از گونه های یادشده و تفصیل مطلب در: همان منبع، همانجا.

موحدیان عطار علی، مقاله گونه شناسی اندیشه منجی موعود در اسلام، فصلنامه هفت آسمان، ش ۲۱: بهار ۱۳۸۳، صص ۹-۳۷.

گونه های اندیشه منجی موعود

از نظر	از نظر حیظه	بعد و جنبه	
به لحاظ ماهیت	موعود شخصی	دارای جنبه الوهی (مانند مسیح برای مسیحیان و متیریه برای بودائیان مهیانه)	
		موعود بشری صرف (مانند سوشیانس برای زرتشتیان)	
به لحاظ کارکرد	موعود غیر شخصی	مانند آرمان صلح کلی جهانی در آیین دانو و کنفوسیوس	
		مانند موعود بودایی مهیانه	
	اجتماعی	نجاتبخش صرفاً اجتماعی (مانند موعود برخی ادیان سرخپوستی و آفریقایی)	
		نجاتبخشی معنوی و اجتماعی (مانند موعود اسلامی - شیعی)	
		نجاتبخشی صرفاً معنوی (مثل موعود آیین بودایی مهیانه)	
	فراگیری رسالت	موعود قوم مدار (مانند موعود یهودیت و صهیونیسم)	
		موعود جهانشمول (مانند موعود آیینهای اسلام شیعی، هندو، بودا و زرتشت)	
	نجاتبخشی جمعی با کارکرد	رو به گذشته	آرمانشهرگرا (مثل موعود یا آرمان افلاطون)
			باستان گرا (مثل موعود یا آرمان کنفوسیوس)
		رو به آینده	موعود پایانی (مثل مهدی (عج) به مفهوم شخصی و نه نوعی)
موعود مقطعی (مثل مهدی در مفهوم نوعی نزد برخی اهل سنت و یا موعود زرتشتی)			
به لحاظ کیهانشناختی	دارای کارکرد کیهانی (مثل موعود اسلامی و هندویی که به نوعی پایان عالم و تحولات در کل جهان مربوط است)	بدون کارکرد کیهانی	

حداقل دو مفهوم کلیدی از جدول فوق لازم به شرح است:
 اول: مراد از مهدی نوعی، یعنی موعودی که نزد اهل سنت، فقط حاکم
 مسلمان عادل از اهل بیت پیامبر و از نسل فاطمه است که بعداً به گونه یی
 طبیعی متولد خواهد شد.

دوم: کارکرد کیهانشناختی، یعنی این اعتقاد که آیا جهان به قیام منجی
 و موعود پایان می پذیرد یا خیر؟ اگر پاسخ این سؤال مثبت باشد، کارکرد
 کیهانشناختی نیز دارد. و علاوه بر این، اگر ارتباط مهدی را به عنوان حجت
 خدا و صاحب الامر با باطن و تدبیر عالم به یاد آوریم، به گونه یی دیگر
 کارکرد کیهانی او را می توان تصویر کرد.

تا اینجا نکته اول از مطالب استاد مورد بررسی، شرح و بسط
 قرار گرفت.

(۲) در نکته دوم دیدگاه مطهری، بر عنصر خوشبینی نسبت به نظام
 طبیعت و سیر تکاملی تاریخ، در مقابل دیدگاههایی که بر یأس و ناامیدی
 تأکید دارند، اشاره شد. به نظر می رسد که خوشبینی یکی از اصول و ارکان
 اعتقاد به آخر الزمان است. به عبارت دیگر، اعتقاد به منجی، ظهور و عصر
 طلایی، متکی بر ارکان و اصول چندگانه زیر است:

(۱-۲) عنصر سلبی که ملازم با نوعی نفی است. یعنی کسی که در انتظار
 منجی است، از وضع موجود ناراضی است. از جهان سراسر ستم، سختی،
 تعب، ظلم، فساد، فحشاء و... به تنگ آمده است و نمی خواهد وضع موجود
 را بپذیرد و در برابر شرایط نامطلوب معاشات کند و با آن به نحوی کنار
 آمده و خود را راضی نگه دارد. او می خواهد فریاد برآورد و بخروشد و
 بنیاد شرایط حاضر را عوض کند.

۲-۲) در کنار این عنصر اعتراض، فردی که آخر الزمان گرا است، در عین حال در عمل و واقعیت می بیند که خودش و یا با همکاری دیگران، نمی تواند شرایط حاضر را از اساس دگرگون کند. مشکلات به قدری حاد، وسیع و بنیادی است که با تلاشهای عادی بشری قابل ریشه کن شدن نیست. بانیان فساد و ظلم و ستم به قدری نیرومند و مجهزند که اگر بخواهد در مقابل آنان بایستد، نابود می شود.

در چنین فضایی، علی القاعده این فرد باید مأیوس شود و کوتاه بیاید و به بن بست برسد. اما فردی که در جهان بینی اش معتقد به منجی است، به فضای یأس کشانده نمی شود.

۲-۳) عنصر اثباتی و ایجابی، معطوف به امید، خوشبینی و نشاط، در عین تحمل ناملایمات از اینجا می جوشد. چنین فردی در عین حال که از شرایط موجود می نالد و هم چنان که می داند که از دست خودش نیز کار بنیادی ساخته نیست (در عین حال که هر کاری که از دست او ساخته و پرداخته است را برای تغییر محیط فاسد انجام می دهد)، اما نسبت به روند تاریخ و سرنوشت بشریت خوشبین است. او می داند که عالم بی هدف ساخته نشده است. او می فهمد که هستی صاحبی دارد خدا نام.

او معتقد است که باید منتظر وضع مطلوب، عصر طلایی و خواهان شرایط مناسب باشد. او باید در انتظار عصری باشد که ریشه همه ستمها می سوزد و مدینه فاضله دینی تحقق می یابد. هدف ارسال رسل و انزال کتب جامه عمل می پوشد. و هر چند که نسبت به وضع موجود عصبانی است، اما نسبت به وضع مطلوب امیدوار است. ضریب خوشبینی و عطش و چشم به راهی او برای تجربه جدید بشر بیشتر است.

۲-۴) مسأله انتظار، چشم به راهی و دغدغه های ظهور، از اینجا نشأت می گیرد و با طولانی شدن این استرسها و به پایان نیامدن عصر دراز غیبت، در جهان غرب و اسلام «هزاره ها» جوشید. یعنی به جای اینکه با نیامدن منجی ظرف مدت کوتاه نومید شوند و به جای اینکه بگویند «حال که منجی ظهور نکرد، اصل قضیه واقعیت ندارد»، از اصل اطمینان و اعتمادشان نکاستند، بلکه گفتند این امر در مقاطع خاص، مثلاً ابتدای ۱۰۰۰ سالها رخ می دهد. به تبع این باور چقدر حوادث و مسایل جدید از بستر این انتظار و هزاره ها جوشید و برای معتقدان به آخر الزمان و عصر طلایی در دسرساز شد. (۱)

۲-۵) از آنجا که رنجها، ستمها و مفسده ها در شرایط موجود دامنگیر بشر در همه جای عالم است، نارضایتی از وضع موجود صبغه جهانی یافته است. به عبارت دیگر، بشر امروز به شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... معترض است و روند موجود را برنمی تابد و از آن رو که اکثریت مردم جهان دیندارند (علیرغم اختلاف ادیان از توحیدی و غیر توحیدی) و انسان دینی رویکردی معنوی به عالم دارد و هستی را فراتر از وضع موجود تحلیل می نماید و جهان را بدون هدف، بدون صاحب و بدون برنامه نمی داند، از این رو در شرایط سخت حاضر، انتظار شرایط مطلوب را می کشد و

(۱) عدد ۱۰۰۰ (و نیز ۶۶۶) که در «مکاشفه یوحنا» آمده، برای غریبان تأملات جدی و نگرشهای مختلفی چون پیش هزاره ها، پس هزاره ها و نفی هزاره ها را به وجود آورد و در جهان اسلام نیز برخی تلقیهای ویژه از هزاره ها وجود داشته و مسأله بابت و مدعیات «سیدعلی محمد شیرازی» در همین مقطع و با توجیه اینکه از سال ۲۶۰ ه.ق. که سال درگذشت امام یازدهم است، دوران فترت هزارساله بی آغاز شده و اکنون آن دوران پایان یافته و عصر جدیدی فرارسیده است. ر.ک. توفیقی حسین، مقاله هزاره گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت، در کتاب: پیشگوییها و آخر الزمان، صص ۳۷-۴۱.

همان گونه که ستمها فراگیر است، انتظار منجی و شرایط مطلوب نیز صبغه جهانی، عمومی و فراگیر دارد.

شاید بتوان این مدعا را بدین نحو نیز مطرح کرد که از اصول و ارکان اعتقاد به منجی و آخرالزمان، اعتقاد به نظام جهانی و فراگیر است که اکثریت آدمیان در یک گفتمان تنفس کرده و با هم نزدیک شده و ادبیات مشترک می یابند و دردها و درمانها به هم قرابت پیدا می کنند.

با این نگاه، این فرضیه را می توان برای آزمون مورد تأمل قرار داد که، «نزاع بین متدینین و معتقدان به عصر طلایی، مدینه فاضله^(۱) و ظهور منجی، با آنان که از جهانی شدن و جهانی کردن سخن می گویند، نزاع کبروی نیست، بلکه نزاعی صفروی است».

یعنی در اصل اینکه انسانهای همه عالم به هم نزدیک می شوند، زبان مشترک می یابند، از دردهای هم خبر دارند و از مرکز واحدی تغذیه می گردند، می توان از اشتراک دیدگاه دینداران و آنانی که رویکردی معنوی به عالم دارند، با آنانی که رویکردی مادی و خاکی به هستی دارند، سخن گفت، اما اینکه این جهان فراگیر و فرهنگ حاکم بر آن و بازیگران اصلی این عرصه چه کسانی اند؟، بین این دو رویکرد تفاوت بنیادین و غیرقابل جمعی وجود دارد.

(۱) درباره اینکه آیا می توان تعبیر مدینه فاضله را برای رویکرد معنوی به عالم هم داشت، برخی معتقدند که از اوصاف مشترک مدینه فاضله ها (اتوبی ها) آن است که در آن خدا غایب است. زیرا اتوبی مدینه بشر است و در طرح آن صرفاً به آسایش در این جهان نظر شده است و لوازم ذات مدینه فاضله را می توان تسلط صورتی از عقل جزوی جدید دانست. ر.ک.

داوری رضا، فارابی مؤسس فلسفه اسلامی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (چاپ سوم): ۱۳۶۱، صص ۴۰-۲۶.

۳) در نکته سوم استاد مطهری، مدعا آن است که اصل انتظار فرج ریشه در اصل حرمت یأس از روح الله دارد. حداقل شرحی که بر این مطلب می توان داشت آن است که:

۱-۳) آدمی که از شرایط موجود ناراضی است و توان تعویض آن را ندارد، ممکن است افسرده، مأیوس و دلسرد شود و از همه چیز اعلام برائت کند و بر اثر فشار مشکلات و مسایل که از همه جا بر او روی می آورند، به جایی برسد که از رحمت الهی نیز مأیوس شود.

در نگاه دینی گفته اند و درست هم گفته اند که یأس از لطف و عنایت الهی به هستی و بندگانش، نه تنها فعل حرام است، بلکه از گناهان کبیره و حتی از مهمترین گناهان کبیره است،^(۱) که ممکن است چنین فرد مأیوس از خدا و آسمان، به اقسام اقدامات ناشایست (از آسیب زدن به خود، تا آسیب وارد کردن به دیگران) دست زند و یا عزلت و انزوا اختیار کند که در هر صورت به افراط و تفریط گراییده و بیراهه رفته است. اینجا است که برای برون رفت از این یأس، از جمله راهکارهای مهم، ورود به فضای انتظار فرج و گشایش در امور است.

۲-۳) از نگاه روانشناختی، صاحب نظران این رشته تحصیلی معتقدند که افراد زمانی که فکر می کنند خودشان می توانند اوضاع و احوال و نتیجه عمل خود را کنترل کنند و ابتکار عمل را به دست گیرند، یعنی شرایط را در جهت اهداف و تمایلات خود تغییر دهند، احساس آزادی و اختیار نموده و برای فعالیت برانگیخته می شوند. افرادی که این نوع کنترل واقعی و اولیه را در اتفاقات زندگی نداشته باشد، زمانی احساس خوش به آنها

(۱) دستغیب سید عبدالحسین، گناهان کبیره.

دست می دهد که احساس کنترل ثانویه در آنها ایجاد شده باشد و الا احساس درماندگی آموخته شده می نمایند. به اعتقاد این پژوهشگران، احساس کنترل ثانویه به صور زیر ظهور و بروز می کند:

اول، کنترل نیابتی: در این روش افراد شرایط، اوضاع و احوال را مورد بررسی قرار می دهند، تا ببینند چه کسی کنترل اوضاع و احوال را در دست دارد و به نحو مؤثری خود را با آن فرد هماهنگ و هم جهت می کنند. این افراد از این جهت احساس شایستگی و قدرت می کنند که فکر می کنند در طرف فرد قوی هستند و به تبع قدرت آن فرد، اینها نیز قدرت به دست خواهند آورد. اینها فرد قدرتمند و بانفوذ را تشویق می کنند که دست به کارهایی بزند که به سودشان تمام شود و از این طریق احساس کنترل بر اوضاع و شرایط می نمایند.

دوم، کنترل تفسیری: افرادی که از این روش استفاده می کنند، سعی دارند که شرایط غیرقابل کنترل را تعبیر و تفسیر نموده و آن را برای خود معنی دار نمایند و بفهمند که چگونه و چرا اتفاق خاصی رخ داده است و با تعبیر و تفسیر این پدیده ها و دادن معنا به آن، احساس کنترل بر اوضاع و احوال نموده و از تلخی حادثه پدین نحو می کاهند.^(۱)

در بحث انتظار فرج نیز از آن رو که فرد با کنترل اولیه نمی تواند بر اوضاع و محیط نابسامان خود مسلط شود، می تواند به تکنیک کنترل ثانویه روی آورد و یا با کنترل نیابتی، با خداوند طرح مشکل نموده و به او توکل

(۱) ر.ک.

غباری بناب باقر، مقاله تهیه مقیاس اندازه گیری توکل به خدا، مجله دانشگاه اسلامی، ش ۴، صص

کند و حل مشکلات و گشایش امور را از او بخواهد و در عین امید به رفع مشکل، مثلاً برای فرج دعا کنند و یا می تواند با کنترل تفسیری از موضوع، تعبیر و معنایی ارایه دهد که این سختیها قابل تحمل گردیده و بتواند با آنها در شرایط فعلی کنار آمده^(۱) و در انتظار فرج و خروج از بحران بنشیند، نه آنکه مایوس شده و از خدا نیز قطع امید کند. و مطمئن باشد که این وضع نابهنجار و مایوس کننده از نظر اخلاقی، معنوی، فرهنگی، سیاسی و... دایمی نیست و زمین در آینده از آن صالحان و متقین خواهد بود:

۴) نکته چهارم مطهری به نوعی، به موضوع آسیب شناسی بحث انتظار نظر دارد که انتظار فرج می تواند سازنده و یا سوزنده باشد و مشتاقان باید مراقب باشند تا با تلقی غلط و با برداشت سوء از انتظار مبارزه کنند و به سکوت، سکون، جمود و بی تحرکی کشانده نشوند.

این مطلب درست است و دیگرانی نیز مکرراً در این باب تذکر داده اند. در این موضوع، پیش از انقلاب اسلامی فریاد «دکتر علی شریعتی» از دیگران رساتر و بیانش بلیغتر بود.^(۲)

و پس از انقلاب نیز «امام خمینی» فریاد برآورد که:

«دیروز حجتیه یی ها مبارزه را حرام کرده بوند. ولایتیهای دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را

(۱) شیوه نگاه و تعبیر و تفسیر نسبت به موضوعات به قدری مهم است که ممکن است آدمی در اطاقی، ماری را طناب فرض کند و در آن صورت به راحتی به فعالیتهايش ادامه دهد؛ در بحالی که ممکن است برعکس، طنابی را مار تصور کند و آن وقت به جهت استرس بالا، دچار مشکل شده و عکس العمل هیجانی از خود بروز دهد.

(۲) ر.ک.

ریختند... امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند». «نظر بعضی عامیهای منحرف آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد، تا عالم را ظلم فراگیرد و مقدمات ظهور فراهم شود».^(۱)

ایشان در برابر این اعتقاد که می گفت، هر حکومتی در غیر زمان حضرت صاحب، باطل و برخلاف انتظار فرج است، معتقد بودند که:

«ما اگر فرض می کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می زدیم. برای اینکه خلاف قرآن است... این گونه روایت قابل عمل نیست».^(۲)

اما آفتهایی که در بحث موعودباوری رخ می دهند، به مسأله انتظار محدود نشده و از این رو علاقه مندان واقعی به منجی، باید بخشی از انرژی، توان، سرمایه و تأملات خود را به آسیب شناسی بحث موعودباوری و

(۱) امام خمینی سیدروح الله، صحیفه نور، ج ۲۰، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۳۶۸، صص ۱۹۷-۹.

(۲) همان منبع، ج ۱۹، صص ۲۸۸-۹.

درباره باورهای پیروان «انجمن حجتیه» و مسأله انتظار فرج، سخن بسیار است. در منبع دیگری، با مراجعه به اسناد این سازمان نتیجه گیری شده است که، تمام وظیفه یک انسان منتظر آن است که اگر اصلاحی هم باید در محیط خود بنماید، نه در بعد سیاسی، نه در بعد اقتصادی و... بلکه صرفاً در بعد عقیدتی، آن هم محدود و منحصر به مبارزه با مصلح نماها و کسانی که فریب باب و بهائیت را خورده اند. و نیز نیرو و امکانات خود را بالقوه نگهدارد و آماده باشد، تا فرمان فرمانده کل قوا امام عصر صادر شود. ر.ک.

باقی عمادالدین، در شناخت حزب قاعدین زمان، نشر دانش اسلامی: ۱۳۶۲، صص ۱-۱۳۰. و نیز برای آشنایی بیشتر با انجمن حجتیه از جمله ر.ک.

نوذری عزت الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، انتشارات نوید شیراز: ۱۳۸۰، صص ۵۲-۱۳۹.

منجی گرایی اختصاص دهند. یکی از آفات و آسیب‌هایی که جهان اسلام (و نیز سایر ادیان) به کرات با آن مواجه شده و هزینه‌های نسبتاً سنگین برای آن پرداخت نموده‌اند، آن است که در تشخیص زمان ظهور و در تطبیق مصداق منجی، دچار خطا شوند. از آن رو که علیرغم آثار فراوان درباره «علایم ظهور»^(۱) در جهان اسلام، این ویژگیها در حد علایم کلی و قابل تفسیر می‌ماند و از اینجا است که از سویی برخی به پیش بینی زمان ظهور منجی در ادیان دیگر^(۲) و نیز جهان اسلام دست زده‌اند و برخی نیز حتی ادعای منجی موعود را نموده و خود را در جهان اسلام مهدی منتظر نامیدند.

گفته شده که موعودباوری اسلامی، پنج جریان دینی و سیاسی مشهور تولید نموده، که تاکنون در جهان اسلام ادعای مهدویت کرده‌اند:^(۳)
اول، فاطمیان: اینان از گروه شیعیان اسماعیلی بودند. عیدالله، بنیانگذار اسماعیلی این جریان در سال ۲۹۶ ه.ق. (۹۱۰ م.) مدعی مهدویت شد.

(۱) به عنوان شاهد ر.ک.

نجفی یزدی سیدمحمدباقر، علامات ظهور حضرت صاحب الزمان، تهران، بی تا: ۱۳۹۲ ه.ق.
شیر سیدعبدالله، علامه الظهور و احوال الامام المستور، عربی (۲۴ ورق خطی).
قمی شیخ عباس، علائم ظهور، انتشارات علمی.

عاملی سیدجعفر مرتضی، درسه فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء، متدی جبل عامل (قم): ۱۴۱۲ ه.ق.

کورانی علی، عصر ظهور، ترجمه عباس حلالی، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی (چاپ پنجم): ۱۳۷۵.

(۲) به عنوان شاهد در مسیحیت، فردی به نام «ویلیام میلر» اعلام کرد که حضرت عیسی در سال ۱۸۴۳-۴ م. بازخواهد گشت و فرقه ادوئیستهای روز هفتم بر اثر پیشگوییهای این شخص پدید آمد و تا عصر ما باقی است.

(۳) ر.ک.

موحدیان عطار علی، مقاله گونه شناسی اندیشه منجی موعود در اسلام، فصلنامه هفت آسمان، ش ۲۱: بهار ۱۳۸۳، صص ۶-۴۴.

مستمسک او نیز این ادعا بود که از نسل فاطمه است. او خلافتی را تأسیس کرد که به نام «دولت مهدی موعود» نامید.

دوم، موحدون: این جریان به رهبری «ابن تومرت» (وفات: ۵۲۴ ه.ق.) در مغرب پدید آمد. او ادعا کرد که وی همان مهدی موعود است و اعلام داشت که از قبیله قریش و خاندان هاشمی و از طریق امام حسن از نسل فاطمه است.

پس از مرگ وی، پسرش «عبدالمؤمن» کار او را به پایان برد و حکومتی مبتنی بر مهدویت برپا کرد که تا یک قرن دوام آورد. در این نهضت تمایلات سنی حاکم بود.

سوم، مهدویت سودان: در سودان که جزء امپراطوری عثمانی بود، مردی به نام «محمد احمد» علیه حکمرانان آن دیار اعلام جهاد کرد. وی مهدویت خویش را با صبغه‌ی آخرت شناختی تبیین نمود، نه آنکه خود را صرفاً یک مجدد بنامد. او که یک صوفی سنی بود، مدعی شد که در مکاشفه‌ی پیامبر را دیده که با او سخن گفته است. وی با متحد ساختن مخالفان حکومت، ارتشی علیه ترکان عثمانی، مصریان و دولت انگلیسی به راه انداخت و در سالهای ۸-۱۱۶۴ ه.ق. (۵-۱۸۸۱ م.) بیشتر سودان امروز را تصرف کرد. جانشین او تا سال ۱۲۸۱ ه.ق. حکومت کرد. اکنون هواداران مهدویت سودانی به صورت یک حزب مخالف «حسن ترابی» عمل می‌کنند.

چهارم، بابیه و بهائیت: در سال ۱۲۱۳ ه.ق. (۱۸۳۰ م.) شخصی به نام «علی محمد» در ایران مدعی شد که باب امام غایب شیعیان است. در پی این ادعا، او همچنین مدعی نبوت و مظهریت نفس پروردگار گشت. پس از

دستگیری و اعدام او، «میرزا حسینعلی نوری»، ملقب به «بهاء الله»، مدعی عنوان «من یظهر بالله» (کسی که خدا او را آشکار سازد) گردید. بهائیت امروزه متأثر از این حرکت اند.

پنجم، احمدیه (قادیانیه): این جریان توسط شخصی به نام «غلام احمد» در سال ۱۲۶۳ ه.ق. (۱۸۸۰ م) در منطقه قادیان پنجاب هند به راه افتاد. وی همچنین ادعا کرد که مظهر رجعت عیسی مسیح است. او مهدی را مظهر مسیح، محمد و جلوه یی از کرشۀ هندوها دانسته است.

اما تعداد مدعیان مهدویت بسیار بیشتر از این افراد و جریانات است و برخی تعداد آنها را تا پنجاه نفر نیز ذکر کرده اند. به عنوان شاهد می توان از «محمدبن عبدالله»، ملقب به «نفس زکیه» نام برد، که در سال ۴۵ ه.ق. در زمان «منصور دوانقی» در مدینه ظهور کرد و مردم را به سوی خود خواند و این قضیه در عصر «امام مالک» بود که او به نفع نفس زکیه فتوا داد و به دست منصور کشته شد.

دیگری «شیخ محمدعلی» پسر «محمد سنوسی» است، که مذهبی را تأسیس کرد و پس از او فرزندش «محمد مهدی» در سال ۱۸۵۸ م. ادعای مهدویت کرد و پدرش در هنگام مرگ گفت که مهدی منتظر به زودی ظاهر خواهد شد و شاید هم پسر او باشد. نفوذ سنوسیان بر کشورهای شمال آفریقا قوی بوده است.

و یا در سودان «محمداحمد مهدی سودانی» ادعا می کرد که خودش همان امام دوازدهم شیعیان است که یک مرتبه دیگر قبل از این ظهور نموده است.^(۱)

در تحلیل و آسیب شناسی در موضوع مطرح شده، نکات چندی قابل تذکرند:

۱) اگر ادعای مهدویت را به جرقة یک کبریت بتوان تعبیر نمود، هر جرقة بی در هر فضایی نمی گیرد. اگر جرقة کبریت روشن هم شود، ولی در اطاقی و بر روی موزائیکی بیفتد، خاموش می شود. تنها اگر بستر مناسبی، مثلاً پتو و قالی در خانه باشد و خصوصاً به موادی مثل بتزین آغشته باشد، در آن صورت است که جرقة کارآفرینی می کند.

اینکه جرقة ادعای مهدویت به راحتی در شمال آفریقا یا در عربستان و ایران و پنجاب هند و در جهان اسلام می گیرد، حکایت از آن دارد که جدای از قدرت و قوت جرقة ایجاد می، بستر بسیار مساعدی در جهان اسلام برای پذیرش مسأله مهدویت وجود دارد و این محیط آماده فراتر از نگاههای شیعی است.

به عبارت دیگر، جدای از مباحث اعتقادی خاص شیعی، از لحاظ جامعه شناختی مدعای عام ظهور فردی در آینده برای رهایی در جهان فراگیر است (چنانچه در محیطها و میان پیروان ادیان دیگر نیز چنین است) و تأمل بر روی ریشه های آن، پژوهشهای جدی جامعه شناختی و

زعیم الدوله میرزا محمد مهدی خان، ترجمه مفتاح باب الابواب یا تاریخ باب و بهاء، ترجمه حسن فرید گلپایگانی، مؤسسه انتشارات فراهانی (چاپ سوم): ۱۳۴۶، صص ۷۸-۶۲.

در کنار موارد یادشده، برخی بر مشاهیر مدعیان مهدویت «ابن فلاح مشعشع» (۱۴۶۲ م.)، که بانی جنبش شیعیان مشعشی در خوزستان بود، و «شکری مصطفی» (۱۹۷۵)، جنبش تکفیر و الهجره در مصر، «محمد بن عبدالله قحطانی» (۱۹۷۹)، جنبش اخوان در عربستان سعودی، «طه سماوی» (۱۹۸۱)، جنبش جماعه المسلمین للتکفیر در مصر را نیز افزوده اند. ر.ک.

کمجیان هرایر، جنبشهای اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، انتشارات کیهان: ۱۳۶۶، ص ۱۰۱.

روانشناختی را می‌طلبد که جای آن در میان ادبیات موجود مربوط به منجی و موعودباوری، کاملاً خالی است.

(۲) در جنبشهای یادشده و در میان مدعیان مهدویت در ایران، مدعای «محمدعلی باب» بیش از سایرین موج آفرینی کرد، که در گفتمان شیخیه^(۱) تنفس می‌کرد. پس از مرگ «سید کاظم رشتی» (۱۸۴۳ م.)، بر سر جانشینی او بین محمدعلی باب و «حاج محمد کریمخان کرمانی» اختلاف افتاد. در آن موقع سیدمحمدعلی شیرازی به قصد زیارت و تحصیل، در کربلا اقامت داشت. او رقیب خود را «دجال» نامید و خود ابتدا تا مدعای مهدویت پیش رفته بود.

او زمانی که ادعای بابیت امام کرد، ۲۴ ساله بود و در ۳۰ سالگی بود که با ایجاد مشکلات فراوان برای حکومت مرکزی قاجاریه و صدارت «امیرکبیر»، با تمهیدات این نخست وزیر کیاس و حساس، به اعدام محکوم شد.

او ادعایش را در شیراز آشکار ساخت و گفت، اینک که ۱۰۰۰ سال از غیبت امام می‌گذرد (هزاره)، وی واسطه بین او و مؤمنین است. بعدها خود را قائم موعود و مهدی منتظر و سرانجام نقطه بیان و مظهر خدا خواند و مدعی پیغمبری شد. او گفت، تاریخ را ادواری است و در هر دوری پیغمبری می‌آید و قوانین و شرایع تازه‌یی می‌آورد و قوانین کهن را منسوخ می‌سازد. او آموختن فقه و فلسفه را منع کرد و آداب نماز و قبله و دیگر

(۱) شیخیه پیروان «شیخ احمد احسائی» بودند که در زمان حیاتش شهرتی عظیم یافته بود و راهش به وسیله «حاج سید کاظم رشتی»، شاگرد و جانشینش ادامه یافت.

مناسک دینی را دگرگون ساخت و پرستش خورشید را در روز نماز جمعه توصیه کرد.^(۱)

(۳) با توجه به بستر آماده‌ی بی که از جهت اجتماعی در رابطه با موضوع موعودباوری وجود دارد و بدین جهت جای بهره برداری سوء و احتمال آسیب به جوامع دینی وجود دارد، نخبگان دینی و فرهنگی باید به تولید فرهنگی همت گمارند، که هر گونه اظهارنظر و موضعگیری در رابطه با منجی و موعود را از مجاری غیر تخصصی و غیرمعتبر نپذیرند. حوزه‌های علمیه باید در این میدان فعال باشند که نسبت به ادعاهای دروغین چگونه موضع بگیرند و به سرعت نیز اعلام نظر نمایند، تا احتمال بهره‌گیری فرصت طلبان از باورهای اعتقادی مقدس مردم پایین آید.

(۱) برای مطالعه بیشتر ر.ک.

زعیم الدوله میرزا محمد مهدی خان، ترجمه مفتاح باب الابواب یا تاریخ باب و بهاء، ترجمه حسن فرید گلپایگانی.

طبری احسان، برخی بررسیها درباره جهان بینیها و جنبشهای اجتماعی در ایران، بی تا: ۱۳۴۸، صص ۳۸۴-۹۰.

مددپور محمد، سیر تفکر معاصر، کتاب اول، صص ۴-۲۷۳.

فشاهی محمدرضا، از گاتها تا مشروطیت، نشر گوتنبرگ: ۱۳۵۶، ص ۲۳۰.

تبعات بابت در قالب بهائیت امروزه نیز از مسایل جدی، مشکل ساز و زنده ایران است. و از جمله مواردی است که نهادهای حقوق بشری فرامرزی و بین المللی هر از چندگاهی در دفاع از حقوق تضییع شده بهائیان در حکومت جمهوری اسلامی ایران بیانیه داده و قطعنامه صادر می کنند. برای آشنایی بیشتر با مباحث بهائیان نیز ر.ک.

کسروی احمد، بهائیت.

فضایی یوسف، تحقیق در عقاید شیخیگری، بایبگری، بهائیگری و کسروی گری، مؤسسه مطبوعاتی عطایی.

محمودی هوشنگ، یادداشتهایی درباره حضرت عبدالجباء، مؤسسه ملی مطبوعات ایران.

شهبازی عبدالله، جستارهایی از تاریخ بهائیگری در ایران، به آدرس:

www.shahbazi.org/pages/bahatism.htm

در این رابطه کاری نهادینه، وسیع و پژوهشی و وجود نهادی شناخته شده که با ارتباط سهل الحصول با مردم به پرسشها و شبهات و ابهامات آنها پاسخ بگوید، ضرورت دارد. بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی و خصوصاً اینترنت از لوازم قطعی چنین تلاشی است.

امروزه گرچه تلاشهای محدود و جزئی در این میدان صورت می پذیرد، اما اهمیت مسأله، آسیبهای بالای احتمالی و صبغه اعتقادی عمیق موضوع، کاری بس وسیعتر، مشخصتر، تعریف شده تر، فعالتر و شناخته شده تری را در تعامل نخبگان دینی با آحاد مردم می طلبد؛ تا حداقل افکار عمومی با چهارچوبه مدعیات صحیح از سقیم در موضوع آشنا باشد.

۴) پاسخگویی دقیق به شبهات وارده و آسیبهای احتمالی نیز پژوهشی متمرکز و دقیقتر می طلبد. از جمله در مقابل آنانی که هر روز با اعلان خواب تازه یی، از احساسات پاک مردم در موضوع انتظار در جهت منافع خود بهره می جویند. باید به مردم و دینداران آموخت که در فرهنگ شیعی، تعیین کنندگان زمان دقیق ظهور، دروغگو هستند. زیرا امام صادق(ع) فرمود:

«كذب الموقتون، ما وقتنا فیما مضی، و لا نوقت فیما یستقبل»^(۱).
 آنها که تعیین وقت کردند، دروغ گفتند. ما در گذشته وقت تعیین نکردیم و در آینده نیز وقتی تعیین نخواهیم کرد.

(۱) فضل بن شاذان، چهل حدیث از غیبت، علی اکبر مهدی پور، مؤسسه نشر و مطبوعات حاذق قم: ۱۴۱۵ ه.ق. (به نقل از: کفایه المهدی، برگ ۲۰).
 شیخ طوسی، الغیبه، ۲۶۲.

مجلسی محمدباقر، البحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳.
 در این میدان نوشتار منتشرشده زیر قابل مراجعه است:

باید از آنانی که آگاهانه یا ناآگاهانه در صدد تطبیق مباحث روایی (که از جهت سند هم جای تأمل دارند) با مصادیق عصری اند، خواست که از چنین اقداماتی دست برداشته و اهتمام خود را در مسیر درست به کار گیرند که تلاشهای غلط آسیب زا است و دفاع غلط، به بحث موعودباوری آسیب می زند.

آنانی که مثلاً در حدیث علامت ظهور، از نشانه های ظهور امام زمان را حکومت مردی از مازندران بر ایران می دانند، که الگوی لباس را تغییر می دهد (سلطنته رجل طبرسی و تبدیل الالبسه الاسلامیه) و تطبیق آن بر «رضاشاه»^(۱) و...، مطالب فراوانی را تهیه و با چاپ آثار و توزیع مجانی، فکرمی کنند که گفتمان مهدویت را تقویت می کنند و حال آنکه این گونه ارزیابیهای سخیف، فقط به اعتقادات مذهبی آدمهای عمیق آسیب وارد می کند، زیرا الان حدود ۸۵ سال از مرگ رضاشاه می گذرد و این علامت نه تنها مشکل گشا نبود، بلکه نشانه یی مغالطه آمیز و غلط بود.

مقدم علی، توقیت و مدیریت زمان ظهور.

(۱) مهری محمدجواد، نشانه های شگفت آور آخر الزمان، انتشارات مشرقین (چاپ هفتم): ۱۳۸۳، ص ۶۱.

آدمی متأسف می شود که این گونه آثار ضعیفی به تجدید چاپ مکرر می رسند. در این منبع که روایات متعددی با مصادیق زیادی تطبیق داده شده که همه آنها از مقوله وارد شده در متن اند، در نهایت داستان جزیره خضراء را طرح و ضمن اینکه منشأ داستان را به یک شخص بازمی گردانند و در حالی که در صدر و ذیل داستان تناقضهای آشکار را نقل می کنند، باز اصرار دارد در تأیید مدعا مطالبی از بزرگان حوزوی منعکس کند و حال آنکه اگر «آیت الله بهجت» فرموده باشد که: «جزیره خضراء آن دلی است که امام زمان در آن تاب بیاورد» (همین منبع، ص ۹۱)، چه ربطی به جزیره خضراء مورد بحث در منابع مربوط به این داستان دارد؟

۵) از جمله اقداماتی که استاد مطهری در بحث عاشورا انجام داد و می تواند به بحث مهدویت نیز تعمیم یابد و جای آن بسیار خالی است، مسأله مبارزه با تحریفات است. او با نوشتن کتاب «تحریفات عاشورا» از چهره نهضت حسینی غبارروبی نموده و بسیاری از اوهام و عقاید خرافی را از نهضت حسینی زدود. (۱)

در باورهای اعتقادی راجع به حضرت مهدی موعود و خصوصاً پیرامون منقولات و منصوصات وارده، حوزه های دینی باید سعی بلیغی را مبذول دارند. وقتی آدمی می شنود که در عربستان سعودی و در فضای وهابیت، فردی به عنوان رساله دانشجویی کارشناسی ارشد، به بررسی روایات نبوی در خصوص مهدی موعود و آموزه مهدویت می پردازد و پس از یک بررسی نقادانه به اینجا می رسد که، از تعداد ۳۳۸ حدیث وارده از پیامبر در موضوع، دست کم ۴۶ روایت و اثر از حیث مبانی حدیث شناسی از اعتبار علمی کافی برخوردار است و به اصطلاح صحیح و یا حداقل حسن محسوب می شود، (۲) غبطه می خورد که چرا چنین تلاشهایی در حوزه های علمیة شیعی کمتر رخ می دهد.

(۱) مطهری مرتضی، تحریفات عاشورا، حزب جمهوری اسلامی: بی تا. و نیز در همین فضا و با نگاه جدیدتر ر.ک.

منصورنژاد محمد، رد پای عقل در کربلا (مجموعه مقالات)، انتشارات راستی نو: ۱۳۷۷.
(۲) موحیدیان عطار علی، مقاله گونه شناسی اندیشه منجی موعود در اسلام، فصلنامه هفت آسمان، ش ۲۱: بهار ۱۳۸۳، صص ۱-۴۰.

این پژوهش در کتابی با نام «الاحادیث الواردة فی المهدی فی میزان الجرح و التمدیل» است و در دو مجلد چاپ شده است. یکی «المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الآثار الصحیحه و اقوال العلماء و آراء الفرق المختلف» و دیگری با عنوان «الموسوعه فی احادیث المهدی الضعیفه و الموضوعه». این اثر حاصل رساله فوق لیسانس «دکتر عبدالعظیم البستوی» در دانشگاه ام القری در شهر مکه است، که در زمان تألیف رساله در سال ۱۳۹۸ ه.ق.، از دانشکده های دانشگاه ملک عبدالعزیز در جده بوده است. به همین ملاحظه، مراحل تحقیق، تدوین و اصلاح کتاب تحت

چه خوب است محققى مجموعه احادیث منقول از همه معصومین را بررسی کند و در بین آنها روایات معتبر را به جهانیان و مسلمانان و خصوصاً شیعیان اعلام دارد، تا ارزیابیهای در مسأله مهدویت، بر مدار روایات معتبر صورت پذیرد، نه یکسری اسرائیلیات و مجعولات و منابع تحریف شده، که منشأ آفتها و آسیبهای کثیرند و این اقدام محققانه چه خدمتی عظیم به فرهنگ و آموزه های مهدویت خواهد نمود.

۵) نکته پنجم مطهری آن است که نوع نگرش به انتظار به دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابهای تاریخی ناشی می شود. ممکن است عده یی تحولات تاریخی را تصادفی و اتفاقی بدانند و گروه دومى با يك نگاه ایدئولوژیک، تحولات تاریخی را قاعده مند و رو به کمال بینند، تا آنجا که در نهایت امر، حکومت و عدالت مستقر شود.

برخی معتقدند که اندیشه پیشرفت يك محصول حداکثر ۲۵۰ ساله و غربی است و از سطحی نازلتر تا سطحی فراگیرتر را شامل می شود. برخی معتقدند که بشر فقط در علوم تجربی پیشرفت کرده است. برخی دیگر می گویند که علاوه بر آن در فناوری نیز به پیش رفته. گروه سومى معتقدند که علاوه بر آن در رفاه بشر رو به جلو حرکت کرده است. گروه چهارمى معتقدند که علاوه بر پیشرفتهای سه گانه، آد미ان از جهت آرمانهای اجتماعى نیز پیشرفت کرده اند. و گروه پنجمى علاوه بر موارد یادشده،

اشراف عالمان برجسته مذهب وهابى انجام شده و از صافى این نگاه گذشته است. بدون شك این میزان روایت پذیرفته شده حتى از سوى وهابيون (۴۶ روایت) درباره مهدویت، نه تنها از اصالت و اهمیت این آموزه در اسلام حکایت دارد، بلکه از این نظر اسلام را در زمره جدیدترین ادیان منجى باور قرار می دهد.

مدعی پیشرفت در آرمانهای اخلاقی بشر نیز هستند و نهایتاً گروهی معتقدند انسانها به لحاظ استعداد روانی و ادراکی خود نیز در حال پیشرفت است. در این دیدگاه مدعا آن است که در ادیان اندیشه پیشرفت وجود ندارد. هیچ دینی از ادیان تاریخی و نهادینه، چه ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) و چه ادیان شرقی (هندوئیسم، بودائیسم و...) قایل به پیشرفت نیستند، بلکه ادیان به جای اندیشه پیشرفت، مدافع اندیشه امید هستند که در مقابل اندیشه پیشرفت، صبغه فردی دارد. اگر در امید دعوت به عمل نهفته است، در پیشرفت چنین توقعی نیست و در حالی که پیشرفت به وضع موجود در گذشته و حال و نیز برای آینده نظر دارد، ولی امید با مطلوبیت سروکار دارد، نه موجودیت.^(۱)

در رابطه با مطلب فوق چند نکته جای طرح دارد:

اول: اینکه ادیان بر امید تأکید دارند و از یأس و ناامیدی دورند و بلکه دعوت به خوشبینی و جهان مطلوب می کنند، حرف و سخن درستی است. این همان نکته سوم نقل شده از استاد مطهری در کتاب «قیام و انقلاب مهدی» است که:

«انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن اصل حرمت یأس از روح الله است». «امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی-انسانی، در زبان روایات اسلامی انتظار فرج خوانده شده است» (۶-۷).

(۱) مطالب فوق به نقل از: سخنرانی استاد «مصطفی ملکیان» در مؤسسه انتظار نور (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، در سلسله نشستهای گفتمان مهدویت، به نقل از سایت رسانیز و گزارش شده به وسیله مدیر وبلاگ خیرگزاری حوزویان آقای محمد سلمان، منعکس شده است.

دوم: اما پرسش اینجا است که آیا ادیان از اندیشه پیشرفت هم سخن به میان آورده اند یا خیر؟

از آنجا که در مباحث مربوط به ادیان حداقل دو گونه می توان مراجعه نمود و به ارزیابی نشست، از نگاه اسلامی نیز یک شیوه آن است که با شفافتر و عملیاتی کردن پرسش، پاسخ آن را در نصوص دینی بجوییم. ابتدا بگوییم که مراد از پیشرفت چیست؟ آیا مراد کمال است؟ مراد تحرک به سوی جلو است؟ و یا اینکه هر نوع حرکتی را می توان پیشرفت نامید؟ (که به نظر می رسد که در طرح مسأله فوق، پیشرفت ملازمه با پیشروی به سوی وضع بهتر و کمال گرفته شده است و حال آنکه لزوماً پیشرفت معادل حرکت به سمت جلو نیست).^(۱)

با فرض اینکه پیشرفت را به معنای توسعه و حرکت به سمت بالا و عمودی و در رتبه عالتر و والاتر بدانیم، آیا در نصوص دینی، برای تاریخ و جوامع بشری چنین توسعه ای مطرح شده است یا خیر؟ پاسخ بدین پرسش کار زیبا و نسبتاً دقیقی است که اتفاقاً جای آن نیز خالی است.

(۱) استاد مطهری توضیح می دهد که پیشرفت و تکامل با هم متفاوت اند. مثلاً ما درباره یک بیماری می گوییم که در حال پیشرفت است، ولی نمی گوییم در حال تکامل است. اگر سپاهی در زمین بجنگد و قسمتی از سرزمین دشمن را تصرف کند، می گوییم فلان لشکر در حال پیشرفت است، ولی نمی گوییم در حال تکامل است. چرا؟ برای اینکه در مفهوم تکامل، تعالی خوابیده است. یعنی تکامل حرکت است، اما حرکت رو به بالا و عمودی. تکامل حرکت از سطحی به سطح بالاتر است، ولی پیشرفت در یک سطح افقی هم درست است. و حتی ایشان معتقدند که، بسا چیزها که برای انسان و جامعه انسان پیشرفت باشد، ولی برای جامعه انسانی تکامل و تعالی شمرده نشود. رک.

اما از زاویه دیگر مراد از اینکه آیا ادیان سخن از پیشرفت داشته اند، مقصود تلقی پیروان ادیان، متکلمان، فیلسوفان، مفسران، فقیهان و... درباره اندیشه پیشرفت است.

در چنین صورتی، حداقل در رابطه با استاد مطهری به عنوان یک مفسر و متکلم اسلامی، می توان گفت که با اندکی مسامحه، ایشان اندیشه پیشرفت را با طرح قیود، شرایط و تذکراتی می پذیرند و این مدعا در مقابل دیدگاه مطرح شده در این قسمت است که در هیچ یک از ادیان، مسأله اندیشه پیشرفت نیامده است (مگر آنکه مراد نصوص دینی باشد، که آن مدعا هم بدون تعریف دقیق از پیشرفت و بدون مراجعه به نصوص مطرح شده و صرفاً مدعایی بدون دلیل است).

استاد مطهری سطوح پیشرفت و تکامل بشری را ابتدا لایه بندی و مقوله بندی نموده و راجع به هر یک، آراء خود را مطرح کرده و معتقدند:

(۱) در رابطه انسان با طبیعت، آدیان پیشرفت کرده اند.

(۲) در روابط ساختمانی و تشکیلاتی اجتماع، انسان پیشرفت کرده است. یعنی ساخت اجتماع از آن بساطت اولیه به صورت یک پیچیدگی درآمده است. از جوامع بدوی و قبایلی که یک رئیس و چند کار بیشتر ندارد، ولی با پیشرفت علم، در جامعه تقسیمات زیاد شده و کارها تنوع یافته و تقسیم کار شکل گرفته و اعضاء برای جامعه زیاد گردیده است. تقسیمات اداری و علمی به وجود آمده و رشته های متنوع علمی به وجود آمده است....

(۳) در حسن رابطه انسانها با یکدیگر، که معنایش معنویت انسان بوده و حقیقت انسانیت انسان بدان وابسته است، در این تردید است که آیا بشر پیشروی کرده است یا نه؟ در اینکه به موازات آنها پیشروی نکرده است، شکی نیست. بحث در این است که اصلاً پیشروی کرده یا هیچ پیشروی

نکرده است (در تعاون آدمیان به هم و احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر، از بین رفتن بهره کشیها و تجاوز به حقوق یکدیگر و...).

۴) در رابطه انسان با خود انسان که نامش اخلاق است چه؟ آیا انسان امروز از حیوانیت خودش بیشتر فاصله گرفته و واقعاً ارزشهای انسانی در او تحقق یافته است یا انسانهای دیروز؟ انبیاء و دین در تکامل تاریخ چه نقشی داشته و چه نقشی خواهند داشت؟

مسأله آینده دین که باقی خواهد بود یا نه، مربوط می شود به نقشی که دین در تکامل ماهیت انسان و در تکامل معنویت و انسانیت آدمی دارد. فقط دین نسبت به آینده بشریت و تکامل واقعی زندگی بشریت و به بن بست نرسیدن آن خوشبینی دارد. جز دین هیچ عامل دیگری نیست که این قسمت اعظم تکامل بشریت، یعنی تکامل بشریت در ماهیت انسانی خودش را تأمین کند.

در این بعد هم هر چه محیط فاسدتر باشد، افراد تکامل پذیرفته تر نیز به وجود می آیند. پاکترین و کاملترین افراد در آلوده ترین و فاسدترین محیط می جوشند و همین جریان مبارزه حق و باطل است که ادامه پیدا می کند و رو به پیش است و جلو می رود، تا اینکه بر طبق پیش بینیهایی که اولیاء دین کرده اند، در نهایت امر منجر به حکومت و دولتی می شود که از آن به دولت مهدی (عج) تعبیر می شود.^(۱)

اگر گفته شود که جامعه رو به تکامل در ابعاد مختلف چه نیازی به حضرت مهدی دارد؟، پاسخ آن است که این اشتباه است که فکر کنیم

(۱) همان منبع، صص ۹-۲۰ و ۵۸.

ظهور حضرت حجت صرفاً ماهیت انفجاری دارد. این بر اساس یک بدبینی خاص است. یعنی آنها هم در میان اخبار و روایات، جنبه های بدبینی اش را نگاه کرده و این طور فکر کرده اند که وقتی بشریت به آخرین حد ظلمت نهایی می رسد که از اهل حق و حقیقت هیچ خبر و اثری نیست، بلکه یک مرتبه منفجر می شود و منجر به ظهور حضرت حجت (عج) می گردد. در حالی که این طور نیست، بلکه ایشان آخرین حلقه مبارزات انسان هستند.^(۱)

مطهری در توجیه تکامل تاریخی بر اساس بینش اسلامی و نظری معتقدند که، تاریخ مانند خود طبیعت به حکم سرشت خود متحول و متکامل است. حرکت به سوی کمال لازمه ذات اجزاء طبیعت و از آن جمله تاریخ است. تحول و تکامل تاریخ همه جانبه است و به همین دلیل، انسان تدریجاً از وابستگی اش به محیط طبیعی اجتماعی کاسته و به نوعی وارستگی که مساوی است با وابستگی به عقیده و ایمان و ایدئولوژی، افزوده است و در آینده به آزادی کامل معنوی، یعنی وابستگی کامل به عقیده و ایمان، مسلک و ایدئولوژی خواهد رسید.

در این مسیر، اصلاحات جزئی و تدریجی به هیچ وجه محکوم نیست، بلکه به نوبه خود کمک به مبارزه انسان حق جو و حق طلب با انسان منحط است و آهنگ حرکت تاریخ را به سود اهل حق تند می نماید و برعکس، فسادها، تباهیها، فسق و فجورها کمک به نیروی مقابل است و آهنگ

(۱) همان منبع، ص ۶.

نگاه قرآنی و روایی استاد مطهری در مسأله تاریخ و فلسفه تاریخ و قاعده مند بودن حیات و حرکت بشری، در کتاب «قیام و انقلاب مهدی» منعکس گردیده است.

حرکت تاریخ را به زیان اهل حق کند می نماید. به همین دلیل اصلاحات جزئی مشروع است و ایجاد نابسامانیها نامشروع.^(۱)

و این حرکت تکاملی تاریخ نیز لزوماً به صورت یک خط مستقیم، به جلو و بالا حرکت نمی کند؛ چون بازیگر این میدان انسانی است که دارای اراده و اختیار است، از این رو ممکن است حرکت تاریخ و بشریت متوقف شود، منحرف گردد، تند و کند شود، ولی در مجموع اگر بخواهیم همه حرکتها را معدل بگیریم، حرکت به سوی کمال است.

در یک اظهارنظر کوتاه نسبت به مطالب این بخش می توان گفت که: اولاً: در مجموع استاد مطهری از نگاه دینی، نه تنها از پیشرفت بشریت در کنار امید و خوشبینی دفاع می کند، بلکه مدعی تکامل تاریخی بشر است، که معنایی عمیقتر و جدیتر از پیشرفت دارد. زیرا پیشرفت رو به بالا و متعالی را می توان تکامل از نگاه ایشان نامید. پس درست برخلاف دیدگاه آنانی که معتقدند در ادیان مسأله پیشرفت نیامده، می توان گفت که، از نگاه مطهری و با مراجعه به نصوص دینی به اینجا می رسیم که نه تنها حداقل در اسلام مسأله پیشرفت آمده، بلکه از نگاه دینی می توان از تکامل جامعه و تاریخ بشری دفاع نمود.

ثانیاً: و البته این نکته نیز جای توجه و تذکر دارد که در فرهنگ دینی ما، حداقل در ایران، هنوز مباحث جدی مربوط به تاریخ و فلسفه تاریخ مورد تأمل قرار نگرفته و استاد مطهری را باید از معدود آدمیان و متفکرانی

(۱) مطهری مرتضی، قیام و انقلاب مهدی، صص ۷-۴۶.

که این اثر شامل مباحثی چون قرآن و تاریخ، حیات و جامعه از نظر قرآن، تکامل تاریخ، بینش انسانی یا فطری تاریخ، مشخصات بینش انسانی و... می باشد.

دانست که در برخی حیطه ها مؤسس اند و در طرح مسأله و سؤال و گشودن راه برای دیگران، در ایران پیشگام است که یکی از این مباحث، مسایل مربوط به فلسفه تاریخ (و نیز فلسفه اخلاق، مباحث مربوط به فطرت، شناخت شناسی و...) است.

از سنتهای حسنه استاد مطهری در این راستا که می تواند متابعت شود، آن بود که در منزلشان کتابهایی در موضوع را معرفی نموده و دانشجویان به ترتیب روی فصول مختلف آن کتاب کنفرانس می داده اند و ایشان ضمن کنفرانس افراد و یا پس از آن، مطالبی را بیان می کرده اند. محصول بررسی بخشهایی از کتاب «لذات فلسفه» اثر «ویل دورانت» و کتاب «تاریخ چیست؟» اثر «ای. اچ. کار»، کتاب «فلسفه تاریخ»^(۱) است که حاوی مطالب بسیار ارزنده بی در فلسفه تاریخ است.

و با همین نگاه، «قیام و انقلاب مهدی» و برخی مباحث دیگر از جمله مباحث کتاب «تکامل اجتماعی انسان» به رشته تحریر درآمده و تنظیم شده اند. اینجا است که باید گفت، در بحث فلسفه تاریخ، در میان حوزویان «فضل تقدم» نسبت به دیگران با مطهری است؛^(۲) اگر نگوییم که هنوز هم «تقدم فضل» در مباحث یادشده در بسیاری از مباحث از آن او است.

(۱) مطهری مرتضی، فلسفه تاریخ، ج ۱، انتشارات صدرا (چاپ اول): ۱۳۶۹.

(۲) برخی معتقدند که مطهری در رویکرد به اجتماعیات و مسایل نوپیدا، تا حدودی از «دکتر علی شریعتی» تأثیر پذیرفت. البته مطهری در تحلیل برخی مسایل با شریعتی اختلاف داشت، اما در پرداختن به آن مسایل از شریعتی الهام گرفته بود. برای نمونه اشاره می شود به مسایلی چون «انسان و جامعه»، «جامعه و تاریخ»، «فلسفه تاریخ»، «فلسفه اخلاق» و «سنجش نسبت اسلام با مکتبها و نظریات جدید»، که شریعتی برانگیزنده مطهری به اینها بود. ر.ک.

اسفندیاری محمد، مقاله مناسبات فکری مطهری و شریعتی، ویژه نامه روزنامه شرق، یادنامه استاد شهید مطهری (صحیفه)، اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۱۶.

ثالثاً: با نگاه عمیق مطهری، پاسخ برخی شبهات در موضوع «قیام و انقلاب مهدی» نیز خود به خود داده می شود. یکی از آنها همان شبهه مشهور انجمن حجّیه بیها است که حکومت قبل از حضرت مهدی، چون اصلاحاتی را صورت می دهد، مشروع نیست و قیام و ظهور آن حضرت را به عقب می اندازد.

در گفتمان فکری مطهری به فلسفه تاریخ، هیچ گاه تاریخ خیر مطلق و یا شر مطلق نیست. جریان حق و باطل همواره از بدء تا ختم بوده و جریان حق در مقابل باطل روز به روز عمیقتر می شود و از این رو هر نوع تلاش مصلحانه، به غنای حرکات درست و حق کمک می کند و مشروعیت خواهد داشت.

۶) در نکته ششم، استاد مطهری بینش فطری اسلامی را در مقابل بینش ابزاری (مارکسیستها) تعریف و تحدید نموده و معتقد است که از نگاه آنان، هیچ امر ماوراء حیوانی در سرشت آدمیان وجود ندارد و حال آنکه از نگاه دینی، انسان دارای سرشت الهی مجهز به فطرتی حق جو و حق طلب و آزاد از جبر طبیعت و محیط و سرنوشت است. درباره این موضوع نکات قابل توجه و بسط عبارت اند از:

۱-۶) اگر مجموعه نگاههای به انسان را با ملاحظه متغیر مجبوربودن یا آزادبودن، به دو دسته کاملاً دور از هم روی یک بردار نشان دهیم، آدمی یا کاملاً مجبور است و یا اینکه کاملاً آزاد است:



در طول تاریخ تفکر دینی و غیردینی بودند کسانی که از این دو گرایش افراطی و تفریطی دفاع می کرده اند. بحث مشهور «اشاعره» و «معتزله»، که اولی مدافع «جبر» و دومی مدافع «تفویض» بودند،^(۱) به همین بحث بازمی گردد.

در بین مکاتب غربی نیز اگر گرایش مارکسیستی، گرایش به جبر داشت، گرایش نقطه مقابل آن را می توان برداشت «اگزستانسیالیستها» دانست که معتقد به آزادی مطلق آدمیان بودند. به جهت اهمیت و زنده بودن این برداشت، بد نیست چند جمله بی پیرامون نگرش آنان در موضوع یادشده طرح بحث شود.

«آزادی» از دیدگاه مکتب اگزستانسیالیسم، غیر از آزادی به معنای عرفی و سیاسی و فلسفی آن، بلکه دارای مفهوم خاص است. در مورد «گزینش» که در زندگی ناگزیر از آن هستیم (آدمی مجبور است که آزاد باشد)، در میان آنها دو طرز تلقی وجود دارد:

اول: نگاه «سارتر» که معتقد است انسان در تک تک موارد گزینش دارد. یعنی هر فعل و نه تنها هر لحظه یک گزینش، بلکه برای هر لحظه چند گزینش صورت می گیرد. حتی برای به هم زدن پلک چشمها گزینش و انتخاب نقش دارد.

دوم: اما در مقابل، «کی یر کگور»، بانی اگزستانسیالیسم، بر این باور بود که هر کس نحوه زندگی خود را به یک گونه خاصی گزینش می کند. یعنی انسان یک انتخاب عظیم و کلی انجام می دهد که این انتخاب عظیم

(۱) مطهری مرتضی، انسان و سرنوشت، انتشارات صدرا.

موجب گزینشهای فرعی تر و منشأ انتخابهای دیگری می شود و اعمال نظر مجدد و گزینش مستقل در موارد جزئی لازم نیست.^(۱)

نگاه شیعی با اتکاء به کلام مشهور امام صادق (لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین)، در بردار مطرح شده حد وسطی می یابد که البته این امر بین امور جبر و تفویض نیز در تفسیر متفکران شیعی به یک گونه مطرح نمی گردد و خود دارای قبض و بسط است.

در این بین، آراء استاد مطهری در موضوع برجستگی خاص دارد که طرح همه نکات مربوط به بحث در این مقال نمی گنجد و خوب است که در اینجا به برداشت ایشان از موضوع در ذیل مسأله «بداء» که یک موضوع کلامی شیعی است، اشاره داشته باشیم. ایشان با طرح این پرسشها که آیا علم خدا تغییرپذیر است؟ آیا حکم خدا قابل نقض است؟ آیا دانی می تواند در عالی اثر بگذارد؟، به همه آنها پاسخ مثبت داده و می نویسد:

«بلی علم خدا تغییرپذیر است، یعنی خدا علم قابل تغییر هم دارد.
حکم خدا قابل نقض است، یعنی خدا حکم قابل نقض هم دارد.
بلی دانی می تواند در عالی اثر بگذارد، نظام سفلی و مخصوصاً

(۱) ر.ک.

غیائی کرمانی محمدرضا (به کوشش)، اگزیستانسیالیسم فلسفه عصیان و شورش، ناشر: مؤلف: ۱۳۷۵، صص ۱-۶۰.

و آراء اگزیستانسیالیستها در:

سارتر ژان پل، اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، انتشارات نیلوفر (چاپ نهم): ۱۳۷۶، صص ۱-۷۰.

و شرحی بر آراء کی یرکگور را ببینید در:

منصورنژاد محمد، مقاله اگزیستانسیالیسم با تأکید بر روایت کی یرکگارد، مجموعه مقالات دومین همایش جهانی حکمت متعالیه و ملاصدرا، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، بهار ۱۳۸۳.

اراده و خواست و عمل انسان، بلکه اختصاصاً اراده و خواست و عمل انسان می تواند عالم علوی را تکان بدهد و سبب تغییر آنی در آن بشود. این عالیتین شکل تسلط انسان بر سرنوشت است. این همان مسأله عالی و شامخ بداء است که قرآن کریم (رعد/۳۹) برای اولین بار در تاریخ معارف بشری از آن یاد کرده است.^(۱)

بر اساس این مبنا، اگر اشکال شود که ظهور حضرت حجت (عج) مقدر است و از سوی خدا رقم خورده است و حکم خدا نیز تغییرناپذیر است، پس دعاها، نیایشها، تضرعهای ما برای ظهور (و یا سلامت ایشان) و... چه تأثیری دارد؟ و شاید از نگاه برخی کار عبث و لغوی است. و حال آنکه بر اساس مبنای یادشده، در بحث جبر و اختیار، آدمی تا آن حد اهمیت و ارزش دارد که کلام و فعل او در همه هستی مؤثر می افتد و حتی در احکام و قضای الهی نیز تأثیرگذار است و لذا می تواند بر زمان ظهور امام زمان نیز تأثیر بگذارد و با شیوه رفتار پسندیده و افعال حسن، زمینه حضور و قیام آن حضرت را فراهم سازد.

۶-۲) برداشت الهی و دینی که استاد مطهری در موضوع مطرح می کند، علاوه بر اینکه در مقابل مارکسیستها قرار می گیرد، از زاویه دیگری نیز در مقابل اگزیستانسیالیستها می ایستد. زیرا از جمله نکات مهم و اجماعی آنها (اعم از ملحد و موحد) آن است که، اصالت انسان با وجود او

(۱) تفصیل بحث در:

مطهری مرتضی، انسان و سرنوشت، صص ۵۱-۴۹.

است و از این رو ماهیتی از پیش تعریف شده برای بشر نمی شناسند. به تعبیر «سارتر»:

«نمی توانم به کسانی که نمی شناسم، به اتکای نیک نهادی بشر، یا رعایت منافع جامعه از طرف فرد متکی باشم، زیرا می دانم که بشر آزاد است و هیچ گونه طبیعت بشری که بتوان بر آن تکیه کرد، وجود ندارد. بشر ممکن است نیک نهاد باشد و ممکن است نباشد. ممکن است منافع جامعه را رعایت کند و ممکن است نکند. این سخن به هیچ وجه دلیل بر آن نیست که بشر لزوماً بدنهاد است، یا منافع اجتماع را رعایت نمی کند.»^(۱)

بشر نه فقط آن مفهومی است که از خود در ذهن دارد، بلکه همان است که از خود می خواهد. آن مفهومی است که پس از ظهور در عالم وجود، از خویشتن عرضه می دارد. همان است که پس از جهش به سوی وجود، از خود می طلبد. بشر هیچ نیست، مگر آنچه از خود می سازد.^(۲)

از دلایل اینکه از نگاه اینان، نباید برای آدمی ماهیتی از قبل تعیین کرد، آن است که اگر آدمی را دارای سرشت و جوهره خاص تعریف کردیم، میدان و فضای مانور را برای او محدود می کنیم و آزادی در شدن و رفتن را از او می گیریم و از همین رو بشر مسخ شده و محکوم و مجبور به زندگی در چهارچوبه و قالب خاصی می شود.

از نگاه دینی پاسخ این اشکال بدین نحو قابل عرضه است که، اگر میدان بازی آدمی بر اساس سرشت، به منطقه یی کوچک، محدود و خاص

(۱) سارتر ژان پل، اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۴۹.

(۲) همان منبع، صص ۹-۲۸.

تحدید می شد، اشکال فوق وارد بود و حال آنکه آدمی اگر بر مبنای فطرت توحیدی (که استاد مطهری در ۱۰ سخنرانی ذیل همین عنوان که تحت عنوان «فطرت» منتشر شده اند، از آن دفاع می کند و البته بحث بسیار چالش برانگیزی نیز می باشد) حرکت کند، چون جهت حرکت او خدا است و خدا هم حد ندارد، اگر بخواهیم به سمت علم، کمال، صبر، قدرت، زیبایی و... الهی بالاییسیم و صفات خدایی را در خود متجلی نماییم، این مسیر نامحدود و حدناپذیر است.

اینجا است که در مسیر آزادی، آدمی به بن بست کشیده نمی شود و اگر شب و روز هم مسیر کمال را طی کند، هنوز این راه پیمودنی است. حتی اگر در سرشت آدمی، «غریزه» را نیز جدی بگیریم، غرایز و خواسته های مادی و حیوانی نیز سیری ناپذیر و استمرارپذیرند و از این رو اعتقاد به سرشت، ماهیت و جوهره پیشینی برای آدمی به جبر منتج نمی گردد، تا ما مجبور شویم که به بهانه دفاع از اصالت وجود، ماهیت آدمی را انکار کنیم.

در رابطه با بحث مهدویت نیز از آنجا که خداوند برای خلقت هستی و آدمی، هدفی را منظور نموده و بدون تحقق آن غایات و آمال، فلسفه آفرینش به زیر سؤال رفته و هستی عبث خواهد شد، از این رو در قالب سرشتی که برای طبیعت عموماً و برای بشر خصوصاً در نظر گرفته شده، در جریان مبارزه زشت و زیبا، نهایتاً جهان باید به سوی زیباییها، خیرها، فضایل و آرمانهای اصیل بشری سیر نماید و در این میدان ضمن اینکه روند تاریخ بشری جهتگیری خاصی داشته، با تجربه زشتیها و پلشتیها، برای پذیرش عدالت، فلاح و صلاح آماده می شود و در چنین عصر و محیطی است که امام غایب از پرده غیبت به سراپرده حضور می آید و سرشت اصیل و

حقیقی آدمی را که آمال همه انبیاء و اولیاء و صالحان است، از حالت بالقوه به حالت بالفعل درمی آورد.

و از آنجا که خیرات و فضیلتها حدناپذیرند، از این رو جامعه آخرالزمان از جهت فردی و جمعی دایماً می تواند در حال تکاپو و پیشرفت باشد و از سطحی به سطح بالاتر سیر نماید.

(۷) استاد مطهری در نکته هفتم، از ارکان و عناصر مختلفی از آرمان بزرگ ظهور که آینه مناسب آرمانهای اسلامی در ابعاد مختلف (فلسفی، تربیتی، سیاسی، اقتصادی و...) است، سخن به میان می آورد که شرح مستقلاً بر آنها ندارد و البته برخی از این نکات و عناصر در بندهای پیشین مورد اشاره واقع شده اند.

شاید رکنی که در همه ابعاد فلسفی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... حضور جدی دارد و عنصر جدی آرمان قیام و انقلاب مهدی است، آن است که:

اولاً: اگر آدمی ذواضلاع است، ابعاد وجودی مختلف دارد.
ثانیاً: دارای سرشت در همه ابعاد یادشده است و همه این جوهره ها رو به بالا و خدا دارند.

ثالثاً: مسیر خدایی، مسیر توقف، رکود، سکون، جمود و بن بست نیست.
از این رو کسی که منتظر است، کسی که در گفتمان مهدویت نفس می کشد، کسی که عالم را از منظر دینی تفسیر می کند، هرگز نمی ایستد، هیچ گاه به یأس، پوچی، ابتدال، خستگی و بی معنایی در زندگی نمی رسد؛ هیچ وقت بدین نمی اندیشد که اگر حرکت و تلاشش در راه خوبیها

فی الحال ثمر نداد، پس بی ارزش است؛ و هیچ زمان بدینجا نمی رسد که توجیه گر وضع موجود باشد.

ممکن است منتظر با توجه به شرایط ظاهراً سکوت کند، در مقطعی آرام به نظر برسد، در مسأله بی عکس العملی نداشته باشد، اما او همواره در درون سراپا آتش است؛ به دنبال فرصتی است که بجوشد؛ به دنبال محیطی است که اثر بگذارد و به دنبال مجالسی است تا از ارزشهای انسانی دفاع کند و اصل در او حرکت، رفتن، شدن و پویایی است. این حرکت، قیام و فریادش تک بعدی نیست، که در مسایل فرهنگی فعال باشد، اما از موضوعات سیاسی غفلت کند و یا بالعکس، در مسایل سیاسی و اجتماعی مؤثر باشد، اما در میادین تربیتی و فرهنگی و... کم بگذارد.

آنچه که تاکنون از فعالان و جریانهای مذهبی و سیاسی و... خصوصاً در ایران، عمدتاً ملاحظه شد، حرکات یک جانبه و محدودنگریها بوده و غفلت از ابعاد دیگری که لازمه وجود فردی و اجتماعی بشری است.

بودند مبارزینی که شب و روز آرام و قرار نداشتند و از آن رو که به آنان فرصت فعالیت در عرصه ها داده نمی شد، حتی به خانه های تیمی و مخفیگاهها نیز کشانده شدند، اما از ابعاد تربیتی، معنوی و فردی آرمان طلبی و آینده نگری و مدینه فاضله خواهی فاصله گرفتند.

از سوی دیگر، دیگرانی به بهانه تلاش تربیتی و فرهنگی برای ظهور حضرت مهدی، از نگاههای سیاسی و فلسفی و اجتماعی بازماندند، حال آنکه آرمان آخر الزمان طلبی و نوید شرایط مطلوب دینی، بر اساس تحلیل رایج شده در این نوشتار، نگاه جامع و کلان و فراگیر را می طلبد و که فرد منتظر در همه ابعاد فعال و مؤثر است.

۸) استاد مطهری در نکته هشتم، از مشخصات انتظار بزرگ سخن به میان آورده است: پیروزی نهایی صلاح و تقوا، حکومت جهانی واحد، بلوغ بشریت به خردمندی کامل و... در رابطه با این بند می توان گفت که:

۸-۱) نسبت به آینده با دو شیوه می توان اظهار نظر نمود که هر یک در گفتمان خاص خود معنا پیدا نموده و روشهای خاص خود را نیز دارند. مجموع نگاه به آینده در دو سطح: «پیشگویی» و سپس «پیش بینی» قابل تحلیل اند. گرچه شرح و بسط موضوع، خارج از حد رسالت مقاله می باشد (که صبغه شرح و بسط یک موضوع را دارد)، اما در حد اشاره می توان گفت که، مقوله پیش بینی در متون دینی با کلیدواژه هایی مطرح شده اند، از قبیل: «علم غیب»، «وعده های الهی» (که متعلق تحقق اموری شده است) و این بیان که «اراده خداوند بر این تعلق گرفته که چنین و چنان شود»، «سنتهای الهی»، «ملاحم» (به معنای جنگ، خونریزی بزرگ و رزمگاه) و نیز صفاتی که برای شخص مؤمن در نظر گرفته شده است (تقوا، اخلاص، هدایت و بصیرت)، در ارتباط تنگاتنگ با موضوع اند.

این نوع آینده نگریها (که البته به مصادیق دینی و آسمانی خلاصه نشده و شامل داده های منتج از طالع بینیها و رمالیهها و... نیز می گردد) را می توان «پیشگویی» نامید که در قرآن کریم نیز مطرح شده است^(۱) و در کتاب

(۱) قرآن کریم، سوره های نور/۵۵، اعراف/۱۲۸، انبیاء/۱۸، روم/۲، انفال/۷.

«نهج البلاغه» از امام علی (ع) نیز پیشگویی‌هایی نقل شده،^(۱) که گذر زمان آنها را به اثبات رسانده است.

اما در لسان علوم دقیقه و تجربی و به تبع علوم انسانی، نسبت به آینده موضوعات، آدمیان و پدیده‌ها، به گونه‌ی دیگر اظهارنظر می‌گردد که از آن به «پیش بینی» می‌توان یاد نمود. در اینجا سخن آن است که یک نظریه باید توان انجام سه کار را داشته باشد: اول: «توصیف» شرایط حاضر؛ دوم: «تبیین» ریشه‌ها و چرایی‌های یک موضوع؛ سوم: در نهایت قابلیت و توان «پیش بینی» نسبت به آینده موضوع را نیز داشته باشد.

مثلاً پزشکی فردی را معاینه می‌کند (گام نخست). سپس ریشه‌های مرض و مشکل فرد را تشخیص می‌دهد (گام دوم). و در مرحله سوم پیش بینی می‌کند که این فرد ممکن است خوب شود و یا بر اثر همین مشکل در چند ماه آینده حتی بمیرد.

در این میدان مباحث جدی قابل طرح اند، از جمله اینکه، آیا می‌توان همچنان که در علوم طبیعی و تجربی می‌توان پیش بینی‌های دقیق داشت (مثلاً یک مرکز رصد و ژئوگرافی اعلام می‌کند که در ساعت فلان روز یا شب، خورشید یا ماه می‌گیرد و کسوف یا خسوف رخ می‌دهد)، در علوم انسانی نیز چنین آینده‌نگری‌هایی درباره‌ی آدمیان میسر است؟

اجمالاً پاسخ آن است که، اگر راه به کل بسته هم نباشد، حداقل این نکته قابل قبول است که در زمینه‌ی آینده‌انسانها، که با وجود اراده و اختیار و

(۱) ر.ک.

سبحانی محمدجعفر، نهج البلاغه و آگاهی از غیت، یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه: ۱۳۶۰.

استعدادهای مختلف در مسیر مستقیم و ثابتی حرکت نمی کنند، پیش بینی به سهل الحصولی همین کار در میادین علوم تجربی نیست.

در حالی که منبع آینده نگری در پیشگوییهای دینی، «غیب، وحی، قلب و علم حضوری» هستند، منبع آینده نگری در پیش بینیها، «عقل، قوانین حاکم بر طبیعت و علم حصولی» است.

از این رو پیشگوییها غالباً صبغه فردی دارند و از سوی یک نفر در گوشه یی از عالم اعلام می شود و اصراری هم ندارد که آن را مدلل کند. اما پیش بینیها پس از آنکه محقق شد، قابلیت آزمون برای سایرین را یافته و هر دانشجوی آن رشته نیز در صورت مراجعه به ابزار و ادله، به همان نتیجه یی می رسد که یک دانشمند پیش بینی نموده است.^(۱)

مباحث مربوط به آخر الزمان، ظهور منجی و مشخصاتی که برای انتظار بزرگ برشمرده می شوند، از مقوله پیشگوییها هستند، نه پیش بینیها و از این رو متکی به علم حضوری اند که صبغه شخصی و فردی دارد و منبع آن می تواند غیب، وحی و... باشد. همچنان که این احتمال وجود دارد که افراد و شیادانی از این پدیده مهم، اصیل و سازنده، بهره سوء برده و ادعای

(۱) در بحث حاضر حداقل ر.ک.

برزگر ابراهیم، مقاله پیش بینی و پیشگویی در بستر سه رهیافت، مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس حوزه و دانشگاه، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مجمع هماهنگی مراکز پژوهشی و آموزش عالی، دار الشفاء قم: ۷-۲۶/آذرماه ۱۳۷۳.

پوپر کارل ریموند، منطق اکتشاف علمی، ترجمه حسین کمالی، انتشارات علمی و فرهنگی: ۱۳۷۰، ص ۲۵۶ و ۳۰۴-۵.

شفیعی دارابی محمدحسین، مقاله پیشگوییهای قرآن، مجله معرفت، ش ۴-۳، زمستان ۱۳۷۲.
نوستر آداموس، پیشگوییهای نوستر آداموس، ترجمه پوران فرخ زاده، نشر نی: ۱۳۶۹.

زمان ظهور و علایم قیام، رخ دادن فلان حادثه در فلان موضع را مطرح کنند.

از این رو منتظران منجی باید دقت کنند که هم مشخصات مطرح شده برای آخر الزمان حداقل از جهت سندیت و منابع، متقن باشد و در این باب صرف ارجاع به یک حدیث و کتاب نیز کافی نیست، بلکه باید به احادیثی ارجاع داد که با عبور از صافی علم رجال و درایه، سندیت اصل حدیث و راویان آن از سوی کارشناسان تأیید شود.

و کار دیگر تطبیق آن مشخصات با مصادیق است که در این میدان همواره و در همه جا و در همه ادیان، عده بی از احساسات پاک دینداران، سوءاستفاده کرده اند و اینجا است که در این میدان نیز هشیاری بیشتر علاقه مندان به ظهور لازم و ضروری است. و شاید لازم باشد که نهادی از سوی حوزه علمیه، مسئولیت تطبیق مشخصات وارده با حوادث، مسایل و ملاحم را برعهده بگیرد.

۸-۲) از جمله اشتراکات دیدگاه در میان ادیان ابراهیمی در مسأله موعودباوری، وجود پیشگویی‌هایی درباره علایم آخر الزمان است، که در منابع مختلف قابل مراجعه است.

در «اناجیل» گفتگوی عیسی ناصری با یارانش آمده که حواریون از نشانه های آمدن او در پایان دنیا پرسیده اند و او از علایم ظهور را افزایش جنگها، گسترش خشکسالی، شیوع بیماریهای مهلک، فراوانی زمین لرزه، گسترش خشونت، افزایش مسافرتها، فزونی دانش، ظهور ضد مسیح و ظهور ثانوی مسیح برشمرده است.^(۱)

(۱) فاطمیان علی، مقاله نشانه هایی از پایان، در کتاب: پیشگوییها و آخر الزمان، صص ۶۱-۵۲.

۳-۸) از مشخصات برشمرده شده برای انتظار بزرگ، «بلوغ بشریت به خردمندی کامل» است. این نکته را شاید بتوان بدین نحو مورد تأمل قرار داد که، دلیل تحول اساسی بشری چیست؟ چرا چنین مشخصه‌ی ظاهر می‌گردد؟

ممکن است دلیل مسأله را به ظهور حضرت حجت، منجی موعود و... بازگرداند؛ یعنی اگر دو عامل در تحول در یک موضوع ضروری اند: «فاعلیت فاعل» و «قابلیت قابل»، در اینجا تمرکز اصلی را به علت فاعلی بازگردانده و بگوییم که، خداوند خواسته است علیرغم اینکه قابل هنوز استعداد کافی نداشته، در یک تصرف معنوی و غیبی، سرنوشت بشریت را عوض کرده و برای آنها قابلیت نیز ایجاد کند.

اما مسأله را طبیعی و معقولتر نیز می‌توان تعلیل نمود و ادعا را تا آنجا پیش برد که، از آن رو خداوند در سرنوشت بشری در مقطع خاصی از تاریخ تحول اساسی و بنیادی ایجاد می‌کند، که قابل نیز قابلیت لازم را به دست آورده و بشر نیز زمینه پذیرش چنین تحولی را به خوبی دارا است.

به عبارت واضحتر می‌توان گفت که، بشر همواره به دنبال تجربه جدید، بهتر و عالیتر بوده است. از این رو مکاتب مختلف بشری سربرآورده و ادعای رهایی، عدالت، فضیلت و کمال را داشتند و پس از مدتی این سخنان در حد مدعا ماند و در عمل مسیر دیگری طی شد و به ظلم بیشتر به بشر منتج گردید (مثال بارز آن مکتب مارکسیسم و حکومت‌های کمونیستی

ضمناً در همین منبع مقاله‌ی بی‌به «پیشگوییهای نوستر آداموس» (رسول نیمروزی) اختصاص یافته و در مقاله دیگری با عنوان «سیمای کلی دوران ظهور» (علی کورانی)، با مراجعه به منابع شیعی، نشانه‌های ظهور در جوامع روایی منعکس گردیده و خبر از انقلابی است که به وسیله حضرت مهدی و از مکه آغاز می‌گردد، وقوع جنگ جهانی و...

بود، که در قرن بیستم تا نیمی از بشریت را نیز تسخیر نموده و چه امیدها ایجاد نمود، ولی اکنون سر از زیاله دان تاریخ در آورده است).

از آن رو که بشر از مکاتب مختلف و از حکومت‌های مدعی برابری، مردمگرایی، دفاع از حقوق آدمی و... خیری نمی بیند، از این دستاوردهای انسانی خسته و دلزده شده و این پتانسیل و ظرفیت را می یابد که به سخن آسمانی و غیبی گوش جان بسپارد.

حال آنکه همین بشر در مقاطع پیشین، عمدتاً تحمل پیام الهی را نداشته و یاران حق قلیل بودند و مدعیان پیامهای آسمانی مهجور و حتی در عصر ائمه نیز، حکومت علوی و رضوی با مشکل دچار شده و رهبران الهی مسموم و یا کشته می شدند. و از دلایل غیبت امام زمان (عج) نیز باید به همین نکته اشاره داشت. زیرا اگر امام زمان نیز پس از سایر ائمه در میان مردم ظاهر می شد، به همان سرنوشت آباء و اجدادش دچار می شد؛ چنانچه در حدیثی از امام صادق (ع) خطاب به زراره آمده که:

«امام مهدی چاره یی جز غیبت نخواهد داشت. زراره پرسید: دلیل غیبتش چیست؟ امام در حالی که با انگشت بر بدن مبارکشان اشاره می کردند، فرمودند: ترس از جانش».^(۱)

(۱) نودهی علیرضا، مقاله نظریه اختیاری بودن ظهور، ماهنامه موعود، ش ۴۹: آذر و دی ماه ۱۳۸۳، صص ۲۸-۳۳.

و حدیث متن به نقل از:

شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۱.

و از شیخ طوسی (الغیبه، ص ۳۲۹) نقل شده که، تنها علتی که مانع از حضور حضرت شده است، ترس از قتل امام می باشد.

اما امروزه بشر جاننش از حکومت‌های بشر و پیام‌های زمینی خسته شده و چون داده‌های قرون و اعصار بشری را طی سالیان متمادی دارد، به خردورزی عمیق رسیده و با اندیشه و تعقل به اینجا می‌رسد که وضع حاضر با نسخه‌های بشری قابل درمان نیست و این عطش درونی، پیامی معنوی از سوی فردی مستظهر به تعالیم غیبی و آسمانی را می‌طلبد و دیگر باید به قول «حافظ»، طرحی نو در انداخت:

«بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم.»

۹) نکته نهم استاد مطهری مؤید این مطلب است که، قیام مهدی موعود آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است. در شرح کوتاه بر این نکته باید گفت که، اگر مجموعه آرمانشهرها و مدینه فاضله‌ها در سیر تاریخی به سه دسته «بهشت این جهانی»، «اسطوره عصر زرین» و «آرمانشهر در معنای امروزین آن» قابل طرح باشند، اعتقاد به ظهور حضرت مهدی و منجی موعود، فارغ و خارج از مدینه‌های فاضله سه گانه است. تفاوت آرمانشهر با بهشت این جهانی این است که در آرمانشهر اجتماعی، انسان در تمام سازمانها و نهادهایی که برای اداره زندگی ضرورت دارند، شرکت داده شده و همه مسایل آن (فرمانروایی، توزیع ثروت و...) در قالب آرمانی توصیف شده است. اما بهشت این جهانی جایی بی تحرک و ایستا است، که افراد فارغ از بیماری و پیری و گاهی با عمر جاوید، غرق در سرور و شادکامی زندگی می‌کنند. در حالی که سازمان سیاسی و اجتماعی شهر آرمانی، حاصل اندیشه و تعقل انسان روشنفکر

است، اما بهشت این جهانی معمولاً حاصل لطف پروردگار و پاداش به نیکوکاران است.

اما در «اسطوره عصر زرین»، گذار واپسگرایانه انسان و جهان واقعیت به گذشته اساطیر است. عصر زرین هنگامی که در قلمرو اساطیر باشد، روایت دوران آمیختگی انسان با طبیعت، فراوانی و آسایش است. معمولاً اسطوره عصر زرین جستجوی گذشته ملتها، پس از سقوط از مرحله مجد و عظمت به ورطه رنج و مرارت است.^(۱)

مدعای ما با اسطوره سازی ربطی ندارد، زیرا هم نگاه به گذشته ندارد، بلکه افق آینده را مدنظر دارد و هم اصیل است و ساختگی و جعلی نیست.^(۲)

مدعای ما با مدینه فاضله روشنفکری که قرار نیست محقق بشود نیز فاصله دارد، زیرا یک پا در آسمان داشته و خداوند اراده کرده که بشریت را پس از تجربه سالیان دراز رنج و مصیبت، وارد فضایی دلگشا و مطلوب کند و بازیگران اصلی این میدان نیز مؤمنان و متقین (اعم از زن و مرد، باسواد و بی سواد، بزرگ و کوچک و...) هستند. و قرار هم نیست که تخیل محض باشد، بلکه موضوعی است که واقعیت دارد و انتظار بشری نباید عبث و واهی باشد، بلکه باید روزی لباس حقیقت و واقعیت به تن بپوشد.

(۱) ر.ک.

اصیل حجت الله، آرمانشهر محصول تفکر انسان ناخرسند، روزنامه همشهری: ۱۳/۷/۱۳۸۲، ص ۱۷.
(۲) «اسطوره» و «اساطیر» را در لغت به سخن پریشان، افسانه های باطل و احادیث بی سامان ترجمه کرده اند و «لوسین لوی برول»، جامعه شناس فرانسوی، درباره مبانی بینش اساطیری معتقد است که، اساطیر ابتدایی اقوام بدوی حاکی از ساخت فکری خاصی است که می توان آن را پیش منطقی دانست. و انسان بدوی هر اتفاق خوب و بدی که رخ می دهد را به نفوذ نیروهای مرموز و سحرآمیز نسبت می دهد. ر.ک.

پارسانیا حمید، نماد و اسطوره، مرکز نشر اسراء: ۱۳۷۳، صص ۳-۶۲.

با بهشت این جهانی با تعبیر فوق نیز نمی سازد، چون جای بی تحرک و ایستا نیست و علیرغم تحولات عمده، بشر به زندگی عادی خود ادامه خواهد داد و دستاوردهای جدید خواهد داشت، منتها در سطحی عالتر و متعالتر.

اما بهشت زمینی و این جهانی معنای دیگری نیز دارد و آن اینکه، انسان نعمات و فرصتهایی را تجربه می کند که در طول عمر بشری دیده نشده است؛ به آسایش و رفاه و اعتماد و ملاحظتی می رسد که در این حد از خوبیها را هرگز تجربه نکرده بود. و البته در این فضا نیز آنچنان نیست که باطل کاملاً نابود شود، بلکه غلبه با حقمداران است و دونان و منافقان و مفسدان و... در اقلیت می مانند و قدرت و فرصت عمل اندکی دارند.

خلاصه اینکه، اگر بشر سالیان دراز به انتظار نشسته، مدت‌های مدید سختیها را تحمل نموده و به وعدهٔ مصلحان گوش داده است، بی حاصل نمانده و انتظاراتش واهی نبوده و یوسف گم گشته اش باز خواهد گشت و آرمانش محقق خواهد شد. حسن ختام این مقال، سخن نغز «حافظ» است که به منتظران چه زیبا نوید پایداری می دهد:

«یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور

ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن

وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور

گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن

چتر گل در سرکشی ای مرغ خوشخوان غم مخور

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت
دایماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور
هان مشو نومید چون واقف نه یی از سر غیب
باشد اندر پرده بازیهای پنهان غم مخور
ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند
چون تو را نوح است کشتیبان ز طوفان غم مخور
در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنشها گر کند خار مگیلان غم مخور
گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید
هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور
حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب
جمله می داند خدای حال گردان غم مخور
حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار
تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور».

پرسش و پاسخ^(۱) در موضوع مهدویت

سؤال: امام غایب به چه کار ما می آید؟

دکتر منصورنژاد: پرسشی مطرح شده است که وجود امامی که دور از دسترس مأموم و مشتاقانش است، چه فایده‌ی دارد؟ و غیبت امام عصر چه ثمره‌ی بی برای افراد دارد؟ اگر گفته شود که برای افراد خاص و نخبه و معنوی راه بسته نیست و می توانند خدمت امام برسند، این اشکال مطرح می شود که اتفاقاً عوام بیشتر به امام نیاز دارند، تا خواص و امام بیشتر باید در دسترس عموم مردم باشد که پرسشهای آنان را پاسخ گوید.

در اینجا سعی می کنم که بحث «فایده‌ی امام غایب چیست؟» را بسیار مختصر در سه سطح مطرح کنم. به عبارت دیگر، متعلق فایده‌ی امام غایب در

(۱) بحث حاضر در یک نشست خصوصی دانشجویی با دکتر منصورنژاد برگزار شده است.

سه سطح: «هستی»، «جامعه» و «فرد» است که البته خیلی قابل تفکیک نیست و کمی با هم تداخل نیز دارند. سطح اول اینکه، فایده امام برای «هستی» چیست؟ آیا وجود و عدم وجود او مثرثمر واقع می شود؟؛ سطح دوم اینکه، امام غایب برای اجتماع چه فایده یی دارد؟؛ و سطح سوم اینکه، امام غایب برای افراد چه فایده یی دارد؟

سطح اول: فایده امام برای «هستی» چیست؟ در اینجا با مبنایی که ما داریم، هم طبق آیات قرآن، انسان قرار است که جانشین و خلیفه خدا شود: «انی جاعل فی الارض خلیفه».

و هم از قول ملائکه آمده که:

«قال اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدر لک، قال انی اعلم ما لا تعلمون»،

آدمها فساد می کنند، آدمها خونریزی می کنند و... این چیزی که ما از آدمها می بینیم، اتفاقاً همان چیزی است که فرشته ها می گفتند. الان روزی نیست که از فلسطین اخبار تکه تکه شدن مردم را نشنویم. آنچه ما می بینیم، همانی است که فرشته ها می گفتند.

پس یا باید حرف خدا ناصواب باشد و فرشته ها بهتر فهمیده باشند و یا اینکه منظور خدا و غایت خدا چیزی بوده است که به فرشتگان گفت که، «انی اعلم ما لا تعلمون».

اینکه خدا می گوید: «انی جاعل فی الارض خلیفه»، یعنی همانا من روی زمین جانشین قرار داده ام، اولاً: یک امر بالقوه است، نه اینکه آدمیان بالفعل

خلیفه خدا هستند، بلکه بالقوه این توانایی و استعداد را دارند که جانشین خدا باشند.

ثانیاً: از بین این آدمیان کسانی هستند که بالفعل جانشین خدا هستند. آنها هستند که به برکت آنها، هستی در حال گردش است. مثلاً در مورد پیامبر گفته شده است که،

«لو لا ک لما خلقت الافلاک».

اگر تو نبودی اصلاً این افلاک را خلق نمی کردم.

به عبارت دیگر، در نگاه دینی، هستی برای انسان خلق شده است:

«و سخر لکم الشمس و القمر».

اما نه آدم به معنای اینکه هر کسی که سر و دست و پای دارد، بلکه آن انسانی منظور است که خداوند طالب او بوده و برای ارزش، اهمیت و اعتبار او هستی را خلق کرده است. هستی برای انسانهایی است که واجد کمالات عالی و صفات کمالیه و جلالیه الهی هستند. در بین آدمها کسانی مانند پیغمبر هستند و در هر زمانی کسانی هستند که مدار هستی اند و هستی در اصل برای آنها خلق شده و دیگران همه باید جهتگیری زندگیشان را به سوی آنها تنظیم کنند.

اگر خدا گفته است که:

«کنت کنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف»،

من گنج مخفی بودم، می خواستم که شناخته شوم،

باید به وسیلهٔ یک کسی معرفی شود که ارزشش را داشته باشد که خلیفهٔ خدا باشد و پا در جای پای خدا بگذارد.

افرادی که ما روزانه با آنها سروکار داریم، عمدتاً آن کسانی نیستند که هستی برای آنها خلق شده باشد. اینجا است که باید به دنبال کسانی بگردیم که خداوند آنها را جانشین خود معرفی کرده و فرموده است که:

«انی اعلم ما لا تعلمون».

من کسانی را سراغ دارم که شما نمی شناسید.

و از همینجا است که بحث «انسان کامل» به طور عام و در عصر حاضر بحث «امام زمان» (سلام الله علیه) مطرح می شود که به واسطهٔ اینها است که هستی در حال گردش است و از این جهت است که می گوئیم، اگر حجت خدا نباشد، زمین آنچه را که دارد می بلعد، ولی به خاطر حضرت است که سایر انسانها را تحمل و همراهی می کند.

پس اگر هستی برای انسان خلق شده و هر انسانی صلاحیت ندارد که هستی برای او خلق شده باشد، در هر عصری زمین نیاز به حجت الهی دارد و نیاز به انسان کاملی دارد که هستی برای او خلق شده باشد و زمین بر مدار او بگردد. از این جهت، ظهور حدیث «کنت کتراً مخفياً» در حد امام است که معنادار می شود و خداوند دوست داشت که به وسیلهٔ حضرت علی شناخته شود و دوست نداشت که معاویه باشد و در حال حاضر دوست داشت که در جلوهٔ امام زمان خودش را ببیند.

پس اگر پرسیده شود که «فایدهٔ امام زمان برای هستی چیست؟»، با مبنای شیعی که من برشمردم و با آن مقدمات کلامی که انسان خلیفه الله است و همهٔ اینها یک نمود و جلوه یی می خواهد که مصداق اسم آن در

زمان حاضر امام زمان (سلام الله علیه) است و دیگران هر کسی که در این مسیر قدم بردارد، رتبه گرفته و امتیاز به او تعلق می‌گیرد.

تا اینجا به این پرسش که «هدف و فایده امام غایب و وجود او در هستی چیست؟»، اجمالاً پاسخ داده شد. از این نظر دیدن و ندیدن امام زمان از سوی ما بر فلسفه وجودی او آسیبی نمی‌زند و امام غایب کارکرد بسیار مهم و حساسی نیز برای عالم دارد.

سطح دوم: فایده امام غایب برای «جامعه و اجتماع» چیست؟ با مبنای شیعی و البته در فلسفه تاریخ، ما به درستی معتقدیم که مسیر جامعه و تاریخ، سیر کمال و تکاملی دارد و بحثهایی در فلسفه تاریخ مطرح است که، آیا حرکت جوامع به سوی پیشرفت است یا پسرفت؟ اگر به سوی پیشرفت و کمال است، آیا این حرکت خطی است یا دوری؟ و اگر دوری است، آیا حرکت تاریخ به صورت دایره‌یی است یا حلزونی؟ اگر دایره‌یی است، به جای اولش بازمی‌گردد و اگر حلزونی است، جامعه در این حرکت نهایتاً گامی به سوی جلو برمی‌دارد.

بدون بسط این مباحث، آنچه که با مبنای اعتقاد به امام زمان (عج) جوردرمی‌آید آن است که، جوامع بشری از یک زمانی شروع کرده و مرتباً و دائماً بالا و به سوی کمال می‌رود، تا آماده شود که بتواند پیام اصلی «کنت کنزاً مخفیاً» را درک کند؛ و آن چیزی که خداوند باری تعالی می‌خواسته (که این زمین را مسخر او کند و جلوه‌های خودش را در این زمین ببیند)، در اینجا برای یک بار هم که شده، در مرحله‌نهایی تحقق پیدا کند.

از نگاه ما، مسیر تاریخ تکاملی است. در اینجا در حد پاورقی اشاره می شود که، آنهایی که می گویند امام زمان (سلام الله علیه) وقتی که می آید، شمشیر به دست می گیرد و آنقدر می کشد که تا پای رکاب اسبش را خون می گیرد، حرف بی دلیلی است. زیرا مگر امام زمان قاتل و آدم کش است؟ و مگر آمده که انسانها را بکشد؟ اگر قرار بود که با کشتن افراد کار درست شود که همان حضرت علی هم توانایی این کار را داشت و تعداد انسانها کمتر بود. چرا باید صبر کنیم که ۲۰۰۰ سال بعد، جمعیت بیش از شش میلیارد انسان به وجود بیایند و... بعد آنها را می کشیم؟!

از آدم کشی نه خدا به مقصودش می رسد و نه معصوم خوشش می آید. آیا هدف خلقت این بوده که مردم بمیرند و از شش میلیارد نفر، مثلاً پنج میلیارد را بکشیم که هدف خلقت تحقق پیدا کند؟! این چه حرف و چه استدلالی است؟

پس چه تحولی می شود که امام غایب ظهور می یابد؟ پاسخ آن است که، جامعه آنقدر بالغ و آماده می شود و آنقدر ایدئولوژیها امتحان می شوند و از داخل لیبرالیسم و اگزیستانسیالیسم و... نتیجه بی بیرون نمی آید، انسانها منتظر می شوند که شخصی بیاید و مردم را رهایی بخشد.

پس مسیر تاریخ تکاملی می باشد. انسان در جایی باید به ظهور برسد و بالغ شود. و مراد از «انی جاعل فی الارض خلیفه» این نیست که به دنبال افراد معدودی باید گشت و پیدا کرد، زیرا خیلی قانع کننده و مطلوب نیست که اکثر آدمیان اهل فساد و خونریزی باشند و فقط اقلی از آنها خوب باشند و بگوییم هستی برای اقلیت خلق شده است. این چیز زیبایی نیست.

در اصل باید در این جهت حرکت کنیم که جامعه به جایی برسد که اکثریت آدمها اهل فساد و خونریزی و... نباشند و جامعه منتظر آن روز است. و وقتی که امام زمان ظهور کند، دیگر این مشکلات را پیش رو نخواهیم داشت و همان کلام خدا که، «انی اعلم ما لا تعلمون»، درست از آب درمی آید و معلوم می شود که حوصله فرشتگان اندک بوده است. و هرچه جلوتر می رویم، حق با خدا می شود که «من چیزی را می دانم که شما نمی دانید» و آدمهایی می آیند که همه راهها را آزمایش می کنند و می بینند که قانع نمی شوند، در نتیجه برمی گردند و می گویند که باید دست به دامن معنویت شد و باید به امام زمان پناه برد و این حرفهای بشری و خاکی دردی را دوانمی کند.

پس مسیر تاریخ اگر تکاملی است، بشریت باید کمال خود را بالاخره در یکجا نمایان کند و آن زمان ظهور امام زمان (سلام الله علیه) است. حال چه فایده یی دارد که ما منتظر باشیم که یک انسان کامل ظهور کند و غیبت امام چه فایده یی برای اجتماع دارد؟ غیبت امام برای اجتماع این فایده را دارد که شما امیدوار باشید و اگر گفتند مثلاً آمریکا قدرت درجه اول عالم است و می زند و می کشد و در دنیا قانون جنگل حاکم است و... کم کم انسان ناامید می شود، می برد و خسته و ذلیل می شود، اصلاً از انسانیت می افتد، دیگر حقانیت را تعقیب نمی کند؛ چون می بیند که هر کاری که می کند، جز کشته شدن امثال امام حسین و صالحان و مظلومان و... چیزی از آخرش در نمی آید.

ولی از سوی دیگر شما به خودتان تلقین می کنید که این اتفاقات همه موقتی و گذرا است و زمانی خواهد آمد که درست عکس این قضیه اتفاق

خواهد افتاد و این امید و نگاه مثبت و نگاه زیبا به آینده، به آدمی روحیه و نشاط، حرکت، پویایی و... می دهد، تا اینکه آدمی آینده را تاریک و بسته ببیند.

اعتقاد به امام غایب برای اجتماع ایجاد نشاط، روحیه، صلابت و مبارزه می کند. مثلاً خلیها می گویند که این فلسطینها چرا در حال جنگ هستند و چقدر می جنگند؟ بس است دیگر؛ پنجاه و چند سال جنگیدند، هر روز هم کشته می شوند. ولی بر مبنای موعودباوری، داستان اصلاً این گونه نیست، بلکه قرار است که تحقق حکومت عادلانه از وعده های الهی باشد:

«و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم الائمة و نجعلهم الوارثین».

و اصلاً قرار است که مستضعفین وارثین باشند و در آیه دیگری آمده که، عباد صالح باید وارث زمین باشند، نه آدمهای غیر صالح. تحقق حکومت عادلانه از وعده های الهی است و ما منتظریم که حکومت حقی می آید و همه ظلمها را کنار می زند. با این نگاه، یأسها را می زداییم، زیرا یأس از گناهان کبیره است و حرام است که کسی از رحمت الهی مأیوس شود و امام زمان به ما می گوید که با تمام مشکلاتی که جوامع دارند، در رحمت الهی بسته نیست و بالاخره باز است و روزنه های امید سر جای خود برقرار می باشند.

جالب این است که در همه ادیان توحیدی و اکثر ادیان غیر توحیدی، امید به آینده و امید به کسی که رهایی بخش است و... آمده است. از نگاه زرتشتیان، «سوشیانس» و از نظر مسیحیان، «حضرت مسیح» دوباره زنده خواهند شد و عدل و داد ایجاد خواهد کرد. ادیان مردم را دلگرم

می کنند و ته دل آنها را خالی نمی کنند و نمی گویند که شما در مقابل وضع موجود تمکین کنید. البته این انتظار می تواند دو گونه باشد: «انتظار منفی» و «انتظار مثبت».

یک معنای انتظار این است که پویا نباشی و بی تحرک بمانی و دست به اقدام مثبت و سازنده بی نرنی و منتظر بمانی. یک نگاه دیگر هم این است که متحرک و پویا باشی و فضا را آماده کنی؛ در آن وقت است که تو منتظر واقعی هستی.

«هانری کربن» می گوید که سخن گفتن از ظهور در آینده بی معنا است. ظهور امام واقعی آن نیست که ناگهان روزی اتفاق افتد، بلکه امری است که هر روز در وجدان مؤمنان شیعی حاصل می شود. مؤمنان شیعی هر روز با ظهور سروکار دارند. هر حادثه‌ی بی که پیش می آید، امام زمان را در پشت آن می بینند. ظهور امام، معنای باطنی همه «وحی»ها را آشکار می کند. ظهور امام منتظر همان جلوه کمال انسانیت است.

پس انتظار منفی شاید تأثیری در جامعه نداشته باشد، اما انتظار مثبت به این معنا که واقعاً «منتظر» باشی، در زندگی انسان تأثیر داشته و اثر سازندگی به سزایی دارد؛ از جمله آینده انسان را رقم زدن، ایجاد نشاط کردن، انسان را در مسیر معنویت کشاندن و... و از این رو است که از نظر من، کسی که منتظر واقعی باشد، برای اجتماع خلاق می شود، متحرک می شود و...

پرسش: چرا آخرین امام غایب شد و بقیه امامها غایب نشدند؟

دکتر منصورنژاد: شاید این دلیلی بر حرف ما باشد که اگر همه امامان از دسترس بشر غایب باشند، حداقل از بعد اجتماعی توجیه ناپذیر است. ولی از قول حضرت امیر خواندیم که فرمود:

«سلونی قبل ان تفقدونی»

از من پیرسید، پیش از آنکه مرا از دست بدهید، زیرا که من راههای آسمان را بهتر از راههای زمین می دانم؛

آنگاه مردی پرسید که تعداد موی من چند تا است؟! و بعد شمشیر بر فرقش می زنند و به امام حسن که مظهر صلح است، زهر می خوراند و امام حسین را آن گونه تکه تکه می کنند.

یعنی بشریت با امامان کاری کرده است که نه تنها قدر آنها را ندانسته، بلکه خنجر گرفته و آنها را تکه تکه می کردند، زن و بچه آنها را اسیر کرده و آنها را به بند می کشیدند.

به عبارت دیگر، جامعه نشان داد که اصلاً تحمل چنین پیام سنگینی را ندارد و اگر الان امام زمان نیز بود، او را می کشتند. در احادیث هم از قول معصومین آمده است که، یکی از ما نیست که به مرگ عادی مرده باشد.

علت غیبت امام زمان این است که جامعه کشتش ندارد. جامعه تحمل پیامهای سنگین را ندارد و ما مادی و خاکی هستیم. ما با مسایل روزمره سروکار داریم و ما نمی فهمیم که از امام معصوم چه باید بخواهیم و با امام چگونه باید رفتار کنیم. به عنوان شاهد، در گرد امامان افراد بسیاری بودند، ولی وقتی به امام صادق گفته شد که، شما چرا قیام نمی کنید؟، فرمود که، من اگر ۱۳ نفر یار داشتم، قیام می کردم.

یعنی محصل و دانشجو زیاد داریم، طلبه زیاد داریم، اما اینکه امام زمان را درک کنیم و تحمل کنیم و پا به پای او حرکت کنیم و پیام معنوی او را دریافت کنیم و ارتباط معنوی با او برقرار کنیم، به ندرت حاصل شده است و اصلاً فلسفه غیبت همین است. مردم امام زمان را نمی فهمیدند و درک نمی کردند؛ امام زمانی که حامل خلافت الهی است و آسمان را به زمین وصل می کند و به وسیله او است که فیض الهی به بشریت می رسد:

«بکم فتح الله و بکم یختم».

به وسیله شما هستی آغاز می شود و به واسطه شما است که ختم می شود و به واسطه شما است که روزی به موجودات می رسد و به وسیله شما ضرر و شرور از ما دفع می شود....

پس این مدعا که انسانهای معمولی به امام معصوم بیشتر نیاز دارند، کلمه حق و حرف درستی است، ولی آدمهای معمولی نشان داده اند که تحمل پیام عمیق و آسمانی را ندارند و حتی حاملین این پیامها را می کشند. البته کسانی که با امام معصوم ارتباط دارند، وقتی به آنها می رسند، سؤالهای عادی می پرسند و مسایل زمینی و خاکی خودشان را می پرسند. مسایل مبتلابه روز را می پرسند. و حال آنکه امام می فرماید که، من راه آسمان را بهتر از راه زمین می دانم. ولی آنها بلد نبودند که چه پرسند. از این رو است که قرآن از طرفی می فرماید: «هدی للناس»، و از طرف دیگر می گوید: «هدی للمتقین».

در جای دیگری بحث شده بود که، متقین به هدایت نیاز ندارند. بله، متقین هدایت نمی خواهند، اما ناس معمولاً به دنبال هدایت نیستند و یا

هدایت را در سطح بالای آن دریافت نمی کنند. از این جهت است که متقین زود به امام زمان وصل می شوند و امام را می بینند.

پس در سطح دوم، در پاسخ به این سؤال که فایده امام برای اجتماع چیست؟، می توان گفت که، امام سبب رزق و روزی است، سبب تحرک، نشاط و پویایی حق جویان است؛ مسیر تاریخ تکاملی را تفسیر می کند و تحقق حکومت عادلانه که از وعده های الهی است، با اعتقاد به امام زمان و موعودباوری محقق می شود.

سطح سوم: فایده امام زمان برای «افراد» چیست؟ نکته اول اینکه، غیبت مطلق سخن درستی نیست. تعبیری که در احادیث آمده، این است که امام غایب مانند خورشید پشت ابر می ماند. یعنی نور آن در حال تابیدن است، اما نورش مستقیم نیست و این تعبیر «غیبت» است.

به عبارت دیگر، گرچه دیدارهای آگاهانه و هوشیارانه فراوانی از افراد نقل شده است که انسانهایی خدمت امام رسیده اند^(۱) و حال ممکن است که کسانی خدمت امام رسیدند، ولی نگفتند و یا افرادی دچار مشکل می شوند و به امام توسل می کنند، ولی نمی فهمند که این امام زمان است. و مشکلشان به وسیله شخصی حل می شود، ولی تا آخر عمرشان نمی فهمند که او خود حضرت بوده است و وقتی کسی دیگر نظری می دهد، موضوع را می فهمند.

برای شاهد، از «آیت الله مرعشی» نقل شده است که، یک بار نذر کرده بودم که چهل شب به مسجد سهله بروم. در شبهای آخر هوا برگشت و رعد

(۱) مثلاً در کتاب «نجم الثاقب»، اثر «مرحوم طبرسی نوری»، بیش از ۲۰۰ صفحه خاطرات کسانی که خدمت امام زمان رسیده اند، نقل شده است.

و برق شدیدی می زد و هوا خراب بود. من تصمیم گرفتم که بروم. اما با خود گفتم: نه، چون اربعین من می شکند. به راه افتادم. در راه شخصی را دیدم که به من گفت: کجا می روی؟ گفتم: مسجد سهله. او گفت که من هم می آیم. با هم به راه افتادیم و من بی اراده نسبت به او تواضع خاصی داشتم و در آخر که او رفت، من تازه فهمیدم که او خود حضرت بوده است و من متوجه نبوده ام.

البته در این موارد، چون شخصیتی در حد آیت الله مرعشی نجفی است، بعد از رفتن امام هم می فهمد که او چه کسی بوده است. اما ممکن است که در بسیاری از موارد، کسانی واقعاً ته دلشان بسوزد و در آنجا امام به داد آنها برسد، اما آنها نفهمند که آن شخص امام زمان (عج) بوده است.

پس نکته اول اینکه غیبت، غیبت مطلق نیست. بعضی از افراد هوشیارانه خدمت امام می رسند و بعضی غیرهوشیارانه و امام خورشید پشت ابر است.

سؤال: تمام مشکل اینجا است که الان من در مسایل دینی ابهام دارم، اما امام که مفسر دین است را در دسترس ندارم. من طالب حکومت عادلانه معصوم هستم، اما به امام دسترسی ندارم و همینطور برای خیلی از مشکلات دیگر. از همین رو می پرسم که غیبت امام چه حاصلی دارد؟

دکتر منصورنژاد: به نکات سابق این مطلب را نیز اضافه کنید که به تعبیر مشهور خود ما، با نگاههای عرفانی شیعی، دین ظاهری دارد و باطنی. قرآن نیز ظاهری و باطنی دارد. افراد آدمی نیز ظاهر و باطن دارند. منتها اینکه

افراد به این باطن خودشان توجه کنند و جدی بگیرند و فعال و شکوفا کنند. این چیز دیگری است.

و اتفاقاً اکثر آدمها به سطح ظاهری اکتفا می کنند. آن شیعیانی که در حد ظاهر متوقف می شوند و در عالم ناسوت درجا می زنند، وقتی به قرآن هم می رسند، برداشت ظاهری دارند. و وقتی به امام زمان هم می رسند، باز هم برداشت ظاهری می کنند و می گویند که، وقتی شکم ما گرسنه است، امام زمان به چه درد ما می خورد. سطح آنها پایین است برای اینکه درک کنند. مثل این می ماند که به بچه چهارساله بخواهید انتگرال یاد بدهید. در تدریس ما و آموزش اشکالی نیست، ما هر چه می گوئیم، او فقط ما را نگاه می کند. زیرا اصلاً دو زبان بیگانه اند.

سطوح فکر فرق می کند و نمی توانیم با هم ارتباط برقرار کنیم. چون دین ظاهری و باطنی دارد و افراد نیز ظاهری و باطنی دارند. آنهایی که اهل باطن اند، با باطن قرآن و با باطن دین که یکی از مصادیق آن امام زمان (سلام الله علیه) می باشد، سروکار دارند.

در قرآن مجید در سوره بقره آمده است که، از ویژگیهای مؤمنان این است که نه تنها «غیب» را قبول دارند، بلکه به آن ایمان دارند. مطلب در حد لقلقة زبان نیست و مطلب بر دلشان نشسته است و می دانند که مسایل همین گونه نیست که ما می گوئیم. علتها همین نیست که ما می گوئیم و مشاهده می کنیم، بلکه چیزهایی در پشت پرده است که ما نمی فهمیم.

«الذین یؤمنون بالغیب»، از ویژگیهای مؤمنان است. این افراد که با باطن دین سروکار دارند، با امام زمان سروکار دارند؛ از سطح ظاهر دین بالاتر می روند و با حقیقت سروکار دارند و در آنجا حقیقت دین را باید در جلوه

امام زمان دید. در حقیقت اینکه من باید خدمت امام زمان برسم، معنی ندارد.

در نگاه شیعی، از نظر باطنی، حضور و عدم حضور آنها یکی است و در زیارت نامه ها می خوانیم که، من می دانم که تو حرف مرا می شنوی و من را می بینی و سلام من را می گیری و جواب می دهی. کسانی که معنای باطنی دین را می شناسند، این گونه می بینند.

دین ظاهر و باطنی دارد و افراد نیز ظاهر و باطنی دارند. آنها که اهل باطن هستند، با باطن دین سروکار دارند و اصلاً دین را بر اساس ظاهر نمی بینند، که چون امام در بین ما نیست، پس غایب است.

اما فرد ظاهری اگر امام الان در دسترس او هم باشد، سؤالهای زمینی و خاکی از او می پرسد. اگر ما الان بخواهیم از امامی که خلیفه الله است و هستی بر اساس او می چرخد، سؤال کنیم، همان «موی من چند تا است؟» را می پرسیم. مشکل ما این است که ما خودمان از لحاظ باطنی و از لحاظ درونی اصلاً آمادگی نداریم، بلکه حتی برای سطوح پایینتر نیز آمادگی نداریم. آیا اهل باطن فقط امام زمان (عج) است؟ ما سالانه چقدر با کسانی که کمی در درجه پایینتر از معصوم هستند، رابطه داریم؟ آن چیزهایی که ما با آنها رابطه داریم، عوام و مسایل زمینی است. نسبت به آنها که اهل باطن هستند، نه باور داریم، نه کتابهای آنها را می خوانیم و نه انگیزه داریم و....

یعنی الان اگر امام زمان هم بیاید، ما سؤال ویژه ای از او نداریم، چون از باطن بهره ای نبرده ایم.

پس در پاسخ به آن اشکال که، «اگر امامان آمدند که مفسر دین باشند، الان امام زمان (عج) نیست که این کار را انجام دهد»، من عرض می‌کنم که، امامان و پیامبران چندین کارکرد دارند، از جمله اینکه قضاوت، حکومت و تفسیر دین به عهده امامان و معصومین است. اما از نگاه من همه اینها ظاهر دین است. به تعبیر مارکسیستی، روبنای امامت این است که قرآن را تفسیر ظاهری کند، که اگر قرآن فرموده که نماز بخوانید، او بگوید که ۱۷ رکعت است و....

اما باطن دین چیست؟ از نظر من باطن دین همان سخن «هانری کربن» است که جوهره تشیع دو چیز است: «باطن» و «ولایت» (البته نه ولایت به معنای امروزی و اعتباری آن، بلکه ولایت به معنای محبت و عشق).

کسی خدمت امام صادق (ع) رسید و عرض کرد که من خیلی شما را دوست دارم. حضرت فرمودند که، خیلی هنر نمی‌کنی، دین یعنی عشق و محبت. تو اگر نسبت به من محبت نداشته باشی، آنجا است که جای سؤال باقی می‌ماند. اصل بر این است که من را دوست داشته باشی و من هم باید شما را دوست داشته باشم.

پس از نشانه‌های حرکت به سوی باطن، که حد بالای باطن در امام معصوم متجلی است، این است که بینیم ما در زندگی روزمره چقدر به سوی او در حرکت هستیم و چقدر به مسایل معنوی می‌پردازیم و چقدر در نماز خواندن حوصله به خرج می‌دهیم.

الان اگر فیلم معنوی در اینجا بگذاریم، بعضی حال دیدنش را ندارند و اگر چند آیه قرآن بگذاریم، برخی حال خواندن و گوش دادن آن را ندارند. آنقدر ما با مسایل ناسوتی و زمینی درگیریم که این نوع مسایل باطنی برای ما بیگانه اند و به دل ما نمی‌نشیند. این است که می‌گوییم از نظر

من، الان اگر امام زمان بیاید، ما از او نمی توانیم استفاده یی کنیم و همین روال روزمره را ادامه می دهیم، چون سؤالی نداریم و با پیام اصلی امام زمان سروکار نداریم.

بله، با پیام ظاهری می توانم مثلاً یک سؤال شرعی از او بپرسم، یا اگر با کسی مخاصمه یی داشتم، برای قضاوت به او رجوع کنم و از ظاهر امام استفاده کنم. اما چون من خودم اهل ظاهر هستم، ظاهر امام را درک می کنم و با او مراوده خواهم داشت. اما اگر اهل باطن بودم که این حرف را نمی زدم، چون:

«میان عاشق و معشوق رمزی است

چه داند آنکه اشتر می چراند».

پس امام وجود دارد و ظهور دارد و حتی هر روز ظهور می کند، اما برای کسانی که اهلش هستند. حتی اگر ظاهر هم شود، کسی که اهلش نباشد، درک امام را ندارد. وقتی که امام ظاهر می شود، اتفاقاً برای کسانی که اهلش نباشند، غصه شان زیادتر می شود و می گویند که چرا دائماً می گویند خدا و پیغمبر و...؛ مگر اینکه تحول عجیبی رخ دهد، که اگر با این منوال ادامه دهیم، هنوز خیلی راه مانده تا بشریت برای ظهور آمادگی پیدا کند و این بشر بتواند پیام لاهوتی و جبروتی و الهی دریافت کند.

پس فایده غیبت امام در بعد فردی این است که غیبت، غیبت مطلق نیست، بلکه امام مانند خورشید پشت ابر است که افرادی آگاهانه یا غیر آگاهانه خدمت حضرت می رسند و کسی که اهلش باشد و به دنبالش برود، می یابد. البته کسانی که در رده بالاتری قرار دارند، آگاهانه و

هوشیارانه ملاقات می کنند. اما کسانی هستند که گرهی از کارشان برداشته می شود، در حالی که درک ندارند که چه کسی این کار را برای او انجام داده است.

دین ظاهر و باطنی دارد و افرادی که اهل ظاهرند، حتی از امام زمان هم به درستی نمی توانند استفاده کنند. اما کسانی که اهل باطن هستند، الان هم استفاده می کنند، وقت ظهور نیز استفاده می کنند.

از نشانه های حرکت به سوی باطن این است که همین الان افراد چقدر در باطن سیر می کنند؟ اگر چه گفته اند که شئون پیامبر، قضاء و حکومت و تفسیر است، اما این از لحاظ ظاهر است و چون امام عصر کارکرد باطنی و معنوی هم دارد، عدم حضور ظاهری او، فلسفه وجودی امامت را زیر سؤال نمی برد.

تا اینجا بحث غیبت امام در سه سطح فایده امام برای هستی و فایده او برای اجتماع و فایده معصوم برای فرد مورد بررسی قرار گرفت.

سؤال: پرسشی که در اینجا مطرح است، این است که اصلاً برای چه باید منتظر بمانیم؟ ما اگر دغدغه ظاهر را داریم و دغدغه باطن را نداریم و اگر امام زمان هم بیاید، ما نمی توانیم از او استفاده کنیم، چرا باید منتظر باشیم؟ یعنی چیزی که من از امام زمان می خواهم، شاید یک انسان عالم معمولی و غیر معصوم هم بتواند جواب سؤال ما را بدهد، پس ما برای چه باید منتظر باشیم؟

دکتر منصورنژاد: یک وقت است که ما می خواهیم در همین جایی که هستیم، درجا بزنیم. اگر این گونه باشیم که هدف خلقت را تأمین نمی کنیم.

و با نگاه دینی امام صادق (ع)، مؤمنان نباید دو روزشان مثل هم باشد. مراد آن است که ما به وسیله «انتظار» مسیر خودمان را گم نکنیم. انسان روزانه با صدها الگو سروکار دارد، اما اگر ما الگوی شفاف معنویت را نداشته باشیم، مسیر را گم می‌کنیم.

اعتقاد به امام زمان و درگیر بودن با امام زمان و انتظار مثبت برای او، ما را اصلاح می‌کند که اگر جایی خطا کردیم، جبران کنیم. چون هفته‌ی یک بار اعمال ما نزد امام زمان (سلام الله علیه) برده می‌شود و اگر همین را انسان بخواهد به خودش بقبولاند، خیلی فرق می‌کند.

ما به عنوان یک شیعه، دائماً مسأله معنویت و طهارت و باطن‌گرایی و... را به خودمان تلقین می‌کنیم. انتظار باعث می‌شود که مسیر را گم نکنیم و اسیر الگوهای دیگر نشویم. موعودباوری باعث می‌شود که نشاط و امید از ما گرفته نشود. این صحیح نیست که چون فلانی می‌گوید دروغ‌نگو، اما خودش دروغ می‌گوید، بگوییم که همه اینها دروغ است. وقتی تو بدانی که منتظر امامی هستی که از همه دروغها و زشتیها و... بری است و همه اینها را اصلاح خواهد کرد، این انتظار به آدم کمک می‌کند. این فایده انتظار است.

از سوی دیگر، اگر من کسی را دوست نداشته باشم که نمی‌توانم منتظر او باشم. ما منتظر خلیها نیستیم و منتظر امام زمان هم نیستیم. علت آن این است که آدم هر چه را که بخواهد، نسبت به آن شوق و علاقه دارد. مثلاً اگر شما از یک درس خوشتان نیاید، با بهترین استاد هم به آن توجهی نخواهید کرد. پس اولین مسأله این است که انسان از لحاظ ذهنی توجیه

شود که این مطلب (مثلاً موعودباوری) که می خواهید آن را باور داشته باشید، برای شما مفید است.

اگر از شما پرسیم، شما که شیعه هستید، چقدر مطلب راجع به انتظار خوانده اید؟، ممکن است که جواب بگیرم، یک کتاب هم در مورد آن نخوانده اید. اما اگر پرسیم که چند کتاب رمان خوانده اید؟، ممکن است که جواب بگیرم که بسیار زیاد.

اینکه ما خودمان را در این زمینه راه نمی اندازیم و با بحث درگیر نشده ایم، خود دلیلی بر سرد شدن افراد می تواند باشد. من فکر می کنم که ما باید از طریق متون، از راه احادیث و به وسیله کسانی که اهلش هستند، با این بحث درگیر شویم، تا کم کم با مطالعه به اینجا برسیم که، به وسیله امامان نعمت به ما می رسد و عالم در حال گردش است و به وسیله آنها زمین پر از عدل و داد می شود.

اگر این مسایل برای ما جایفتد، کم کم به دل ما هم می نشیند. اینکه این مسایل به دلمان نمی نشیند، به این دلیل است که ذهن ما درگیر این قضیه نشده است. و یا اگر هم سؤال پرسیده ایم، از کسانی پرسیده ایم که برای ما سطحی جواب داده اند و شاید کمی هم دلسرد شده باشیم. من فکر می کنم که اگر سؤال را جدی مطرح کنیم، آن هم نزد کسی که اهلش باشد و به متون مراجعه کنیم و...، آن وقت مثل داستان «هانری کربن» می شود.

«هانری کربن» یک مستشرق فرانسوی است که شاگرد «هایدگر» است و ربطی به فضای دینی و خصوصاً اسلامی نداشته است. در مسیر تحقیقاتش ابتدا زبان عربی را آموخت. سپس متون اسلامی را خواند. راجع به «سهروردی» سالها کار کرد. راجع به «محمی الدین ابن عربی» و همچنین

شارح شیعی او، «میرحیدر آملی» سالها کار کرد. از بین اسلام و غیراسلام، اولاً اسلام را ترجیح داد و فرهنگ اسلامی را بر بقیه فرهنگها ترجیح داد و از بین فرهنگ شیعه و سنی، تشیع او را قانع کرد. کربن آدم متعصبی نبود. حتی گفته اند که این مستشرق بزرگ، که آثار متعددی در زمینه مسایل اسلامی دارد، در آخرین لحظات عمر و هنگام مرگش می گفت که:

«السلام علی الصاحب الدعوه النبویه و الصوله الحیدریه و
العصمه الفاطمیه...».

و هنگامی که در حال سلام دادن به امام زمان (سلام الله علیه) بود، مرحوم شد. ولی ما که شیعه هستیم، چند نفرمان در حال مرگ به فکر امام زمان هستیم؟ «کربن» در بحث امام غرق شد و این شعله تمام وجودش را فراگرفت، که همیشه به یاد او بود.

پس چرا ما دوریم؟، چون خودمان را درگیر نکرده ایم. ما اگر درگیر مسایل شویم و به امام توجه کنیم، حتماً مانند او خواهیم شد. ما هم اگر به معنویات در نظر و عمل توجه کنیم، آن وقت پیام معنوی برایمان شیرین و منادیان پیام باطنی برایمان محبوب می شوند. آنگاه است که طالب نوشیدن آب از سرچشمه شده و در انتظار منجی موعود چشم به راه می مانیم.

شوق مهدی^(۱)

«الا یا ایها المهدی مدام الوصل ناولها
که در دوران هجرات بسی افتاد مشکلهها
صبا از نکمت کویت نسیمی سوی ما آورد
ز سوز شعله شوقت چو تاب افتاد در دلها
چو نور مهر تو تابید بر دلهای مشتاقان
ز خود آهنگ حق کردند، بر بستند محملها
دل بی بهره از مهرت حقیقت را کجا یابد؟
حق از آینه رویت تجلی کرد بر دلها

(۱) به نقل از:

فیض کاشانی ملامحسن، شوق مهدی، دار الکتب الاسلامیه: ۱۳۹۸ ه.ق.
ایشان از علمای عصر صفوی و داماد ملاصدرا است. درباره آثار، زندگی و علاقه اش به حافظ و...
ر.ک. مقدمه کتاب یادشده که در ۷۵ صفحه به قلم علی دوانی، آمده است.

به گوی خود نشانی ده که شوق تو محبان را
ز تقوا داده زاد ره، ز طاعت بست محملها
به حق سجاده تزیین کن مهل محراب و منبر را
که دیوان فلک صورت از آن سازند محفلها
شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حائل
ز غرقاب فراق خود رهی بنما به ساحلها
اگر دانستی کوبت سبوی آمدم سویت
خوشا گر بودمی آگه ز راه و رسم منزلها
چو بینی حجت حق را به پایش جای فشان ای فیض
متی ما تلق من تهوی، دع الدنيا و اهلها»

«نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد
یعنی این تیره شب غیبت مهدی روزی
از دم صبح حضورش لمعان خواهد شد
عالم ار پیر شد از جور ستم باکی نیست
از قدوم شه دین امن و امان خواهد شد
مشکلاتی که به دلها شده عمری است گره
حل آنها همه در لحظه آن خواهد شد

دانش کسبی صدساله این مدعیان
نزد علمش به مثل برگ خزان خواهد شد
این اباطیل و اکاذیب که شایع شده است
همه را حضرت او محوکنان خواهد شد
طعنه بر حق چه زنی ای که به باطل غرق
تو به این غره مشو نوبت آن خواهد شد
فیض اگر در قدم حضرت او جان بخشد
زین جهان تا به جنان رقص کنان خواهد شد»

«مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید
که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید
از غم هجر نکن ناله و فریاد که من
زده ام فالی و فریادرسی می آید
کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست
این قدر هست که بانگ جرسی می آید
از ظهور بر کاتش نه من خرم و بس
عیسی اینجا به امید نفسی می آید
همه اعیان جهان چشم به راهش دارند
هر عزیزی ز پی ملتسی می آید

فیض دارد سر آن که به رخت جان باز
هر کس اینجا به امید هوسی می آید
دوست را گر سر پرسیدن بیمار غم است
گو بیا خوش که هنوزم نفسی می آید»

«مهدی آخرزمان آید به دوران غم مخور
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور
این دل غمدیده حالش به شود دل بد مکن
وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور
بی حضورش چندروزی دور گردون گر گذشت
دایماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور
هان مشو نومید چون واقف نه بی ز اسرار غیب
باشد اندر پرده حکمت‌های پنهان غم مخور
چون امید وصل او هر لحظه هست و ممکن است
در فراقش صبر کن با درد هجران غم مخور
حال ما در فرقت پیغمبر و اولاد او
جمله می داند خدای حال گردان غم مخور
فیض اگر حال فنا بنیاد هستی بر کند
کشتی آل نبی داری ز طوفان غم مخور

در جهان گر از حضورش دور باشی فیضیا
روز موعودش رسد دستت به دامان غم مخور»

«سحر با باد می گفتم حدیث آرزومندی
خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی
دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است
بدین راه و روش میرو که با دلدار پیوندی
قلم را آن زمان نبود که سر عشق گوید باز
ورای حد تقریر است شرح آرزومندی
اماما کن نظر بر ما نظر می کن به مشتاقان
چرا یکبارگی ما را ز چشم خویش افکندی؟
اگرچه فیض نور تو به عالم می رسد از غیب
چه از مهر جهان افروز نهان او را بر اسفندی
دلی بی ابر می خواهیم خورشید جمالت را
که کم نور است چشم ما و بینش نیست خرسندی
میان گفته های فیض و نظم حافظ شیراز
نگنجد نسبت دیگر مگر امی و فورندی»

«سالها دل طلب وصل تو از ما می کرد
 به دعا دست بر آورده خدایا می کرد
 گر که بودم بر او یافتمی راه سخن
 تا که اسرار نهان جمله هویدا می کرد
 هاتفی گفت اگر قابل آن می بودی
 حق تعالی به تو این دولت اعطا می کرد
 مشکل خود به احادیث نبی کردم عرض
 که به آن گفته خدا هر گرهی وامی کرد
 دیدم آنجا ز علوم نبوی شهری بود
 بر درش بود امامی که سلونا می کرد
 داخل شهر شدم زان در و بحری دیدم
 که ملک غوص در آن بحر تمنا می کرد
 از در و گوهر آن بحر گرفتم مستی
 دل چو دید آن به فغان آمد و زدنا می کرد
 تشنه تر شد دل و جان در طلب شاه زمان
 تا به حدی که چو فیض این همه غوغا می کرد»

«حجاب چهره جان می شود غبار تنم
 خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم
 بیا و هستی من در وجود من کم کن
 که با وجود تو کس نشنود ز من که منم

بسی ز عمر گذشت و نیافتم کامی
دریغ و درد که غافل ز کار خویشتم
اگر چو شمع بیارم سرشک نیست عجیب
که سوزهاست نهانی درون پیرهنم
مرا که خدمت صاحب زمان بود معذور
چرا زمین ستم پیشگان بود وطنم؟
سزای همچو منی نیست دوری از در او
که پای تا سر من مهر اوست و من نه منم
محبت علی و عترتش حیات من است
ولای آن نبی همچو جان و من بدنم
چنان محبت و مهر شما به دل دارم
که گر زنند به تیغم دل از شما نکم
ز بس حدیث شما فیض گفت نزدیک
که غیر حرف شما نشنود کس از سخنم»

«ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی
در آرزوی رویت، بنشسته به هر راهی
صد زاهد و صد عابد، سرگشته سودایی

مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد
 کز دست نخواهد شد پایان شکیبایی
 ای درد توأم درمان در بستر ناکامی
 وی یاد توأم مونس در گوشه تنهایی
 فکر خود و رأی خود، در امر تو کی گنجد
 کفر است در این وادی خودبینی و خودرأیی
 در دایره فرمان ما نقطه تسلیمیم
 لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی
 گستاخی و پرگویی، تا چند کنی ای فیض
 بگذر تو از این وادی، تن ده به شکیبایی»

«جان بی لقای مهدی ذوقی چنان ندارد
 و آن کس که این ندارد حقا که آن ندارد
 ذوقی چنان ندارد بی خدمتش عبادت
 بی خدمتش عبادت ذوقی چنان ندارد
 با هیچ کس نشانی از حضرتش ندیدم
 یا کس خبر نبخشد، یا او نشان ندارد
 در سر غیبت او بس عقلها فروماند
 دردا که این معما شرح و بیان ندارد

عمری که بی حضورش بگذشت اهل دل را
ماند به جوی بی آب یا تن که جان ندارد
مثل تو پادشاهی، معصوم لرحش الله
چشم جهان ندیده دور زمان ندارد
گرچه بسی ز وصلش ای فیض بی نصیب اند
کس مبتلای حرمان چون من گمان ندارد»

«دارم از غیبت مهدی گله چندان که می‌پرس
که چنان زو شده ام بی سروسامان که می‌پرس
کار تقوا و صلاح و ورع و طاعت و علم
آنقدر روی نهاده است به نقصان که می‌پرس
جاهل و سفله و بی دین همه غالب شده اند
اهل ایمان و خرد گشته بدان سان که می‌پرس
من به این دانش ناقص که به خود پندارم
زحمتی می کشم از مردم نادان که می‌پرس
گوشه گیری و سلامت هوسم بود ولی
آنچنان رونق دینم شده فتان که می‌پرس
گفتگوهاست ز رشک و حسد این مردم را
هر کسی را غرضی، اینکه مگو آن که می‌پرس

سبب غیبت مهدی ز خود جستم گفت:
فیض این قصه دراز است به قرآن که می‌رس»

«دردم از یار است و درمان نیز هم
دل فدای او شد و جان نیز هم
سیف و عصمت، علم و نصرت جمع کرد
یار ما دین دارد و آن نیز هم
از طفیل اوست کل کائنات
گفتمت پیدا و پنهان نیز هم
داستان در پرده می گویم ولی
گفته خواهد شد به داستان نیز هم
روزهای وصل معصومان گذشت
بگذرد ایام هجران نیز هم
اعتمادی نیست بر کار جهان
بلکه بر گردون گردان نیز هم
صبر کن ای فیض تا عصر امام
دین قوی خواهد شد، ایمان نیز هم»

فهرست منابع

الف) فارسی:

۱) کتابها:

ابن خلدون، مقدمه، چاپخانه مصطفی محمد، مصر.

امام خمینی سیدروح الله، آوای توحید، شرح نامه توسط آیت الله عبدالله جوادی آملی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ پنجم): ۱۳۷۳.

امام خمینی سیدروح الله، صحیفه نور، ج ۱۹ و ۲۰، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۳۶۸.

اناجیل اربعه (انجیل متی، انجیل مرقس و انجیل لوقا).

اوپانیشاد (ترجمه فارسی از متن سانسکریت)، ترجمه محمد داراشکوه، ج ۲.

باقی ع، در شناخت حزب قاعدین زمان، نشر دانش اسلامی: ۱۳۶۲.

برزگر ابراهیم، مقاله پیش بینی و پیشگویی در بستر سه رهیافت، مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس حوزه و دانشگاه، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مجمع هماهنگی مراکز پژوهشی و آموزش عالی)، دار الشفاء قم: ۷-۲۶/آذرماه ۱۳۷۳.

پارسانیا حمید، نماد و اسطوره، مرکز نشر اسراء: ۱۳۷۳.

پوپر کارل ریموند، منطق اکتشاف علمی، ترجمه حسین کمالی، انتشارات علمی و فرهنگی: ۱۳۷۰.

پورداوود، سوشیانس، سازمان انتشارات فروهر (چاپ دوم): ۱۳۴۷.

توفیقی حسین، مقاله هزاره گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت، در کتاب: پیشگوییها و آخر الزمان (مجموعه مقالات)، نشر مؤسسه فرهنگی موعود عصر (چاپ چهارم): ۱۳۸۳.

داوری رضا، فارابی مؤسس فلسفه اسلامی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (چاپ سوم): ۱۳۶۱.

دستغیب سید عبدالحسین، گناهان کبیره.

زعیم الدوله میرزا محمد مهدی خان، ترجمه مفتاح باب الابواب یا تاریخ باب و بهاء، ترجمه حسن فرید گلپایگانی، مؤسسه انتشارات فراهانی (چاپ سوم): ۱۳۴۶.

سارتر ژان پل، اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، انتشارات نیلوفر (چاپ نهم): ۱۳۷۶.

سبحانی محمدجعفر، نهج البلاغه و آگاهی از غیبت، یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه: ۱۳۶۰.

شاه حسینی مجید، مقاله غرب، سینما و آخر الزمان، در کتاب: پیشگوییها و آخر الزمان.

شریعتی علی، مسئولیت شیعه بودن، بی نا: ۱۳۵۵.

طبری احسان، برخی بررسیها درباره جهان بینیها و جنبشهای اجتماعی در ایران، بی نا: ۱۳۴۸.

عهد عتیق، کتاب مزامیر.

غزالی ابو حامد محمد، شك و شناخت (ترجمه المنقذ من الضلال)، ترجمه دکتر صادق آینه وند، انتشارات امیر کبیر (چاپ دوم): ۱۳۶۲.

غیائی کرمانی محمدرضا (به کوشش)، اگزیستانسیالیسم فلسفه عصیان و شورش، ناشر: مؤلف: ۱۳۷۵.

فاطمیان علی، مقاله نشانه هایی از پایان، در کتاب: پیشگوییها و آخر الزمان.

- فشاهی محمدرضا، از گاتها تا مشروطیت، نشر گوتبرگ: ۱۳۵۶.
- فضایی یوسف، تحقیق در عقاید شیخیگری، بایبگری، بهائیگری و کسروی گری، مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- فضل بن شاذان، چهل حدیث از غیبت، علی اکبر مهدی پور، مؤسسه نشر و مطبوعات حاذق قم: ۱۴۱۵ ه.ق.
- فیض کاشانی ملامحسن، شوق مهدی، دار الکتب الاسلامیه: ۱۳۹۸ ه.ق.
- قمی شیخ عباس، علائم ظهور، انتشارات علمی.
- کسروی احمد، بهائیت.
- کمجیان هرایر، جنبشهای اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، انتشارات کیهان: ۱۳۶۶.
- کورانی علی، عصر ظهور، ترجمه عباس حلالی، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی (چاپ پنجم): ۱۳۷۵.
- کورانی علی، مقاله سیمای کلی دوران ظهور، در کتاب: پیشگوییها و آخر الزمان.
- محمودی هوشنگ، یادداشت‌هایی درباره حضرت عبدالبهاء، مؤسسه ملی مطبوعات ایران.
- مددپور محمد، سیر تفکر معاصر، کتاب اول.
- مطهری مرتضی، انسان و سرنوشت، انتشارات صدرا.
- مطهری مرتضی، تحریفات عاشورا، حزب جمهوری اسلامی: بی تا.
- مطهری مرتضی، تکامل اجتماعی انسان، انتشارات صدرا (چاپ نهم): ۱۳۷۴.
- مطهری مرتضی، عدل الهی، انتشارات صدرا: بی تا.
- مطهری مرتضی، فلسفه تاریخ، ج ۱، انتشارات صدرا (چاپ اول): ۱۳۶۹.
- مطهری مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، انتشارات صدرا (چاپ هفتم): ۱۳۶۷.
- مقدم علی، توقیف و مدیریت زمان ظهور (منتشر نشده).

منصورنژاد محمد، رد پای عقل در کربلا (مجموعه مقالات)، انتشارات راستی نو: ۱۳۷۷.

منصورنژاد محمد، مقاله اگزستانسیالیسم با تأکید بر روایت کی برکگارد، مجموعه خلاصه مقالات دومین همایش جهانی حکمت متعالیه و ملاصدرا، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا: بهار ۱۳۸۳.

مهری محمدجواد، نشانه های شگفت آور آخر الزمان، انتشارات مشرقین (چاپ هفتم): ۱۳۸۳.

نجفی یزدی سیدمحمدباقر، علامات ظهور حضرت صاحب الزمان، تهران، بی نا: ۱۳۹۲ ه.ق.

نوذری عزت الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، انتشارات نوید شیراز: ۱۳۸۰.
نوستر آداموس، پیشگوییهای نوستر آداموس، ترجمه پوران فرخ زاده، نشر نی: ۱۳۶۹.

نیمروزی رسول، مقاله پیشگوییهای نوستر آداموس، در کتاب: پیشگوییها و آخر الزمان.

هاشمی شهیدی اسدالله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، انتشارات مسجد جمکران (چاپ دوم): ۱۳۸۱.

(۲) نشریات:

اسفندیاری محمد، مقاله مناسبات فکری مطهری و شریعتی، ویژه نامه روزنامه شرق، یادنامه استاد شهید مطهری (صحیفه)، اردیبهشت ۱۳۸۴.

اصیل حجت الله، مقاله آرمانشهر محصول تفکر انسان ناخرسند، روزنامه همشهری: ۱۳۸۲/۷/۱۳.

شفیعی دارابی محمدحسین، مقاله پیشگوییهای قرآن، مجله معرفت، ش ۴-۳: زمستان ۱۳۷۲.

غباری بناب باقر، مقاله طرح تهیه مقیاس اندازه گیری توکل به خداه، مجله دانشگاه اسلامی، ش ۴.

لنکستر لویش، مقاله میتربه، موعود بودایی، ترجمه علیرضا شجاعی، فصلنامه هفت آسمان، ش ۲۱: بهار ۱۳۸۳.

موحدیان عطار علی، مقاله گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف، فصلنامه هفت آسمان، ش ۱۲-۱۳.

موحدیان عطار علی، مقاله گونه شناسی اندیشه منجی موعود در اسلام، فصلنامه هفت آسمان، ش ۲۱: بهار ۱۳۸۳.

نودهی علیرضا، مقاله نظریه اختیاری بودن ظهور، ماهنامه موعود، ش ۴۹: آذر و دی ماه ۱۳۸۳.

ب) عربی:

ابن عربی، الفتوحات المکیه، دار صادر بیروت، جزء سوم.
امام علی (ع)، نهج البلاغه.

شبر سید عبدالله، علامه الظهور و احوال الامام المستور، عربی (۲۴ ورق خطی).
طبرسی نوری، نجم الثاقب.

عاملی سید جعفر مرتضی، درسه فی علامات الظهور و الجزیره الخضراء،
منتدی جبل عامل (قم): ۱۴۱۲ ه. ق.

غزالی ابو حامد محمد، الاقتصاد فی الاعتقاد، مکتبه الجندی، قاهره: ۱۹۷۲ م.
غزالی ابو حامد محمد، فضایح الباطنیه، حقه و قدم له عبدالرحمن بدوی، ناشر
للدان القومیه للطباعیه و النشر: ۱۳۸۳ ه. ق.
قرآن کریم.

مجلسی محمدباقر، البحار الانوار، ج ۵۲.

ج) سایتها:

شهبازی عبدالله، جستارهایی از تاریخ بهائیگری در ایران، به آدرس:

www.shahbazi.org/pages/bahaism.htm

ملکیان مصطفی، مؤسسه انتظار نور (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم)، سلسله نشستهای گفتمان مهدویت، سایت رسانیز و وبلاگ خبرگزاری حوزویان، محمد سلمان.

نمایه ها

۱

اراده..... ۶۶، ۷۰، ۷۷، ۸۳، ۹۸
 آرامش..... ۱۱، ۲۱، ۴۱
 ارباب حلقه ها (فیلم)..... ۲۵
 آرماگدون (فیلم)..... ۲۵
 آرمان..... ۲۰، ۳۰، ۴۲، ۷۴، ۷۵، ۸۲
 آرمانشهر..... ۸۲
 اسطوره..... ۲۵، ۴۰، ۸۲، ۸۳
 اسلام..... ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۴، ۷۶، ۱۰۶
 آسمان..... ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۷، ۵۱، ۵۹
 آسیا..... ۳۹
 آسیب..... ۲۵، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۹۰
 اشاعره..... ۶۸
 اصل..... ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۱، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۶۱، ۷۴، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۱۰۲
 اصلاح..... ۲۹، ۴۱، ۵۰، ۵۹، ۱۰۴، ۱۰۵
 اصلاحات..... ۲۹، ۶۵، ۶۷
 اصیل (حجت الله)..... ۸۲
 اضطراب..... ۱۹
 انگیزتانیالیستها..... ۶۹، ۷۱

ابزار..... ۲۸، ۳۰، ۶۸، ۷۸
 ابن خلدون..... ۳۴
 ابن عربی (محمی الدین)..... ۳۳، ۳۴
 آتیشها..... ۳۲
 اتوبی..... ۴۶
 اجتماع..... ۲۹، ۳۰، ۴۲، ۵۶، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۷۲، ۷۵، ۸۲، ۸۷، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۱۰۴
 احادیث..... ۳۳، ۵۹، ۶۰، ۸۳، ۹۶، ۹۸، ۱۰۵، ۱۱۳
 احمدیه..... ۵۳
 اختیار..... ۴۷، ۶۶، ۷۱، ۷۷، ۸۱
 آخر الزمان..... ۱۷، ۱۸، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۸، ۷۳، ۷۵
 ۷۹، ۷۸
 آخر الزمان اسطوره بی..... ۲۵
 آخر الزمان تکنولوژیک..... ۲۵
 آخر الزمان دینی..... ۲۵
 آخر الزمان طبیعی..... ۲۵
 آخرت..... ۵۲
 اخلاق..... ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۴۹، ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۶۷
 آدمی..... ۳۰، ۷۳
 آدمیان..... ۳۲، ۴۶، ۶۰، ۶۳، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۶
 ۷۷، ۸۸، ۹۲
 ادیان..... ۱۳، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۵
 ۵۱، ۵۴، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۷۸
 ۷۹، ۹۴

انسان ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۷، ۳۹، ۴۵، ۴۶، ۵۰، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۵

انسان و سرنوشت (کتاب) ۶۸، ۷۰
انسانیت ۶۳، ۶۴، ۹۳، ۹۵
انقلاب ۷، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۹، ۴۹، ۶۱، ۶۵، ۶۷، ۷۹

اهل سنت ۳۳، ۳۴، ۴۲، ۴۳
اوپانیساد ۳۸
ایدئولوژی ۲۹، ۶۰
ایران ۲، ۲۴، ۲۵، ۳۵، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۶، ۷۵

ایمان ۲۷، ۶۵، ۱۰۰، ۱۱۶، ۱۱۷
اینترنت ۷، ۱۳، ۵۶
آیین ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲

ب

بابیت ۴۵، ۵۵، ۵۶
بایه ۵۲
بازگشت مومئینی (فیلم) ۲۵
باطل ۲۸، ۳۱، ۳۱، ۴۴، ۵۰، ۶۸، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۱۱۰
باطن ۴۳، ۴۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷

بحران ۴۹
بداء ۷۰
برخورد عمیق (فیلم) ۲۵
برزگر (ابراهیم) ۷۸
برهمانیان ۳۲
بشر ۲۷، ۲۸، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۶، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۹
بشریت ۲۰، ۲۴، ۲۷، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۹۳، ۹۶، ۱۰۳

بلوغ ۲۸، ۳۰، ۷۵، ۷۹
بہانیان ۵۶
بہانیت ۵۰، ۵۲، ۵۶
بہجت (آیت الله) ۵۸
بهشت ۳۹، ۸۲، ۸۳
بودا ۳۹، ۴۰، ۴۲

اگزیتانیالیسم ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۹۲
اگزیتانیالیسم با تأکید بر روایت کی بر کگار (مقاله) ۷۰

اگزیتانیالیسم و اصالت بشر (کتاب) ۶۹، ۷۲
الفتوحات المکیہ ۳۴
امام ۱۲، ۱۳، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۷

امام حسن (ع) ۳۳، ۵۲، ۹۶
امام حسین (ع) ۹۳، ۹۶
امام خمینی (آیت الله سیدروح الله موسوی) ۳۳، ۵۰

امام زمان (عج) ۱۲، ۱۳، ۳۳، ۵۸، ۷۱، ۸۰، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶

امام صادق (ع) ۵۷، ۷۰، ۷۱، ۸۱، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۴
امام عصر (عج) ۱۲، ۵۰، ۸۷، ۱۰۳
امام علی (ع) ۹۵
امام غایب ۵۲، ۷۳، ۸۷، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۸

امامان ۹۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۵
امامت ۳۴، ۱۰۱، ۱۰۳
آملی (میرحیدر) ۱۰۶
امور معنوی ۱۱
امید ۷، ۱۳، ۱۸، ۲۸، ۳۶، ۴۴، ۴۸، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۹۳، ۹۴، ۱۰۴، ۱۱۱

اناجیل ۳۷، ۷۹
انبیاء (ص) ۲۰، ۳۱، ۳۶، ۶۴، ۷۳، ۷۶
انتخابات ۲۰
انتظار ۱۳، ۲۰، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۸۴، ۹۴، ۹۵، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷

انتظار فرج ۲۸، ۲۹، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۶۱
انتظار مثبت ۹۴، ۹۵، ۱۰۴
انجمن حجته ۵۰، ۶۷
اندیشه ۹، ۱۲، ۲۷، ۳۲، ۳۴، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۱، ۵۱، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۸۲

ج

- جامعه... ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۹، ۵۴، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۱، ۷۳، ۸۷، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۶
- جبر... ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۳۷، ۳۸
- جذب... ۳۸، ۴۲
- جزیره خضراء... ۵۸
- جن گیر (فیلم)... ۲۵
- جنگ ستارگان (فیلم)... ۲۵
- جهاد... ۵۲، ۵۸
- جهان بینی... ۵۶، ۵۷

ح

- حافظ... ۱۱۲، ۱۰۸، ۸۴، ۸۱، ۱۳
- حجت... ۳، ۱۲، ۱۳، ۴۳، ۶۴، ۷۱، ۷۹، ۸۲، ۹۰، ۹۱
- حدیث... ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۷۸، ۸۱، ۹۰، ۱۱۲، ۱۱۴
- حرکت... ۹۲
- حضرت خضر (ع)... ۱۶
- حضرت داود (ع)... ۳۶
- حضرت صاحب (عج)... ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۰، ۵۱، ۱۱۴
- حضرت عیسی (ع)... ۱۱۱
- حضرت مسیح (ع)... ۹۴، ۷۹، ۵۳، ۴۲، ۳۵، ۱۶
- حضرت یوسف (ع)... ۸۴، ۵۶
- حق... ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴
- حقوق... ۲، ۲۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴
- حقیقت... ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴
- حوزه علمیه... ۷۹
- حیات... ۱۱۴، ۶۵، ۲۸، ۲۷

خ

- خاور میانه... ۱۶
- خدایا... ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۸، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴
- خدایوند... ۸، ۳۶، ۳۸، ۴۸، ۷۳، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۸۴، ۹۱، ۹۰
- خلقت... ۳۸، ۷۳، ۸۹، ۹۲، ۱۰۴
- خلیفه الله... ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۰۱

- بودائیان... ۱۶، ۳۲، ۳۸، ۳۹، ۴۲
- بودائیسیم... ۶۱
- بوعلی سینا... ۳۳
- بیت المقدس... ۱۶

پ

- پارک ژوراسیک (فیلم)... ۲۵
- پایان روزگار (فیلم)... ۲۵
- پسر... ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۴۰، ۵۳
- پوپر (کارل ریموند)... ۷۸
- پورداوود... ۳۶
- پیامبر (ص)... ۳۳، ۴۳، ۵۲، ۵۹، ۸۸، ۱۰۳
- پیامبران (ص)... ۴۰، ۱۰۱
- پیش بینی... ۳۳، ۶۴، ۷۷، ۷۸
- پیشرفت... ۲۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۷۳، ۹۱
- پیشگویی... ۲۵، ۳۷، ۴۵، ۵۱، ۷۷، ۷۸، ۷۹
- پیشگوییها و آخر الزمان (مجموعه مقالات) ۲۵، ۳۷، ۴۵، ۷۹

ت

- تاریخ... ۸، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۰، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۳، ۸۰، ۸۲، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۷
- تبیین... ۷۷، ۵۲
- تحریرات عاشورا (کتاب)... ۵۸، ۵۹
- ترمیناتور (فیلم)... ۲۵
- تشیع... ۳۴، ۱۰۱، ۱۰۶
- تفسیر... ۳۰، ۳۴، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۷۰، ۷۴، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۳
- تفویض... ۶۸، ۷۰
- تقدیرگرایی... ۳۸
- تکامل... ۶۴
- تمدن... ۸
- تورات (کتاب)... ۳۶، ۳۷
- توصیف... ۷۶، ۸۲
- توفیقی (حسین)... ۳۷، ۴۵

س	خواص ۸۷، ۱۵
سارتر (ژان پل) ۷۲، ۷۱، ۶۹	د
ستم ۴۵، ۴۴	دانو ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹
سرخپوستان ۴۱، ۴۰	دجال ۵۵
سرنوشت ۸۱، ۸۰، ۷۰، ۶۸، ۴۴، ۳۹، ۳۰، ۸	در شناخت حزب قاعدین زمان ۵۰
سهروردی ۳۳	دستغیب (آیت الله سید عبدالحسین) ۴۷
سودان ۵۳، ۵۲	دشمن ۶۲
سوشیانت ۳۶	دنیا ۹۳، ۷۹، ۳۳، ۲۵، ۲۰
سوشیالیسم ۹۴، ۴۲، ۳۶، ۳۵، ۱۶	دنیای آب (فیلم) ۲۵
ش	دوانی (علی) ۱۰۸
شاه حسینی (مجید) ۲۵	دولت ۱۱۳، ۶۴، ۵۲
شبهات ۶۷، ۵۷، ۵۶، ۱۲	دین ۴۵، ۴۴، ۴۰، ۳۹، ۲۸، ۲۵، ۲۴، ۱۹، ۱۲، ۱۱
شخصیت ۹۹، ۳۲، ۳۰، ۲۹، ۲۷ ۴۷، ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۴
شناخت ۶۶، ۵۴، ۵۲، ۵۰، ۳۴، ۳۰ ۹۹، ۸۹، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۲، ۶۸، ۶۶
شهادت ۱۸ ۱۱۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۰
شوروی ۳۳ ۱۱۷، ۱۱۶
شوق مهدی (کتاب) ۱۰۸، ۱۳، ۵	دینی ۷۱، ۶۶، ۵۷
شیخ صدوق ۸۱	دکتر فرانکشتاین (فیلم) ۲۵
شیخه ۵۵	ر
شیعه ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۴۹، ۳۳	رجعت ۵۳، ۳۸، ۱۸
شیعی ۱۰۶، ۴۲	رضاشاه (پهلوی) ۵۸
شیعیان ۹۹، ۶۰، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۳۵، ۳۳	رهایی ۹۴
ص	روایات ۶۴، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۴۱، ۲۸
صلح ۹۶، ۴۲، ۳۱، ۲۷	روز استقلال (فیلم) ۲۵
ض	ز
ضدمسیح ۷۹	زیور (کتاب) ۳۶
ط	زرتشت ۴۲، ۳۵، ۸
طالع نحس (فیلم) ۲۵	زرتشتیان ۹۴، ۴۲، ۳۵، ۳۲، ۱۶
طبیعت ۶۵، ۶۳، ۴۳، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۰	زعیم الدوله میرزا محمد مهدی خان ۵۵، ۵۳
..... ۸۲، ۷۷، ۷۳، ۷۱، ۶۸	زمین ۸۳، ۸۱، ۷۹، ۶۲، ۴۹، ۳۹، ۳۷، ۳۶، ۳۰
ظ ۱۰۲، ۱۰۱، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۱، ۹۰، ۸۸
ظاهر ۹۹، ۸۱، ۷۹، ۵۳، ۳۸، ۲۹، ۲۰، ۱۷، ۱۶ ۱۱۴، ۱۰۵
..... ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰	زن ۹۶، ۸۳، ۴۰، ۳۶، ۱۵
	زندگی ۱۰۸، ۴۱

ف

فارابی ۳۳
 فارابی مؤسس فلسفه اسلامی (کتاب) ۴۶
 فاطمه (س) ۵۲، ۴۳، ۴
 فاطمیان ۷۹، ۵۱
 فاطمیان (علی) ۷۹
 فایده ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۷، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵

فرج ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۶۱
 فرد ۸، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۴، ۴۲، ۴۴
 ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۵۴، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۷۳، ۷۵
 ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۷، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴
 فرشتگان ۹۲، ۸۸
 فرشته ۸۸
 فرهنگ ۸، ۱۸، ۲۸، ۳۰، ۳۴، ۳۹، ۴۰، ۴۵، ۴۶
 ۴۹، ۵۰، ۵۶، ۵۷، ۶۰، ۶۶، ۷۴، ۷۵، ۷۸
 ۱۰۶

فساد ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۴۳، ۴۴، ۸۸، ۹۲
 فضایی (یوسف) ۴۴
 فضل بن شاذان ۵۷
 فضیلت ۸۰
 فطرت ۳۰، ۶۶، ۶۸، ۷۲
 فقه ۵۵
 فلسطین ۹۳، ۸۸
 فلسفه تاریخ ۲۴، ۳۷، ۴۵، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۹۱
 فلسفه غیب ۱۳، ۹۶
 فلسفه ۲۹، ۵۵، ۶۷
 فلسفی ۱۲
 فیض کاشانی (ملاحسن) ۵، ۱۳، ۱۰۸
 فیلم ۲۵، ۱۰۲

ق

قائم (عج) ۵۵
 قابلیت ۱۲، ۷۷، ۷۹، ۸۰
 قدرت ۲۰، ۴۸، ۵۴، ۷۲، ۸۴، ۹۳
 قدیس ۴۰
 قرآن کریم ۸، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۶، ۵۰، ۶۱، ۶۵، ۷۰، ۷۶، ۷۸، ۸۵، ۸۸، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱
 ۱۱۷، ۱۰۲
 قضاء ۱۰۳

ظلم ۲۰، ۴۳، ۴۴، ۵۰، ۸۰، ۹۴
 ظهور ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۲
 ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۳
 ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸
 ۶۴، ۶۷، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۸۱
 ۸۲، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۱۰۳، ۱۱۱
 ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب
 و ملل جهان ۳۷، ۳۸

ع

عدالت ۱۷، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۶۰، ۷۳، ۸۰
 عدل ۱۹، ۲۴، ۹۴، ۱۰۵
 عربستان ۵۹، ۵۴، ۱۵
 عرفات ۱۷
 عصر زرین ۸۲
 عقرب شاه (فیلم) ۲۵
 عقل ۲۵، ۴۶، ۵۹، ۷۷
 عقلی ۱، ۲، ۱۲
 علائم ظهور (کتاب) ۵۱
 علایم ۱۶، ۳۲، ۳۳، ۵۱، ۷۸، ۷۹
 علوم ۲، ۶۰، ۷۶، ۷۷، ۱۱۳
 عنصر پنجم (فیلم) ۲۵
 عوام ۸۷، ۱۰۱

غ

غایب ۳۳، ۴۶، ۵۲، ۷۳، ۸۷، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳
 ۹۵، ۹۸، ۱۰۰
 غرب ۹، ۱۶، ۱۷، ۲۵، ۳۳، ۴۵، ۶۰، ۶۹
 غرب، سینما و آخر الزمان (مقاله) ۲۵
 غربی ۸، ۹، ۱۲
 خریزه ۷۳
 غزالی (ابو حامد، محمد) ۳۴
 غیب ۲۹، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۱۰۰
 ۱۱۱، ۱۱۲
 غیبت ۱۳، ۴۵، ۵۵، ۵۷، ۷۳، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۸۷
 ۹۳، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۵
 ۱۱۶، ۱۱۷
 غیبت مطلق ۹۸، ۹۹، ۱۰۳

مسأله ... ۱، ۲، ۵، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۵، ۴۵، ۵۰، ۵۴، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۶۶، ۷۰، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۱۰۴، ۱۰۵

مسیحیان ۱۶، ۳۲، ۳۷، ۳۸، ۴۲، ۹۴

مسیحیت ۳۷، ۴۵، ۵۱، ۶۱

مشکلات ۴۴

مطهری (آیت الله شهید مرتضی) ۵، ۱۲، ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۴۷، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۴، ۷۵، ۸۱

معتزله ۶۸

معرفت (مجله) ۷۸

معصوم ۹۲، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۶

معصومین ۶۰، ۹۶، ۱۰۱

معنویت ۶۳، ۶۴، ۹۳، ۹۵، ۱۰۴

مقدم (حجت الاسلام علی) ۵۷

مکاتب ۱۲

ملاحم ۷۹، ۷۶

ملاصدرا ۳۳، ۷۰، ۱۰۸

ملاصدرا (صدرالدین محمد شیرازی) .. ۳۳، ۷۰، ۱۰۸

منتظر ۱۵، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۴، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۷۴، ۷۵، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۰۴، ۱۰۵

منجی ۱۳، ۳۵، ۴۴، ۴۵

منصورنژاد (دکتر محمد) ۱، ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۳، ۱۳، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۹۵، ۹۹، ۱۰۴

مهدویت ۱، ۲، ۵، ۱۲، ۱۳، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۳، ۳۵، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۸

مهدی (عج) ۳، ۵، ۱۳، ۲۴، ۳۲، ۳۳، ۵۳، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۷

موحدون ۵۲

موحدیان (عطار علی) ۳۴، ۴۱، ۵۱، ۵۹

موجود .. ۱۵، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۵۶

موجودی ۵۹، ۷۹، ۸۱، ۱۰۷

موعودباوری ۱۲، ۵۱، ۹۳، ۱۰۴، ۱۰۵

مومیایی (فیلم) ۲۵

میتریه ۳۹

مکاشفه ۳۸، ۵۲

قلب ۷۷

قله دانه (فیلم) ۲۵

قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ (کتاب) ۲۴، ۳۲

ک

کربن (هانری) ۱۰۶

کنفوسیوس ۴۱، ۴۲

کورانی (علی) ۷۹

گ

گاتها (کتاب) ۸، ۳۶، ۵۶

گودزیلا (فیلم) ۲۵

گورباچف ۳۳

ل

لیبرالیزم ۹۲

م

مؤمنان ۸۳، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۴

ماتریکس (فیلم) ۲۵

مارکیستها ۲۴

مارکیسم ۳۳

ماشیح ۳۶

ماهیت ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۶۴، ۷۱، ۷۲، ۷۳

متقین ۴۹، ۸۳، ۹۷

مجبور ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳

مجلسی (محمدباقر) ۵۷

محبت ۳۱، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۴

محنت ۳۸

مددپور (دکتر محمد) ۵۶

مدینه فاضله ۳۲، ۴۶، ۷۵، ۸۱

مرد ۳۶، ۵۲، ۵۸، ۸۳، ۹۶

مردم ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۳۶، ۳۹، ۴۵، ۵۳، ۵۶، ۵۷، ۸۱، ۸۷، ۸۸، ۹۲، ۹۴، ۹۶

مزدیسنا ۱۱۶

مزدیسنا ۳۵

هستی ۱۱۴، ۱۱۲، ۸۸، ۸۷
 هفت آسمان (فصلنامه) ۵۹، ۵۱، ۴۱، ۳۹، ۳۴
 هند ۵۴، ۵۳
 هندوئیسم ۶۱
 هندوها ۵۳، ۳۸
 هندیان ۳۸
 هنر ۱۰۲، ۲۵
 هویت ۹

و

واقعیت ۸۳، ۸۲، ۴۵، ۴۴، ۱۹
 ولایت ۱۰۱، ۴۹
 وهابیت ۵۹

ی

یاس ۹۴، ۷۴، ۶۱، ۴۷، ۴۴، ۴۳، ۲۸
 یهودیان ۳۶، ۳۲، ۲۵
 یهودیت ۶۰، ۴۲
 یوحنا ۴۵، ۳۸
 یونان ۸

ن

نجفی یزدی (سیدمحمدباقر) ۵۱
 نجم الثاقب (کتاب) ۹۸
 نخبگان ۵۷، ۵۶
 ندبه ۱۸
 نصوص ۶۶، ۶۳، ۶۲
 نظریه ۷۶، ۲۸، ۲۷
 نماد و اسطوره (کتاب) ۸۳
 نماز ۱۰۱، ۵۵، ۱۷، ۱۱
 نهج البلاغه ۷۶
 نوذری (دکتر عزت الله) ۵۰
 نوستر آداموس ۷۹، ۷۸
 نیمروزی (رسول) ۷۹

ه

هاشمی شهیدی (اسدالله) ۳۸، ۳۷، ۳۳
 هایدگر ۱۰۶
 هدایت ۹۷، ۷۶
 هدف ۱۰۴، ۹۲، ۹۰، ۴۵، ۴۴، ۲۴، ۷
 هزاره ۵۵، ۴۵، ۳۷، ۳۵، ۲۵
 هزاره گرایی ۴۵، ۲۵

فهرست آثار دکتر محمد منصورنژاد

Email: M_Mansoornejhad@yahoo.com

www.mansoor1382.persianblog.com: من می شکم، پس هشتم:

www.mansoornejhad.persianblog.com

www.persianlog.com/user/mansoor1382

http://database.irandoc.ac.ir

کتابهای منتشر شده:

(۱) بررسی تطبیقی تعامل مردم و حاکم از دیدگاه امام محمد غزالی و امام خمینی (رساله دکتری)، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی): تابستان ۱۳۸۲. و در آدرسهای:

www.ir-khomeini.org/Research/Books/Books.htm

http://database.irandoc.ac.ir

www.islamicdatabank.com

www.idb.ir

(۲) پیش درآمدی بر چینی نقد (تأملی بر تعاریف، سابقه، اقسام، آداب، عوامل، موانع و... نقد و انتقاد)، انتشارات جوان پویا: ۱۳۸۴.

(۳) تأثیر عزت و افتخار حسینی بر انقلاب اسلامی، معاونت سیاسی ن. و. نهاجا: زمستان ۱۳۸۱.

(۴) دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، دفتر نخست، به کوشش: حجت الله محمدشاهی، مؤسسه نشر علوم نوین: زمستان ۱۳۷۹. و در آدرسهای:

www.islamicdatabank.com

www.idb.ir

(۵) رد پای عقل در کربلا، به کوشش: حجت الله محمدشاهی، انتشارات راستی نو: ۱۳۷۷.

www.ashoura.com

www.seraj.ir

www.hawzah.net/Per/Magazine/RA/011/RA01109.asp

(۶) رعد و برق (مجموعه داستان)، انتشارات جوان پویا: ۱۳۸۴.

(۷) رویکردهای نظری در گفتگوی تمدنها، مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها و پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی: پاییز ۱۳۸۱. و نیز در سایت سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی:

www.ihssr.ac.ir/ketabha.htm

www.pressity.com

(۸) عشق زمینی، ناشر: مؤلف (گروه اندیشه جوان): تابستان ۱۳۸۱. و در آدرسهای:

www.islamicdatabank.com

www.idb.ir

www.womenrc.com/newbooks.asp?m=1427

www.ri-khomeini.org/matin/abstract/abstracts1809.htm

- www.ketabehafteh.ir/archive/۶۶/Book_Book1.asp
 (۹) عقل در سه دین بزرگ آسمانی: زرتشت، مسیحیت و اسلام، ناشر: مؤلف (گروه اندیشه جوان): ۱۳۸۳.
- www.ipis.ir/LPIS/LPIS.asp?URL=http://www.ipis.ir/LPIS/Newest.asp?offset=۴۰
- http://shopping.ketab.com
 www.iran-newspaper.com/۱۳۸۳/۸۳۱۲۱۱/html/special1.htm
 (۱۰) عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ج ۵ (وحدت مردمی: دکتر منصورنژاد، حضور روحانیت: علی شیخیان)، مرکز تحقیقات اسلامی: ۱۳۸۰.
- www.hemaseh.com/Books/list.asp?cat=۰۴۰۳
 www.shareh.com/persian/modules.php?name=News&file=article&sid=۱:۵۸
 www.balagh.org
 www.shareh.ofogh.net/persian
 (۱۱) گفتگوی تمدنها از منظر اندیشمندان ایرانی، مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها و پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی: پاییز ۱۳۸۱. و در آدرس:
- www.ihssr.ac.ir/ketabha.htm
 www.pressity.com
 (۱۲) مسائل دختران: بحران هویت، روابط با پسر، شکست در عشق و مسأله تربیت، انتشارات جوان پویا: ۱۳۸۴.
- (۱۳) مسأله زن، اسلام و فمینیسم (در دفاع از حقوق زنان)، به کوشش: حجت الله محمدشاهی، نشر برگ زیتون: بهار ۱۳۸۱. و در آدرسهای:
- www.womenresearchcenter.com/namaye.asp?m=۳۹۳
 www.iranbanoo.ir/books/books۱۲.htm
 www.i-b-q.com/far/۰۹/biblio/۰۷.htm
 www.islamicdatabank.com
 www.idb.ir
 www.moe.org.ir/women/farsiwomen/Archive.htm
 www.irisn.com/ketabkhaneh/library/ka/۲۸.htm
 www.aqlibrary.com/publish/tazeha/۱۲/index.asp?lang=&page=۱۱&str=
 www.iranbin.com/BookDetails
 www.iftribune.com/news
 www.ghadeer.org/social/fmenism/fehrest.htm
 www.aqm.ir/books.asp?lang=&page=۱۱&str=
 iranfarhang.com/BooksList.asp?ID=۵
 www.ketabehafteh.ir/archive/۶۹/index.asp
 (۱۴) مسأله مهدویت از منظر عقلی و عاطفی، انتشارات جوان پویا: ۱۳۸۴.

کتابهای منتشر نشده:

- (۱) امنیت ملی و آزادی سیاسی.
- (۲) اندیشه سیاسی امام خمینی.
- (۳) بررسی تطبیقی جایگاه مردم در اندیشه ولایت مطلقه فقیه (قرن ۱۴ شمسی) با فلسفه سیاسی فارابی (رساله کارشناسی ارشد)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: ۱۳۷۴. و در آدرسهای:
- http://database.irandoc.ac.ir/۰۰۰۴۷۰۰۰۰۴۷۳۲۰.htm
 http://database.irandoc.ac.ir/۹۴۷.htm
 www.islamicdatabank.com
 www.idb.ir
 www.hozeh.tebyan.net
 (۴) بررسی تطبیقی مفهوم حاکمیت از دیدگاه فقهای شیعه امامیه و دموکراسی غرب (رساله لیسانس)، دانشکده تربیت مربی قم: ۱۳۷۱.

- (۵) تپش (مجموعه داستان).
- (۶) تربیت سیاسی و اجتماعی (مجموعه مقالات).
- (۷) تفسیر و علوم قرآنی (به درخواست وزارت آموزش و پرورش نوشته شده و ادامه دارد).
- (۸) تهاجم فرهنگی، اسلام ناب محمدی (ص) (بنیادگرایی) و غرب (تجدد).
- (۹) جستارهایی در مدیریت: مهندسی گذار از نظر به عمل (در دست چاپ).
- (۱۰) جستارهایی در مطالعات قرآنی.
- (۱۱) خاطرات پایداری.
- (۱۲) دین، مشارکت و مسأله توسعه در جمهوری اسلامی ایران.
- (۱۳) دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، مجموعه مقالات، ج ۲.
- (۱۴) دین و دولت در اسلام (زیر چاپ).
- (۱۵) دیوان اشعار (مجموعه دویتی، مثنوی و غزلهای).
- (۱۶) سیری در اندیشه سیاسی متفکرین اسلامی - ایرانی.
- (۱۷) فیلمنامه ها (۱- اراده، ۲- زرتشت پیامبر، ۳- شیرین، ۴- فراری بزرگ (امام محمد غزالی)، ۵- هم کلاشینکف، هم قلم).
- (۱۸) گفتگوی تمدنها و برخورد تمدنها.
- (۱۹) معرفی و مقایسه شخصیت و دیدگاههای امام محمد غزالی و اگوستین قدیس.
- (۲۰) مصلحت.
- (۲۱) مطهری.
- (۲۲) مقایسه حزب مؤتلفه اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (جریان شناسی سیاسی).
- (۲۳) نفی دین عصری و عصر دینی و اثبات تعامل عصر و دین.
- (۲۴) نقدی بر اساتید، به بهانه تجلیل (زیر چاپ).
- (۲۵) نقد و نظری بر چند کتاب (۴ جلد). این مجموعه شامل معرفی و نقد بیش از ۱۰۰ جلد کتاب می باشد که از زمستان ۱۳۸۱ تا پاییز ۱۳۸۴ در روزنامه جوان (ویژه نامه فرهنگ و اندیشه) به چاپ رسیده و منتشر شده اند.
- (۲۶) هویت (فردی، جمعی، دینی، ملی، هویت زنان، هویت دختران و...).

مدیریت پروژه:

- (۱) امنیت اجتماعی از دیدگاه اسلام (قرآن کریم و سیره معصومین)، امام خمینی و مقام معظم رهبری، طرح بنیادی، مجری: وزارت کشور: ۱۳۷۴-۵. و در آدرس:
<http://database.irandoc.ac.ir/۰۰۰۹۷۰۰۰۹۷۱۳۳.htm>
- (۲) بررسی نظریه ها و راهبردهای تحقق گفتگوی تمدنها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی: ۱۳۷۸.
www.ihssr.ac.ir/tarh/۲۰barjasteh۱.htm
این تحقیق در سال ۱۳۸۱ در دو جلد توسط پژوهشکده یادشده، به چاپ رسیده و منتشر شده است. و در آدرس:

www.pressity.com

گزارشهای راهبردی:

- (۱) اهل کتاب و انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری.
- (۲) برخورداریهای پیروان اهل کتاب در جمهوری اسلامی ایران.
- (۳) نهادهای حقوق بشر و اقلینهای دینی.

مقالات منتشر شده:

- (۱) آسیب زدایی از مدیریت موجود، ماهنامه توسعه مدیریت، ش ۶۲، آذرماه ۱۳۸۲.
 - (۲) آسیب شناسی تربیت دینی از نگاه امام محمد غزالی، منتخب برای ارایه در همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش (دی ماه ۱۳۸۰)، دفتر ساجد (ستاد اعتلا و هماهنگی دروس دینی و قرآن و عربی، وزارت آموزش و پرورش با همکاری جهاد دانشگاهی)، مجموعه مقالات همایش، ج ۱، موسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم: بهار ۱۳۸۲.
 - (۳) آموزش و پرورش و مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان، منتخب برای ارایه به صورت پوستر در همایش نقش آموزش و پرورش در توسعه پایدار، کاتون هیستگي فرهنگيان مازندران: ۱۳۸۳.
 - (۴) آهای خواهر دردمند، روزنامه رسالت: ۱۳۷۶/۵/۲۶.
 - (۵) احیای امام خمینی و احیاء تفکر دینی، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی: خرداد ۱۳۷۶. و در آدرسهای:
- www.islamicdatabank.com
www.idb.ir
http://database.irandoc.ac.ir/۳۰۰۴۹۱.htm
- (۶) ارتباط دین و توسعه و مدل پیشنهادی، مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس وحدت حوزه و دانشگاه، پژوهشگاه وحدت حوزه و دانشگاه: آذر ۱۳۷۳.
 - همین مقاله در کتاب: دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ج ۱.
www.balagh.org/shareh/majallat/eqtesad_i/۰۲/k.htm
 - (۷) ارتباط مواد مخدر با امنیت و دین، پذیرفته شده جهت ارایه به صورت پوستر (و چاپ) در همایش ملی گفتگوی علم و دین: مفهوم حیات، انسان و مباحث کاربردی، مجموعه خلاصه مقالات همایش، مرکز ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی): اردیبهشت ماه ۱۳۸۴.
 - (۸) اصل گفتگو و دعوت در روابط بین الملل از نگاه اسلامی، روزنامه جوان، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه: ۱۳۸۳/۸/۱۳.
 - (۹) اصل گفتگو و دعوت در روابط بین الملل از نگاه اسلامی، منتخب برای ارایه و چاپ در چهارمین همایش بین المللی قرآن کریم (قرآن و روابط بین الملل)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: آبان ماه ۱۳۸۳.
 - (۱۰) اصل گفتگو و دعوت در روابط بین الملل از نگاه اسلامی، مجله گلستان قرآن (دوهفته نامه خبری، تحلیلی و پژوهشی، نشریه مرکز توسعه و ترویج فعالیتهای قرآنی)، سال هشتم، ش ۲۰۲: نیمه اول فروردین ماه ۱۳۸۴. و در آدرس:
- www.magiran.com
- (۱۱) آگزیستانسیالیسم با تأکید بر روایت کی یر کگارد، منتخب برای چاپ، خلاصه مقالات دومین همایش جهانی حکمت متعالیه و ملاصدرا، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا: بهار ۱۳۸۳. و در آدرس:
- www.mullasadra.org/Congress/persian/abstracts/...?start=۲۱
- (۱۲) آگزیستانسیالیسم و موقعیت بشر، روزنامه همشهری، ش ۳۱۳۹، ۱۳۸۲/۵/۲۶. و در آدرس:
- www.hamshahri.net
- (۱۳) امام خمینی، پیوند جمهوریت و اسلامیت، روزنامه همشهری، ش ۳۱۴۲-۳، ۱۳۸۲/۵/۲۹-۳۰.
- www.hamshahri.net/hamnews/۱۳۸۲/۸۲۰۵۲۹/news/thought.htm
www.hamshahri.org/hamnews/۱۳۸۲/۸۲۰۵۲۰/news/thought.htm

- (۱۴) امنیت و نظم عمومی در اندیشه دینی و دکترینهای مختلف، منتخب برای رایبه در کمیسیون تخصصی سمینار توسعه و امنیت عمومی، خلاصه مقالات سمینار، معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور و معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی: اسفند ۱۳۷۵. و در آدرس:
<http://database.irandoc.ac.ir>
- (۱۵) انقطاع نسلها، منتخب برای رایبه در همایش بررسی مسایل اجتماعی، مجموعه چکیده مقالات همایش، دفتر امور اجتماعی و انتخابات استانداری مازندران: اسفند ۱۳۷۹.
- (۱۶) ایران بین مفهومی جمهوری و اسلامی (المصدر: د. محمد منصور نجاد، همشهری (المواطن): ۲۰۰۳/۸/۲۰ م.)، ماهنامه مختارات ایرانیه (تسمی لتقدیم معرفه علمیه متكامله عن المجتمع و الدوله فی ایران، من خلال بعض المقالات المترجمه عن الصحف الإيرانية) (بصدرها مرکز الدراسات السياسيه و الاستراتيجيه بالاهرام، قاهره، مصر)، سال چهارم، ش ۳۹ اکتبر ۲۰۰۳. و در آدرس:
www.thamarat.com
- (۱۷) با شکست در عشق چه باید کرد؟، مجله اینترنتی موازی: ۱۳۸۳/۸/۹، به آدرس:
www.movazi.com/archives/۰۰۰۱۲۹.html
www.dokhtar-pesar.com
www.parishandokht.persianblog.com
www.hamedrezae۰.persianblog.com
www.shakhehnabat.persianblog.com
www.hamsaran.psy.ir
www.bikaran.com
www.bashgah.net
 و در مجله اینترنتی تابان:
www.taban.net/۱۳۰/gonogon.htm
- همین مقاله در کتاب: مسائل دختران: بحران هویت، روابط با پسر، شکست در عشق و مسأله تربیت.
- (۱۸) بررسی تأثیر فساد اداری بر امنیت اجتماعی، ماهنامه توسعه مدیریت، ش ۶۴: اسفندماه ۱۳۸۳ و فروردین ماه ۱۳۸۴.
- (۱۹) بررسی تطبیقی ذومراتب بودن آدمیان از دیدگاه امام خمینی و غزالی، پژوهشنامه متین، فصلنامه پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، سال ششم، ش ۲۵: زمستان ۱۳۸۳.
www.magiran.com/magtac.asp?mgID=
- (۲۰) بررسی تطبیقی مبانی و کارکردهای فاشیسم و صهیونیسم، منتخب برای رایبه در همایش بین المللی انتفاضه گامی به سوی آزادی، مجموعه خلاصه مقالات همایش، مجلس شورای اسلامی: مردادماه ۱۳۸۲.
- (۲۱) بررسی تطبیقی مسأله پاسخگویی در رژیمهای سیاسی غرب و ایران، فصلنامه حکومت اسلامی (نشریه دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری)، ش ۳۴: زمستان ۱۳۸۳. و در آدرس:
www.nezam.org/persian/magazine/۰۳۴/.htm
www.iqna.ir/NewsBodyDesc.asp?lang=fa&ProdID=۱۹۹۸۸
- (۲۲) بررسی تطبیقی مفهوم مصلحت از دیدگاه امام خمینی و اندیشمندان غربی، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۱۲: تابستان ۱۳۷۸. و نیز در سایت اینترنتی مجله و آدرسهای:
www.balagh.net/persian/politic/mafahim_siyasi/۲-۱۹/۰۲.htm
www.hawzah.net/per/magazine/HE/۰۱۲/۰۹.htm
www.nezam.org/persian/magazine/۰۱۲/۰۹.htm
www.aalulbayt.org/html/far/books/majalat/۰۶/۱۲/۰۹.htm
www.islamicdatabank.com
www.idb.ir
www.seraj.ir/engine/View_article.asp?ID=A۱۱۱۲۴

- (۲۳) بررسی سیر تحول اندیشه های سیاسی امام خمینی قبل و بعد از انقلاب اسلامی و تأثیر زمان و مکان بر آن، منتخب برای آرایه در هم اندیشی روش شناسی مطالعه شخصیت و اندیشه امام خمینی، مجموعه خلاصه مقالات هم اندیشی، پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع): اسفند ۱۳۷۸. اصل مقاله در: فصلنامه مصباح، دانشگاه امام حسین (ع)، ش ۴۲: تابستان ۱۳۸۱. و در آدرس:
- www.islamicdatabank.com
www.idb.ir
www.magiran.com
- (۲۴) بررسی یک فرضیه: مصالح جمعی محصول تلاش برای تأمین مصلحت فردی است، مجموعه مقالات همایش بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی (۱۳۷۸/۱/۲۵)، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران (مدیریت پژوهش)، ناشر: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز): ۱۳۷۹.
- http://database.irandoc.ac.ir
- (۲۵) بی مهری به علوم غیرانسانی، روزنامه همشهری، ش ۳۱۰۹: ۱۳۸۲/۴/۲۶. و در آدرسهای:
- www.irankhabar.com/headlines/Detailed/۱۴۳۴۸-۲.html
www.hamshahri.net/hamnews/۱۳۸۲/۸۲۰۴۲۶/news/elmif.htm
- (۲۶) پارادوکسهای گفتن هویتی رژیم پهلوی و درسهای آن، منتخب برای آرایه (و چاپ) در هم اندیشی هویت ایرانی، مفاهیم، مؤلفه ها و راهبردها، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه تربیت مدرس) و دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام: ۱۳۸۳/۱۲/۱۹. و در آدرس:
- www.modares.ac.ir/lli
- (۲۷) پیش درآمدی بر آسیب شناسی آفات مدیریتی در ایران اسلامی، مجله توسعه مدیریت، ش ۶۰: شهریور ۱۳۸۳.
- (۲۸) تأثیر آموزش و پرورش در تحقق جامعه مدنی و نظام مردم سالاری دینی، منتخب برای آرایه و چاپ در مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش (خرداد ۱۳۸۲)، ج ۲ (نقش آموزش و پرورش در توسعه سیاسی - اجتماعی...)، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت: ۱۳۸۳.
- (۲۹) تأمل و شرح و بسطی بر آراء استاد مطهری در مسأله مهدویت، در کتاب: مسأله مهدویت از منظر عقلی و عاطفی، انتشارات جوان پویا: ۱۳۸۴.
- (۳۰) تأملی بر ارتباط دین و حکومت (خلافت) از نگاه علی عبدالرازق (اسلام و مبانی قدرت)، فصلنامه راهبرد (نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک)، ش ۲۵: پاییز ۱۳۸۱. و در آدرس:
- www.csr.ir/Rahbord/zfa/Rahbord%asp
- (۳۱) تأملی بر ارتباط موسی با دختران شعیب (الگویی قرآنی از رفتار معقول دو جنس مخالف)، منتخب اول همایش آسیب شناسی روابط دختر و پسر، بسیج دانشجویی دانشگاه پیام نور تهران: ۱۳۸۱. و در آدرسهای:
- www.movazi.com
www.dokhtar-pesar.com
- همین مقاله در کتاب: مسائل دختران: بحران هویت، روابط با پسر، شکست در عشق و مسأله تربیت.
- (۳۲) تأملی بر اقسام حکم در اسلام (۱ و ۲: تمایزات حکم اولیه و حکم حکومتی)، روزنامه سیاست روز: ۱۲ و ۱۳۸۰/۷/۱۹.
- www.balagh.net
- (۳۳) تأملی بر کار و کارگر از نگاه دینی، روزنامه جوان، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه: ۱۳۸۴/۲/۱۱.
- (۳۴) تأملی در نگاه دکتر جواد طباطبایی به هویت ایرانی در تعامل با هویت اسلامی و غربی، فصلنامه مطالعات ملی (نشریه مؤسسه مطالعات ملی)، ویژه نامه روشنفکران ایرانی و هویت (۲)، سال پنجم، ش ۲۰: زمستان ۱۳۸۳. و در آدرسهای:

www.rinsweb.org
www.magiran.com

- (۳۵) تأملی کوتاه بر تربیت سیاسی زنان و مردان در نهضت کربلا، مجله نسل ما، گاهنامه هفتۀ علمی علوم سیاسی جهاد دانشگاهی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال سوم، ش ۵.
- (۳۶) تاکتیکهای قرآنی و روایی در حل بحران هویت دختران، در کتاب: مبانی نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام: دکتر علی اکبر علیخانی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی (مرکز مطالعات جوانان و مناسبات نسلی): ۱۳۸۳.
- همین مقاله در کتاب: مسائل دختران: بحران هویت، روابط با پسر، شکست در عشق و مسأله تربیت.
- (۳۷) تربیت در اسلام، آزمون یک فرضیه: اسلام مدافع تربیت اجتماعی سازنده، دو ماهنامه علمی-تخصصی مصباح (تعلیم و تربیت اسلامی ۲)، نشریه دانشکده و پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، ش ۵۰: فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۸۳.
- (۳۸) تفکیک قوا، ولایت مطلقه فقیه و استقلال قوا، مجموعه مقالات کنفرانس فقه، ولایت و مرجعیت، مدرسه دارالشفاء قم: ۱۳۷۴.
- (۳۹) تفکیک قوا، ولایت مطلقه فقیه و استقلال قوا (ویراست دوم)، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۱۱: بهار ۱۳۷۸. در سایت اینترنتی این مجله و نیز در سایت بلاغ (دفتر تبلیغات اسلامی قم):
www.balagh.net/persian/politic/mafahim_siyasi/13701.htm
www.hawzah.net/per/magazine/HE/011/he01104.htm
www.nezam.org/persian/magazine/011/03.htm
www.aalulbayt.org/html/far/books/majalat/06/11/03.htm
www.islamicdatabank.com
www.idb.ir
- (۴۰) توسعه فرهنگی و تهاجم فرهنگی، منتخب برای آرایه در سمینار توسعه فرهنگی، مجموعه خلاصه مقالات سمینار، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (معاونت پژوهشی): خرداد ۱۳۷۴.
- همین مقاله در کتاب: دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ج ۱. و در آدرس:
<http://database.irandoc.ac.ir>
- (۴۱) تهدیدات اینترنت، مجله دانشجویی آنلاین (نشریه انجمن علوم کامپیوتر و مهندسی نرم افزار دانشگاه قم)، ش ۱: بهمن ماه ۱۳۸۳.
- (۴۲) جامعه مدنی در جامعه دینی، مجموعه مقالات همایش تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی: اسفند ۱۳۷۶.
- و نیز در کتاب: دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ج ۱. و در آدرس:
<http://database.irandoc.ac.ir>
- (۴۳) جایگاه، انواع، عوامل و موانع مشارکت سیاسی، فراخوان مشارکت سیاسی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دانشگاه آزاد اسلامی)، مدیریت تشکلهای سیاسی: بهمن ۱۳۷۵.
- (۴۴) جایگاه زمان و مکان در دین از نگاهی تازه، مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی و احیاء تفکر دینی، ج ۴، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی: تابستان ۱۳۷۸.
<http://database.irandoc.ac.ir>
- (۴۵) جایگاه ساختارهای تولید، پردازش و توزیع اطلاعات در پراکنندگی یا انسجام اجتماعی، منتخب برای سخنرانی (و چاپ) در اولین همایش اخلاق و فناوری اطلاعات، مرکز تحقیقات مخابرات ایران: مردادماه ۱۳۸۴.
- (۴۶) جایگاه شورا در قرآن مجید، منتخب برای آرایه و چاپ در مجموعه مقالات همایش شوراهای اسلامی و مشارکت مردمی، وزارت کشور و پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی: بهمن ۱۳۷۷.
- همین مقاله در کتاب: دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ج ۱.

- <http://database.irandoc.ac.ir>
 (۴۷) جریان شناسی فکری پیرامون جمهوری اسلامی؛ رهیافت انتقادی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) (نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق)، ش ۲۳: پاییز ۱۳۸۳.
- http://www.isu.ac.ir/Publication/Research-Quarterly/Research-Quarterly_23/Research-Quarterly_23.htm
www.magiran.com
 (۴۸) جلوه های تربیتی قیام عاشورا، مجموعه مقالات همایش امام حسین(ع)، ج ۱۰ (تعالیم اخلاقی و عرفانی امام حسین)، مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل بیت(ع) و نشر شاهد: اسفندماه ۱۳۸۱، و در آدرسهای:
- www.islamicdatabank.com
www.idb.ir
 (۴۹) جمهوریت از دیدگاه امام خمینی، مجموعه مقالات همایش جمهوریت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۳۷۷، و در آدرس:
- <http://database.irandoc.ac.ir/fulltext/SE/f.htm?۵۶۲۸۲>
 همچنین در کتاب: دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ج ۱.
- (۵۰) جهانی شدن به روایت فوکویاما، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، اداره سیاسی ستاد نمایندگی و ف. در س.، سال دوم، ش ۷: بهار ۱۳۸۲.
- (۵۱) چکیده مقالات کربلا، حسین(ع) و عاشورا، ویژه نامه همایش عزت و افتخار حسینی، نشریه افق: ۶-۱۳۸۱/۸/۵.
- (۵۲) چستی و چرایی نقد، روزنامه جوان، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه: ۱۳۸۳/۱۲/۱۲.
- (۵۳) حرکت اصلاحی امام حسین(ع) و نسبت میان تکلیف و نتیجه، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۲۶: زمستان ۱۳۸۱. این مقاله در سایت اینترنتی مجله موجود است.
- www.balagh.net
www.hawzah.net
www.nezam.org/persian/magazine/۰۲۶.htm
www.islamicdatabank.com
www.idb.ir
www.seraj.ir
 این مقاله در سایت خبرگزاری فارس (۱۳۸۳/۱۲/۳)، با نام «امام حسین به عنوان یک مصلح دینی»، درج شده است:
- www.farsnews.com/NewsVm.asp?ID=۱۳۲۳۱۷
www.gerdavar.com
 (۵۴) حق انتخاب در نهضت حسینی، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه (روزنامه جوان)، ش ۲۲۴: ۱۳۸۲/۱۲/۱۳.
- (۵۵) حکومت و مسأله حجاب: پاسخ به یک نقد، مجله اینترنتی موازی: ۱۳۸۳/۱۰/۲۸، به آدرس:
- www.movazi.com
www.mtc-online.net
 (۵۶) خانواده و نیایش، منتخب برای ارایه (و چاپ و انتشار خلاصه مقاله) در هم اندیشی فرهنگ نیایش و دانشجو، ستاد اقامه نماز صداوسیما و مجمع مدرسان معارف اسلامی دانشگاهها: خرداد ۱۳۸۱.
- (۵۷) خانواده و نیایش، پذیرفته شده جهت ارایه (به صورت میزگرد و چاپ) در همایش ملی گفتگوی علم و دین: مفهوم حیات، انسان و مباحث کاربردی، مجموعه خلاصه مقالات همایش، مرکز ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی): اردیبهشت ماه ۱۳۸۴.
- (۵۸) درآمدی بر تربیت دختران، در کتاب: مسائل دختران: بحران هویت، روابط با پسر، شکست در عشق و مسأله تربیت، انتشارات جوان پویا: ۱۳۸۴.

- (۵۹) درآمدی بر چستی دین و سیاست، منتخب برای آرایه و چاپ در همایش شریعت مطهر (کنگره بزرگداشت شهیدان مطهری و شریعتی)، مؤسسه فرهنگی، علمی و هنری همراز با شقایق، با همکاری انجمن قلم ایران: ۱۳۸۴/۲/۲۶.
- (۶۰) درآمدی بر چستی و چرایی نقد (تعریف و چرایی نقد)، منتخب برای آرایه و چاپ در مجموعه مقالات همایش منطقه‌ی نهضت تولید علم، جنبش نرم افزاری و آزاداندیشی (منطقه ۸)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج و باشگاه پژوهشگران جوان: ۱۳۸۳/۹/۱۷.
www.yrc-ir.org/nehzat/Manateg/Chekideh_magalat/Karaj.htm
- (۶۱) درآمدی بر چستی و چرایی نقد (تاریخچه، چرایی و عوامل و موانع نقد)، فصلنامه کتاب نقد (نشریه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، ش ۳۴، بهار ۱۳۸۴، و در آدرسهای:
www.islamic-iiict.org
www.magiran.com
www.ketab-e-naghd.org
- (۶۲) درآمدی بر موضوع انتظار منجی در اسلام و مسیحیت، ماهنامه پیک جانباز (نشریه خانه جانباز)، پیش شماره اول: بهمن ماه ۱۳۸۳.
- (۶۳) در دام مغالطات، تأملات متدلوزیک و منطقی بر مقاله صراطهای مستقیم (اثر دکتر عبدالکریم سروش)، روزنامه ایران، ش ۷۹۰، ۱۳۷۶/۷/۳۰.
- (۶۴) دیالکتیک و هگل، فصلنامه نامه فرهنگ، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ش ۵۴: زمستان ۱۳۸۳.
- (۶۵) دین و توسعه (۵-۱)، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه (روزنامه جوان)، ش ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲: ۷/۲۳ و ۷ و ۲۲ و ۸/۲۹ و ۱۳/۹/۱۳۸۱.
- (۶۶) دین و توسعه: با تأکید بر قرائت امام خمینی از دین، منتخب برای آرایه (و چاپ و انتشار) در دومین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی حضرت امام خمینی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (خلاصه مقالات، خرداد ۱۳۷۹)، کتاب بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی (مجموعه مقالات دومین کنگره...)، ناشر: ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی: تابستان ۱۳۸۰.
همین مقاله در کتاب: دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ج ۱، و در آدرسهای:
http://database.irandoc.ac.ir
www.islamicdatabank.com
www.idb.ir
- (۶۷) رابطه علم و دین: تأملی بر نظریه سمبولیک دیدن خلقت انسان، پذیرفته شده جهت آرایه (سخنرانی) و چاپ در همایش ملی گفتگوی علم و دین: مفهوم حیات، انسان و مباحث کاربردی، مجموعه خلاصه مقالات همایش، مرکز ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی): اردیبهشت ماه ۱۳۸۴.
www.nrcms.ir/news/detail.asp?ID=۷۸
www.iqna.ir
www.ikna.ir/NewsBody.asp?start=۱۷۶&IDMenu=۱۴
www.iqna.ir/NewsBody.asp?start=۱۷۶&IDMenu=۱۴
- (۶۸) رابطه مناسبات نسلی و مسأله فرار مغزها در ایران، منتخب برای آرایه (و چاپ) در همایش ملی مناسبات نسلی در ایران: ابعاد و عوامل گسست و پیوند نسلیها، خلاصه مقالات همایش، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی (مرکز مطالعات جوانان و مناسبات نسلی): دی و بهمن ماه ۱۳۸۳، و در آدرس:
www.ihssr.ac.ir/hamayesh/essayes.htm
- (۶۹) روابط عاشقانه دختر و پسر، منتخب همایش آسیب شناسی روابط دختر و پسر، بیج دانشجویی دانشگاه پیام نور مرکز تهران: زمستان ۱۳۸۱، و در آدرسهای:
goftman.com/archive/t-۳۰۹۸۴-p-۲.html
www.dokhtar-pesar.com

www.urmiacity.com

همین مقاله در کتاب: مسائل دختران: بحران هویت، روابط با پسر، شکست در عشق و مسأله تربیت.

- (۷۰) زمینه ایجاد وحدت اسلام از طریق گفتگوی بین تمدنی، خلاصه مقالات دومین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام: شهریور ۱۳۸۲.
- (۷۱) زمینه ایجاد وحدت اسلامی از طریق گفتگوی بین تمدنی، روزنامه جوان: ۱۳۸۴/۲/۸.
- (۷۲) www.javannewspaper.com/1384/820208/andishe.htm
زمینه ایجاد وحدت اسلامی از طریق گفتگوی بین تمدنی، منتخب برای آرایه و چاپ در هجدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی: اردیبهشت ماه ۱۳۸۴.
- (۷۳) سیدحیدر آملی به روایت هانری کرین، منتخب کنگره ملی علامه سیدحیدر آملی، مجموعه مقالات کنگره، ج ۲، ناشر: دبیرخانه کنگره: ۱۳۸۱.
- (۷۴) <http://database.irandoc.ac.ir>
سیری در اندیشه سیاسی دکتر آیت الله مهدی حائری یزدی، نخستین همایش بین المللی مردمسالاری دینی، دانشگاه علامه طباطبایی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف: زمستان ۱۳۸۲.
- (۷۵) www.ilna.ir/shownews.asp?code=23040&code1=1
سیری در اندیشه سیاسی دکتر علی شریعتی (ویراست اول)، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه (روزنامه جوان)، ش ۱۹۵: ۱۳۸۲/۳/۲۸.
- (۷۶) سیری در اندیشه سیاسی دکتر علی شریعتی (ویراست دوم)، روزنامه جوان، ش ۱۷۶۶: ۱۳۸۴/۳/۲۶ و ش ۱۷۷۲: ۱۳۸۴/۴/۲.
- (۷۷) شکاف و گفتگوی نسلها با تأکید بر ایران، در کتاب: نگاهی به پدیده گسست نسلها، به اهتمام: دکتر علی اکبر علیخانی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی و دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور: پاییز ۱۳۸۲.
- همین مقاله (بدون ذکر نام نویسنده) در: فصلنامه نامه فرهنگ (نشریه معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ش ۵۲: تابستان ۱۳۸۳.
- (۷۸) شناخت خواص و عوام حق از باطل با ملاکهای برون دینی، منتخب برای آرایه در چهارمین سمینار بررسی ابعاد زندگی امام حسین (ع)، مجموعه خلاصه مقالات چهارمین سمینار، دانشگاه امام حسین (ع): پاییز ۱۳۷۶.
- همین مقاله در کتاب: رد پای عقل در کربلا.
- (۷۹) شناخت خواص و عوام حق از باطل با ملاکهای برون دینی (۱، ۲ و ۳)، ماهنامه پیک جانباز، پیش شماره دوم و سوم: بهار و تابستان ۱۳۸۴.
- (۸۰) صهیونیسم و فاشیسم: مبانی و کارکردها، فصلنامه کتاب نقد (نشریه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، ش ۳۲: پاییز ۱۳۸۳. و در آدرسهای:

www.islamic-iiict.org

www.magiran.com

www.farsnews.ir

www.ketab-e-naghd.org/articles/312.doc

- (۸۱) ضرورتها و مقتضیات برنامه ریزی برای گفتگوی تمدنها و فرهنگها، مجموعه خلاصه مقالات دومین سمینار میان منطقه یی کشورهای آسیای مرکزی-غربی و جامعه اطلاعاتی، مرکز پژوهشهای ارتباطات و دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، شهریورماه ۱۳۸۲. و در آدرس:

www.iranwsis.org/Default.asp

۸۲) ضرورتها و مفتضیات برنامه ریزی برای گفتگوی تمدنها و فرهنگها، ماهنامه گزارش گفتگو (نشریه مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها)، سال چهارم، ش ۱۶: فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۸۴.

www.dialoguecentre.org
www.ICDAC.com

۸۳) طرح مصلحت در اندیشه امام خمینی و تحلیلی بر آن، مجموعه مقالات کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی: بهمن ۱۳۷۸.

www.islamicdatabank.com
www.ketaban.com
www.idb.ir

۸۴) عدالت سیاسی از دیدگاه علی (ع)، منتخب برای ارایه در کنگره بین المللی امام علی (ع) و عدالت، وحدت و امنیت (اسفند ۱۳۷۹)، مجموعه مقالات کنگره، ج ۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: اسفند ۱۳۸۰.

www.islamicdatabank.com
www.idb.ir

۸۵) عقلانیت و شهید مطهری، منتخب برای ارایه در اولین کنگره دانشجویی اندیشه مطهر (نگرشی بر آراء و افکار استاد شهید مرتضی مطهری)، مجموعه خلاصه مقالات کنگره، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی واحد تهران: مهر ۱۳۷۴.

۸۶) عقل مانع تحریف و عامل تعمیم نهضت حسینی، منتخب برای ارایه در اولین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین (ع)، خورشید شهادت (مجموعه مقالات سمینار، بررسی منابع و تبیین تحریفات)، دفتر اول، دانشگاه امام حسین (ع): ۱۳۷۳.
همین مقاله در کتاب: رد پای عقل در کربلا. و در آدرس:

<http://database.irandoc.ac.ir>
www.seraj.ir/engine/detail.asp?ID=A۱۸۳۷۸

۸۷) علی (ع) در آینه نهج البلاغه، منتخب برای ارایه و چاپ در کنگره امام علی (ع) و تجلی ولایت در مازندران (دی ماه ۱۳۷۹)، مجموعه مقالات کنگره (کتاب تجلی ولایت)، نشر رسانش: زمستان ۱۳۸۰. و در آدرس:

www.islamicdatabank.com
www.idb.ir

۸۸) عوامل بنیادین احیاء اندیشه، نخبگان و جامعه، خورشید شهادت (امام حسین و احیای دین)، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین (ع) (دی ماه ۱۳۷۴)، دفتر سوم، دانشگاه امام حسین (ع): پاییز ۱۳۷۵.
همین مقاله در کتاب: رد پای عقل در کربلا. و در آدرس:

<http://database.irandoc.ac.ir>
www.islamicdatabank.com
www.idb.ir

۸۹) عوامل و راهکارهایی در روابط دختران و پسران، منتخب همایش آسیب شناسی روابط دختر و پسر، بسیج دانشجویی دانشگاه پیام نور مرکز تهران: زمستان ۱۳۸۱. و در آدرسهای:

www.dokhtar-pesar.com
goftman.com/archive/t-۳۰۹۸۴-p-۲.html

همین مقاله در کتاب: مسائل دختران: بحران هویت، روابط با پسر، شکست در عشق و مسأله تربیت.

۹۰) فرآیند مطلوب گذار از نظر به عمل، فصلنامه مطالعات سیاسی روز (نشریه اداره سیاسی ستاد نمایندگی و.ف. در س.)، سال دوم، ش ۶: زمستان ۱۳۸۱.

۹۱) فساد اداری و امنیت اجتماعی، فصلنامه فرهنگ اندیشه (ویژه ساخت رانتی و فساد)، (نشریه مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی)، ش ۱۱: پاییز ۱۳۸۳.

www.magiran.com

- (۹۲) فلسفه اخلاق، حوزه نمایندگی و.ف. در نهسا، معاونت آموزشهای ع.س.، مدیریت تداوم: ۱۳۷۴.
- (۹۳) فلسفه نظارت، فصلنامه حکومت اسلامی (نشریه دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری)، ش ۳۳، پاییز ۱۳۸۳. و در آدرسهای:
www.nezam.org/persian/magazine/033/03.htm
www.hawzeh.net/Per/magazine/HE/033/HE033fe.htm
- (۹۴) فلسفه حقوق در دو معنا، مجموعه خلاصه مقالات هشتمین همایش بزرگداشت حکیم صدرالتألهین شیرازی (ره): حکمت عملی در مکتب ملاصدرا، بنیاد حکمت اسلامی صدرا: ۱۳۸۴/۳/۱.
- (۹۵) قانونگذاری در حکومت اسلامی، در کتاب: حکومت از دیدگاه مذاهب اسلامی؛ گزیده مقالات فارسی دهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی (تیرماه ۱۳۷۶)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی: ۱۳۷۷. و در آدرسهای:
www.taghrib.org
www.islamicdatabank.com
www.idb.ir
- (۹۶) قانونگذاری در حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی (نشریه دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری)، ش ۷، بهار ۱۳۷۷. و در آدرسهای:
www.balagh.net/persian/pplitic/mafahim_siyasi/7-13701.htm
www.hawzah.net
www.nezam.org/persian/magazine/007/07.htm
www.seraj.ir
- (۹۷) قانونگذاری در حکومت اسلامی، مجله تبیان (چاپ سندیج)، ش ۲۸، خرداد و تیرماه ۱۳۷۷.
- (۹۸) کاش در ذهنم سنگینی می کرد (طنز)، هفته نامه مهر، ش ۱: ۱۳۸۲/۲/۱۴.
- (۹۹) کندوکاوی در نظریات آیت الله مصباح یزدی (سازگاری اسلام و دموکراسی آری یا نه؟)، فصلنامه راهبرد (نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک)، ش ۲۸، تابستان ۱۳۸۲.
www.csr.ir/Rahbord/zfa/Rahbord28.asp
www.islamicdatabank.com
www.idb.ir
www.seraj.ir
- (۱۰۰) گزارش طرح بررسی نظریه ها و راهبردهای تحقق گفتگوی تمدنها، جزوه انسان، دانش و گفتگوی تمدنها، تهیه کننده: سوسن اسکویی، مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها (حوزه آموزش): مهرماه ۱۳۷۹.
- (۱۰۱) گزارشی از نظریه های فمینیستی (۴-۱) (امواج فمینیسم، باید فرودستی زنان را فهمید، در برابر نظام سلطه مردانه، برابری زن و مرد رویا یا واقعیت؟)، روزنامه ایران، ش ۶-۱۸۴۳: ۴-۱۳۸۰/۴/۱۱. و در سایت اینترنتی روزنامه ایران:
www.iran-newspaper.com/1380/800411/html/think.htm
www.iran-newspaper.com/1380/800412/html/think.htm
www.iran-newspaper.com/1380/800413/html/think.htm
www.iran-newspaper.com/1380/800414/html/think.htm
- (۱۰۲) گفتگو و برخورد اندیشه ها، مجله گزارش گفتگو (مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها)، ش ۲۷، تیرماه ۱۳۸۱. و در آدرس:
[www.dialoguecentre.org/FARSI/magazine\(Tir\).htm](http://www.dialoguecentre.org/FARSI/magazine(Tir).htm)
- (۱۰۳) مبانی دینی تحزب در اسلام، مجموعه خلاصه مقالات همایش تحزب و توسعه سیاسی، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور: آذرماه ۱۳۷۷. مجموعه مقالات همایش، کتاب سوم: اسلام و تحزب، انتشارات همشهری: زمستان ۱۳۷۸.
 همین مقاله در کتاب: دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ج ۱. و در آدرسهای:

<http://database.irandoc.ac.ir>
www.islamicdatabank.com
www.idb.ir

- (۱۰۴) مبانی نظری احزاب در نظام اسلامی، روزنامه سلام: ۱۳۷۳/۵/۲۳.
 (۱۰۵) مردم گرایی در اندیشه سیاسی شهید صدر، منتخب همایش بزرگداشت شهید آیت الله سیدمحمدباقر صدر، قم، ویژه نامه اندیشه ماندگار، ش ۶: ۱۳۷۹/۱۱/۱.

<http://database.irandoc.ac.ir>

- (۱۰۶) مسایل نظامی و استراتژیکی معاصر، مدیریت آموزشی تخصصی، معاونت ع.س. نهسا، تکثیر: دانشکده علوم و فنون هوایی: بهار ۱۳۷۴.
 (۱۰۷) مطهری و پرسشگری، فصلنامه علمی - ترویجی مریبان (مرکز تحقیقات اسلامی قم)، ش ۱۱: بهار ۱۳۸۳.
 (۱۰۸) مقایسه دو دیدگاه: عقل قاصر یا قادر در دفاع از دین، مجله کیهان اندیشه، ش ۷۵: آذر و دی ماه ۱۳۷۶.

www.islamicdatabank.com
www.idb.ir
www.seraj.ir

- (۱۰۹) مؤلفه های عزت و افتخار حسینی، روزنامه جوان: ۱۳۸۳/۱۱/۲۹. و در آدرس:
www.javannewspaper.com/1383/11/29/dialog1.htm
 (۱۱۰) مؤلفه ها و شاخصهای تفکر بسیجی، چکیده مقالات تبیین تفکر بسیجی در آموزش و پرورش، ناشر: مرکز مقاومت بسیج فرهنگیان آموزش و پرورش: اسفندماه ۱۳۸۳.
 (۱۱۱) نسبت دین و سیاست (۲ قسمت) (دلایل قرائت ویژه امام خمینی از دین و سیاست)، روزنامه ایران: ۱۴ و ۱۳۷۸/۱۱/۳۰. و در آدرس اینترنتی روزنامه ایران.
 (۱۱۲) نظریه نخبه گرایی (خواص، الیتسم) و حادثه کربلا، خورشید شهادت (امام حسین و فرهنگ پاسداری)، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین (ع)، دفتر چهارم، دانشگاه امام حسین (ع): ۱۳۷۵.
 همین مقاله در کتاب: رد پای عقل در کربلا.

<http://database.irandoc.ac.ir>

- (۱۱۳) نقش آرامش در حیات انسان: با تأکید بر عوامل آرامش زا و اضطراب زدا، پذیرفته شده جهت ارایه به صورت میزگرد (و چاپ) در همایش ملی گفتگوی علم و دین: مفهوم حیات، انسان و مباحث کاربردی، مجموعه خلاصه مقالات همایش، مرکز ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی): اردیبهشت ۱۳۸۴.

www.nrcms.ir/news/...Cnews/detail.asp?ID=78

- (۱۱۴) نقش بسیج در زیباسازی مساجد، مجله علمی و پژوهشی بسیج، مرکز تحقیقات خودکفایی بسیج، ش ۱۵: زمستان ۱۳۷۶.
 (۱۱۵) نقش تعالیم اسلام در توسعه اقتصادی، نشریه کیهان هوایی، ش ۱۰۵۶-۱۰۵۵.

www.islamicdatabank.com
www.idb.ir
www.seraj.ir

- (۱۱۶) نقش تعالیم اسلام در جریان توسعه اقتصادی، منتخب برای ارایه در اولین سمینار ملی فرهنگ و توسعه، مجموعه خلاصه مقالات سمینار، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: مهرماه ۱۳۷۲.

همین مقاله در کتاب: دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، ج ۱. و در آدرس:

<http://database.irandoc.ac.ir>

- (۱۱۷) نقش زنان تحصیلکرده در تشکیل و تحکیم خانواده، فصلنامه تخصصی بانوان شیعه (قم، مؤسسه شیعه شناسی)، سال دوم، ش ۳: بهار ۱۳۸۴.

۱۱۸) نقش مبانی اعتقادی در توسعه دانش (بازخوانی نظریه ماکس وبر در اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری)، پذیرفته شده برای چاپ در همایش توسعه دانش و فناوری، دانشگاه صنعتی شریف: ۱۳۸۳.

۱۱۹) نقش مبانی اعتقادی در توسعه دانش، روزنامه جوان، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه: ۱۳۸۳/۹/۴.

۱۲۰) نقش هنر و زیبایی در تعمیم فرهنگ دفاع، مجموعه مقالات چهارمین گردهمایی اندیشه های دفاعی حضرت امام خمینی، ج ۲، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح: ۱۳۷۵.

<http://database.irandoc.ac.ir>

۱۲۱) نگرشی کوتاه بر تحولات شهر رینه لاریجان بعد از انقلاب اسلامی، پایگاه مقاومت امام موسی کاظم (ع) رینه، تابستان ۱۳۷۲.

۱۲۲) نیچه، فرانکل و نگاه اسلامی درباره هدف و معنای زندگی، منتخب برای ارایه در دهمین کنفرانس حوزه و دانشگاه، مجموعه چکیده مقالات برگزیده کنفرانس، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (قم): آذرماه ۱۳۷۶.

www.al-shia.com/html/far/books/majalat/۰۵/۱۲/۱۴.htm

۱۲۳) نیچه، فرانکل و نگاه اسلامی درباره هدف و معنای زندگی (ویراست دوم، با اضافات)، منتخب جهت ارایه به صورت میزگرد در همایش ملی گفتگوی علم و دین: مفهوم حیات، انسان و مباحث کاربردی، مجموعه خلاصه مقالات همایش، مرکز ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی): اردیبهشت ماه ۱۳۸۴.

۱۲۴) نیچه و نظریه اراده معطوف به قدرت، از نگاه استاد شهید مطهری، فصلنامه نامه فرهنگ، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ش ۵۳: پاییز ۱۳۸۳.

۱۲۵) هرمنوتیک و نسبت آن با دین، منتخب برای ارایه و چاپ و انتشار در پانزدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی (خرداد ۱۳۸۱)، در کتاب: اجتهاد و نواندیشی، ج ۲، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی: ۱۳۸۲.

www.taghrib.org

۱۲۶) هرمنوتیک و نسبت آن با دین، به سفارش دبیرخانه پانزدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، روزنامه رسالت: ۷ و ۱۱ و ۱۳/۳/۱۳۸۱.

www.seraj.ir

۱۲۷) هنر بزرگ خاتمی، ویژه نامه سخن سبز، روزنامه ایران: خردادماه ۱۳۷۷.

۱۲۸) هویت فردی و هویت جمعی، با همکاری مرضیه بایه، منتخب همایش هویت ملی و جهانی شدن (خرداد ۱۳۸۳)، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی (در دست چاپ).

۱۲۹) هویت زنان و حقوق بشر، منتخب برای ارایه (و چاپ) در سومین همایش بین المللی حقوق بشر: هویتها، تفاوتها و حقوق بشر، قم، دانشگاه مفید (مرکز مطالعات حقوق بشر): ۵-۱۳۸۴/۲/۲۴.

Mohammad Mansournejad. Women's identity and human rights.

www.mofidu.ac.ir/chrs/evn/abstract/index۲.html

... (۱۳۰)

نقد و بررسی کتاب:

۱) معرفی کوتاه کتاب: آرای عمومی (مبانی، اعتبار و قلمرو) (محمود حکمت نیا)، ماهنامه جهان کتاب، ش ۱۹۱: اسفندماه ۱۳۸۳.

۲) معرفی کوتاه کتاب: جستارهایی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک (دکتر فروغ عریضی)، ماهنامه جهان کتاب، ش ۱۸۸: آذرماه ۱۳۸۳.

- (۳) معرفی کوتاه کتاب: جستارهایی در شناخت اندیشه سیاسی معاصر غرب (دکتر سیدعلیرضا حسینی بهشتی)، ماهنامه جهان کتاب، ش ۱۹۵: تیرماه ۱۳۸۴.
- (۴) معرفی کوتاه کتاب: چند مقاله فلسفی (دکتر محمدرضا ریخته گران)، ماهنامه جهان کتاب، ش ۱۹۶: مردادماه ۱۳۸۴.
- (۵) معرفی کوتاه کتاب: شریعتی، هرمنوتیک رهایی و عرفان مدنی (دکتر عباس منوچهری)، ماهنامه جهان کتاب، ش ۱۹۲: فروردین ماه ۱۳۸۴.
- (۶) معرفی کوتاه کتاب: عقلانیت و معنویت (دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی)، ماهنامه جهان کتاب، ش ۱۹۶: مردادماه ۱۳۸۴.
- (۷) معرفی کوتاه کتاب: فلسفه و انسان معاصر (دکتر رضا داوری اردکانی)، ماهنامه جهان کتاب، ش ۴-۱۹۳: اردیبهشت ماه ۱۳۸۴.
- (۸) معرفی کوتاه کتاب: گفتمان، پادگفتمان و سیاست (دکتر محمدرضا تاجیک)، ماهنامه جهان کتاب، ش ۴-۱۹۳: اردیبهشت ماه ۱۳۸۴.
- (۹) معرفی و نقد کتاب: دین و دولت در اندیشه اسلامی (حجت الاسلام محمد سرورش محلاتی)، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) (نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق)، ش ۲۳: پاییز ۱۳۸۳.
- http://www.isu.ac.ir/Publication/Research-Quarterly/Research-Quarterly_23_6.htm
www.magiran.com
- (۱۰) نقد و بررسی کتاب: ایدئولوژی انقلاب ایران (دکتر حمیدرضا اخوان مفرد)، چگونه اسلام شیعی به ایدئولوژی غالب تبدیل شد؟، کتاب ماه علوم اجتماعی (ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و بررسی کتاب)، خانه کتاب ایران، ش ۷۶-۷۵: دی و بهمن ماه ۱۳۸۲.
- <http://Ketabnet.org.ir>
www.islamicdatabank.com
www.Ketab.ir
www.idb.ir
- (۱۱) نقد و بررسی کتاب: دیباچه بی بر نظریه انحطاط ایران (دکتر سیدجواد طباطبایی)، مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، خانه کتاب ایران، ش ۸۷: دی ماه ۱۳۸۳.
- www.Ketab.ir
<http://Ketabnet.org.ir>
- (۱۲) نقد و بررسی کتاب: قدرت، زبان، زندگی روزمره (دکتر احمد خالقی)، مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه (ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب)، خانه کتاب ایران، ش ۸۳: شهریورماه ۱۳۸۳.
- www.Ketab.ir
<http://Ketabnet.org.ir>
- (۱۳) نقد و بررسی کتاب: متافیزیک و فلسفه زبان، ویتگنشتاین متقدم و علوم عقلی اسلامی (حسین واله)، مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، خانه کتاب ایران، ش ۸۸-۸۷: دی و بهمن ماه ۱۳۸۳.
- www.Ketab.ir
<http://Ketabnet.org.ir>
- (۱۴) نقد و نظری بر کتاب: اخلاق حرفه بی (دکتر احد فرامرز قراملکی)، ماهنامه توسعه مدیریت، ش ۶۳: دی و بهمن ماه ۱۳۸۳.
- (۱۵) نقد و نظری بر کتاب: دیباچه بی بر نظریه انحطاط ایران (دکتر سیدجواد طباطبایی)، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، اداره سیاسی ستاد نمایندگی و.ف. در.س.، سال دوم، ش ۶: زمستان ۱۳۸۱.
- (۱۶) نقد و نظری بر کتاب: راهی به رهایی (استاد مصطفی ملکیان)، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، سال دوم، ش ۷: بهار ۱۳۸۲.

- (۱۷) نقد و نظری بر کتاب: شکاف بین نسلیها (نریمان یوسفی)، مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، خانه کتاب ایران، ش ۸۹ اسفندماه ۱۳۸۳.
- (۱۸) نقد و نظری بر کتاب: گفتمان مدرنیته (دکتر عبدالله نصری)، فصلنامه مطالعات ملی (نشریه مؤسسه مطالعات ملی)، ویژه نامه مدرنیته و هویت، سال ششم، ش ۲۱: بهار ۱۳۸۴.
- (۱۹) نقد و نظری بر کتاب: وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستر اکهارت (دکتر قاسم کاکایی) (خلا معنویت در دهکده جهانی)، فصلنامه گزارش گفت و گو (مرکز بین المللی گفت و گوی تمدنها)، ش ۱۳: مهر و آبان ماه ۱۳۸۳.
- www.magiran.com
www.dialoguecentre.org/farsi/magazine(Tir).htm

«نقد کتاب‌های منتشر شده در روزنامه جوان»

این مجموعه شامل معرفی و نقد (نقد و نظری بر) بیش از ۹۰ جلد کتاب می باشد که همگی در روزنامه جوان (ویژه نامه فرهنگ و اندیشه)، از زمستان ۱۳۸۱ تا پاییز ۱۳۸۴ به چاپ رسیده و منتشر شده اند. برای اختصار و رعایت نظم مطالب، عنوان «نقد و نظری بر کتاب...» حذف شده و تنها نام مؤلفین (به ترتیب حروف الفبا)، عنوان کتاب آنها و تاریخ چاپ «نقد کتاب» ذکر می گردد:

- (۱) آقای (دکتر سیدداود)، حقوق سازمانهای بین المللی، ۱۳۸۲/۶/۱۲.
- (۲) ابراهیمی دینانی (دکتر غلامحسین)، دفتر عقل و آیت عشق، ۱۳۸۳/۱۰/۱۶.
- (۳) احمدی (دکتر بابک)، ساختار و هرمنوتیک، ۱۳۸۱/۱۰/۱۸.
- (۴) اخوان مفرد (دکتر حمیدرضا)، ایدئولوژی انقلاب ایران، ۱۳۸۲/۷/۹.
- (۵) الطایی (دکتر علی)، بحران هویت قومی در ایران، ۱۳۸۳/۱۲/۱۹.
- (۶) الوانی (دکتر سیدمهدی)، شریف زاده (دکتر فتاح)، فرآیند خط مشی گذاری عمومی، ۱۳۸۲/۵/۱.
- (۷) الهی (دکتر همایون)، امپریالیسم و عقب ماندگی، ۱۳۸۳/۶/۱۸.
- (۸) ایزدی یزدان آبادی (احمد)، مدیریت تعارض، ۱۳۸۳/۱۲/۱۲.
- (۹) بشیریه (دکتر حسین)، دولت و جامعه مدنی، ۱۳۸۱/۹/۲۷.
- (۱۰) بو عمران، مسأله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن، ترجمه اسماعیل سعادت، ۱۳۸۲/۱۱/۱.
- (۱۱) بهشتی سرشت (دکتر محسن)، نقش علما در سیاست، ۱۳۸۲/۶/۵.
- (۱۲) پارسانیا (حجت الاسلام حمید)، حدیث پیمان، ۱۳۸۳/۱۰/۲۳.
- (۱۳) پزشکی (محمد)، چستی فلسفه سیاسی در حوزه تمدن اسلامی، ۱۳۸۴/۴/۵.
- (۱۴) تسخیری (آیت الله محمدعلی)، ایده های گفتگو با دیگران، ۱۳۸۳/۸/۲۰.
- (۱۵) تسخیری (آیت الله محمدعلی)، درباره وحدت و تقرب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴/۲/۴.
- (۱۶) تشکری (زهرا)، زن در نگاه روشنفکران، ۱۳۸۲/۵/۲۹.
- (۱۷) توحیدی (علی اصغر)، قرانت امام خمینی از سیاست، ۱۳۸۲/۹/۲۶.
- (۱۸) توفیقی (حسین)، آشنایی با ادیان بزرگ، ۱۳۸۳/۵/۷.
- (۱۹) تهوری (مسلم)، آیت الله بروجردی و اتحاد دنیای اسلام، ۱۳۸۲/۱۰/۱۷.
- (۲۰) جمشیدی (دکتر محمدحسین)، نظریه عدالت، ۱۳۸۲/۷/۲۳.
- (۲۱) جوان آراسته (حسین)، مبانی حکومت اسلامی، ۱۳۸۳/۱۰/۹.
- (۲۲) حاجی یوسفی (دکتر امیرمحمد)، ایران و رژیم صهیونیستی: از همکاری تا منازعه، ۱۳۸۳/۷/۲۲.
- (۲۳) حاضری (دکتر علی محمد)، انقلاب و اندیشه، ۱۳۸۲/۱۰/۱۰.
- (۲۴) حبی (دکتر محمدباقر)، شاخصهای فرهنگ و تفکر بسیجی، ۱۳۸۳/۹/۴.
- (۲۵) حسینی (دکتر حسین)، رهبری و انقلاب، ۱۳۸۲/۳/۱۳.

- ۲۶) حسینی بهشتی (دکتر سیدعلیرضا)، بنیاد نظری سیاست در جوامع چندفرهنگی، ۱۳۸۴/۴/۱۲.
- ۲۷) خالدی (دکتر احمد)، علامه سیدحیدر آملی، ۱۳۸۲/۷/۳۰.
- ۲۸) خالقی (علی)، اندیشه سیاسی فیض کاشانی، ۱۳۸۲/۳/۷.
- ۲۹) خدمتی (ابوطالب)، آقاپیروز (علی)، شفیع (عباس)، مدیریت علوی، ۱۳۸۳/۱۱/۷.
- ۳۰) خراسانی (رضا)، اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام، ۱۳۸۴/۳/۱.
- ۳۱) خطیبی (دکتر عذرا)، مارکسیسم از فراز آغاز تا نشیب انجام، ۱۳۸۴/۲/۱۸.
- ۳۲) دارابکلایی (حجت الاسلام اسماعیل)، نگرشی بر فلسفه سیاسی اسلام، ۱۳۸۱/۱۱/۲.
- ۳۳) دفتر فرهنگستان علوم اسلامی، ضرورت مهندسی تمدن اسلامی بر پایه فلسفه شدن، ۱۳۸۲/۱۲/۲۰.
- ۳۴) دلشادتهرانی (مصطفی)، دولت آفتاب، ۱۳۸۲/۸/۲۸.
- ۳۵) ربانی گلپایگانی (حجت الاسلام علی)، دین و دولت، ۱۳۸۱/۱۲/۷.
- ۳۶) رحیم پور ازغدی (دکتر حسن)، عقلانیت، ۱۳۸۳/۷/۸.
- ۳۷) رستمی (منصور)، فلسفه نهضت امام حسین (ع)، ۱۳۸۳/۱۲/۵.
- ۳۸) رشاد (علی اکبر)، فلسفه دین، ۱۳۸۴/۱/۲۱.
- ۳۹) رهبر (دکتر فرهاد)، میرزاوند (فضل الله)، زال پور (غلامرضا)، بازشناسی عارضه فساد مالی (ماهیت، گونه ها، پیامدها و آموزه های تجربی)، ۱۳۸۲/۱۲/۶.
- ۴۰) رییس کرمی (سیدعلی)، سیدجمال الدین اسدآبادی، ۱۳۸۲/۸/۱۴.
- ۴۱) زویری (دکتر محجوب)، ابومسلم نامه، ۱۳۸۳/۹/۱۱.
- ۴۲) زیباکلام (دکتر صادق)، دانشگاه و انقلاب، ۱۳۸۱/۱۰/۱۱.
- ۴۳) ساعی (دکتر احمد)، مسایل سیاسی اقتصادی جهان سوم، ۱۳۸۲/۱/۲۰.
- ۴۴) سجادی (سیدعبدالقیوم)، میانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، ۱۳۸۳/۸/۱۳.
- ۴۵) سریع القلم (دکتر محمود)، توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل، ۱۳۸۳/۵/۲۱.
- ۴۶) شاکری (سیدرضا)، اندیشه سیاسی شریعتی، ۱۳۸۲/۹/۱۹.
- ۴۷) شرفی (دکتر محمدرضا)، جوان و بحران هویت، ۱۳۸۳/۲/۹.
- ۴۸) شریعتی (روح الله)، اندیشه سیاسی محقق حلی، ۱۳۸۲/۱۱/۲۹.
- ۴۹) شیخاوندی (دکتر داور)، ناسیونالیسم و هویت ایرانی، ۱۳۸۳/۲/۱۶.
- ۵۰) صدوقی (مرادعلی)، تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، ۱۳۸۲/۶/۲۶.
- ۵۱) صفایی حائری (شیخ علی)، روش نقد، ۱۳۸۳/۴/۱۷.
- ۵۲) طباطبایی (دکتر سیدجواد)، دیباچه بی بر نظریه انحطاط ایران، ۱۳۸۱/۹/۲۱.
- ۵۳) عالم (دکتر عبدالرحمن)، بنیادهای علم سیاست، ۱۳۸۱/۱۱/۳۰.
- ۵۴) عربی (دکتر فروغ)، جستارهایی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، ۱۳۸۳/۱۰/۲.
- ۵۵) علیخانی (دکتر علی اکبر)، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، ۱۳۸۳/۶/۱۱.
- ۵۶) عمیدزنجانی (حجت الاسلام عباسعلی)، فقه سیاسی، ج ۸، ۱۳۸۳/۱۱/۱۴.
- ۵۷) عنایت (دکتر حمید)، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ۱۳۸۱/۱۱/۹.
- ۵۸) غفاری (اصلان)، پذیرش اسلام در ایران، ۱۳۸۳/۶/۴.
- ۵۹) غنی نژاد (دکتر موسی)، درباره هایک، ۱۳۸۱/۱۲/۲۱.
- ۶۰) فاطمی (سیدعباس)، شعبان جعفری در آینه اسناد، ۱۳۸۲/۵/۲۲.
- ۶۱) فتحی آشتیانی (دکتر علی)، روانشناسی سیاسی، ۱۳۸۳/۷/۱۵.
- ۶۲) فریدونی (علی)، اندیشه سیاسی اخوان الصفا، ۱۳۸۲/۲/۲۴.
- ۶۳) فکوهی (دکتر ناصر)، تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی، ۱۳۸۴/۲/۱۸.
- ۶۴) فیرحی (دکتر داود)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، ۱۳۸۲/۸/۷.

- ۶۵ قادری (دکتر حاتم)، اندیشه های سیاسی در قرن بیستم، ۱۳۸۱/۱۲/۱۴.
- ۶۶ قراملکی (دکتر احدفرامرزی)، اخلاق حرفه ای، ۱۳۸۲/۷/۱۶.
- ۶۷ قربانزاده (دکتر قربانعلی)، میانی مصلحت عمومی در اندیشه سیاسی امام خمینی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۴.
- ۶۸ قزلسفلی (دکتر محمدتقی)، قرن روشنفکران، ۱۳۸۱/۱۰/۴.
- ۶۹ کاظمی (دکتر سیدعلی اصغر)، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، ۱۳۸۱/۱۰/۲۵.
- ۷۰ لک زایی (حجت الاسلام دکتر نجف)، اندیشه سیاسی محقق سبزواری، ۱۳۸۲/۲/۳۱.
- ۷۱ لک زایی (حجت الاسلام دکتر نجف)، اندیشه سیاسی مطهری، ۱۳۸۲/۲/۱۰.
- ۷۲ منولی (کاظم)، روابط عمومی و تبلیغات، ۱۳۸۲/۸/۲۱.
- ۷۳ مجتهدشبهتری (دکتر محمد)، هرمنوتیک، کتاب و سنت، ۱۳۸۳/۸/۶.
- ۷۴ مجموعه نویسندگان، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.
- ۷۵ محمدی (دکتر منوچهر)، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلابهای فرانسه و روسیه، ۱۳۸۳/۱۱/۲۱.
- ۷۶ محمدی ری شهری (حجت الاسلام محمد)، اخلاق مدیریت در اسلام، ۱۳۸۴/۱/۱۷.
- ۷۷ مشیرزاده (دکتر حمیرا)، درآمدی نظری بر جنبشهای اجتماعی، ۱۳۸۲/۵/۸.
- ۷۸ ملکی (دکتر حسن)، دین و برنامه درسی، ۱۳۸۳/۱/۲۶.
- ۷۹ ملکیان (استاد مصطفی)، راهی به راهی، ۱۳۸۱/۱۲/۲۸.
- ۸۰ مولانا (دکتر حمید)، ظهور و سقوط مدرن، ۱۳۸۲/۱۰/۳.
- ۸۱ مهاجری (محسن)، اندیشه سیاسی مسکویه، ۱۳۸۲/۴/۴.
- ۸۲ میرسندهی (دکتر سیدمحمد)، گفتارهایی در اندیشه اجتماعی امام خمینی (با تأکید بر عدالت و توسعه)، ۱۳۸۴/۳/۸.
- ۸۳ نجفی (دکتر موسی)، فلسفه تجدد در ایران، ۱۳۸۳/۷/۱.
- ۸۴ نصیری (مهدی)، اسلام و تجدد، ۱۳۸۲/۵/۱۵.
- ۸۵ نقیب زاده (دکتر احمد)، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۱۱/۱۵.
- ۸۶ نوذری (دکتر عزت الله)، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ۱۳۸۲/۱۱/۸.
- ۸۷ ورعی (حجت الاسلام سیدجواد)، حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، ۱۳۸۴/۳/۲۲.
- ۸۸ وثوقی (دکتر منصور)، مبانی جامعه شناسی، ۱۳۸۲/۱۲/۲۷.
- ۸۹ وقوفی (حسن)، فرار مغزها، ۱۳۸۲/۲/۳.
- ۹۰ هاشمی (سیدمحمدجواد)، امام خمینی و همگرایی جهان اسلام، ۱۳۸۲/۹/۱۲.
- ۹۱ یوسفی راد (مرتضی)، اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۲/۲/۱۷.
- ۹۲

گفتگوها:

- (۱) گفتگوی روزنامه همشهری با دکتر منصورنژاد (پیرامون رساله دکتری)، تعامل مردم با حاکم (بررسی مقایسه ای اندیشه های سیاسی امام خمینی و امام محمد غزالی)، ۲ و ۳/۴/۱۳۸۳. www.hamshahri.org/hamnews/1383/820402/world/world.htm
- (۲) گفتگو با دکتر منصورنژاد، ویژه نامه بشارت، ضمیمه هفته نامه صبح صادق، ۱۳۸۲/۲/۸.
- (۳) گفتگو در کمیسیون تربیت دینی، مبانی، شاخصها و آسیبها، مجموعه گفتارها و گفتگوها در پیش همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، دفتر همکاری مشترک سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و جهاد دانشگاهی (ساجد): تیرماه ۱۳۸۰.
- (۴) گفتگوی دکتر منصورنژاد و دکتر ابوالفضل شکوری، موانع توسعه یافتگی، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه (روزنامه جوان)، ش ۱۷۱ و ۱۷۲: ۸/۲۹ و ۱۳/۹/۱۳۸۱.

- (۵) گفتگوی دکتر منصورنژاد و دکتر موسی غنی نژاد: دین، توسعه و چالشهای فرارو، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه (روزنامه جوان)، ش ۱۶۹ و ۱۷۰: ۸/۷ و ۱۳۸۱/۸/۲۲.
- (۶) مصاحبه ایسا (خبرگزاری دانشجویان ایران) با دکتر منصورنژاد به مناسبت ایام دهه فجر، سایت اینترنتی ایسا: ۱۳۸۰/۱۱/۱۹.
- (۷) مصاحبه با دکتر منصورنژاد (استاد دانشگاه) به مناسبت ۲۷ آذر، روز وحدت حوزه و دانشگاه، روزنامه قدس، ش ۴۰۲۶: ۱۳۸۰/۹/۲۷.
- (۸) مصاحبه با دکتر منصورنژاد، نشریه گزارش (نیروهای انقلابی و حزب اللهی لاریجان)، پیش شماره دوم: تابستان ۱۳۷۶.
- (۹) مصاحبه حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی با دکتر منصورنژاد پیرامون حجاب، مسایل زنان و... (فیلم و CD مصاحبه موجود است).
- (۱۰) معارفه یی با دکتر منصورنژاد به بهانه انتشار کتاب مساله زن، اسلام و فمینیسم (تنها دین استدلالی پاسخگوی شبهات است)، مجله کتاب هفته (خانه کتاب ایران)، ش ۶۹: ۱۳۸۱/۴/۸.
www.ketabehafteh.com/archive/۶۹/conversation.asp

مناظره ها:

- (۱) مناظره با خانم دکتر جلالی، پیرامون مسایل زنان، در حوزه علمیة خواهران حضرت خدیجه (س)، تهران: ۱۳۸۳/۷/۵ (فیلم مناظره موجود است).
- (۲) مناظره با دکتر کرمی، پیرامون مسایل زنان، در حوزه علمیة خواهران حضرت خدیجه (س)، تهران: ۱۳۸۳/۹/۵ (فیلم مناظره موجود است).

اشعار منتشر شده:

- (۱) ایثار، ماهنامه پیک جانتباز (نشریه خانه جانتباز)، پیش شماره اول، بهمن ماه ۱۳۸۳.
- (۲) پرواز، ویژه نامه پرواز (به مناسبت رحلت حسین بوستانی)، فروردین ماه ۱۳۸۴.
- (۳) در وصف لاریجان، مجله آوای لاریجان (نشریه داخلی بخشداری لاریجان)، ش ۷: تیر و مردادماه ۱۳۸۲.
- (۴) نقد، در کتاب: پیش درآمدی بر چستی نقد، انتشارات جوان پویا: ۱۳۸۴.

داستانهای منتشر شده:

- (۱) اضطراب انتخاب، در کتاب: رعد و برق (مجموعه داستان)، انتشارات جوان پویا: ۱۳۸۴.
- (۲) بالاخره او آمد، در کتاب: مسأله مهدویت از منظر عقلی و عاطفی، انتشارات جوان پویا: ۱۳۸۴.
- (۳) پدرسالاری در شهر خروسها، ماهنامه زنان، ش ۶۱: اسفند ۱۳۷۸. و در آدرس:
www.zanan.co.ir
- (۴) ترس و لرز، در کتاب: رعد و برق.
- (۵) خواستگار نیامد، در کتاب: رعد و برق.
- (۶) خودیابی، در کتاب: رعد و برق.
- (۷) دلهره، در کتاب: رعد و برق.
- (۸) رعد و برق، در کتاب: رعد و برق.
- (۹) گزارشی از شهر کیوتران و شهر خروسان، در کتاب: عشق زمینی، ناشر: محمد منصورنژاد: ۱۳۸۱.
- (۱۰) مشکل گشا، در کتاب: رعد و برق.

داستانهای منتشر نشده:

- (۱) ابهامات خلبان.
- (۲) از کوه خسته شدم!
- (۳) او و دم سیاه.
- (۴) بالاخره او آمد.
- (۵) بی خیال مدیریت.
- (۶) تپش.
- (۷) خرگوشی.
- (۸) داستان تلخیها و شیرینیها.
- (۹) سخنرانی.
- (۱۰) سیر و سیاحتی در غرب.
- (۱۱) عشق گمشده.
- (۱۲) گزارشی از شهر کبوتران و شهر خروسان.
- (۱۳) گوشه بی از زندگی دانشجویی.
- (۱۴) مرتضی.
- (۱۵) نویسنده.
- (۱۶) هنوز هم کتاب خواندن.

مقالات منتشر نشده:

- (۴) آرامش (در دست چاپ در مجله دانش زندگی).
- (۵) آگوستین قدیس.
- (۶) احکام عبادی.
- (۷) اخلاق نظامیگری.
- (۸) اخلاق و عرفان از دیدگاه امام خمینی.
- (۹) اسلام، عدالت اجتماعی و توسعه.
- (۱۰) اقسام ارتباطات دین با دولت و سیاست.
- (۱۱) امنیت ملی و آزادی سیاسی (پذیرفته شده برای چاپ در مجله راهبرد).
- (۱۲) امنیت و بسیج.
- (۱۳) اهداف طرح گفتگوی تمدنها.
- (۱۴) اینترنت در ارتباطات و بر جهانی شدن.
- (۱۵) بانوان و الگوی پوشش.
- (۱۶) بررسی تطبیقی مبانی انسانشناختی امام محمد غزالی و امام خمینی.
- (۱۷) بررسی تطبیقی نظریه های برخورد تمدنها و گفتگوی تمدنها (ارسال به مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها).
- (۱۸) بررسی ریشه های همگرایی بین اهل کتاب با سایر ایرانیان در دفاع مقدس (پذیرفته شده برای چاپ در فصلنامه مطالعات ملی).
- (۱۹) بسیج مستضعفین از مردم یا بر مردم؟
- (۲۰) بسیجی مظهر حماسه و عرفان.
- (۲۱) پشاهنگ نهضت‌های اصلاحی صدساله اخیر: سیدجمال یا میرزا ملکم؟
- (۲۲) تأثیر اعتقاد به خدا بر زندگی فردی و جمعی.
- (۲۳) تأثیرات متقابل توسعه و امنیت.

- (۲۴) تأملی بر دو روایت از یک واقعه: انقلاب فرهنگی.
- (۲۵) تأملی در واژه و مفهوم شاخص.
- (۲۶) تأملی در هویت دینی (مؤسسه مطالعات ملی).
- (۲۷) تأملی کوتاه بر اندیشه ولایت مطلقه فقیه، با تأکید بر دیدگاه امام خمینی.
- (۲۸) تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه.
- (۲۹) تبیین مفهومی اقسام حکم اولی، ثانوی و حکومتی و تفاوت آنها.
- (۳۰) ترابط علم با سیاست و قدرت (پذیرفته شده برای چاپ در مجله نامه فرهنگ).
- (۳۱) تربیت اجتماعی.
- (۳۲) تربیت و ربوبیت (پذیرفته شده برای چاپ در مجله گلستان قرآن).
- (۳۳) جایگاه عدالت اجتماعی در حاکمیت دینی.
- (۳۴) چالشهای فکری نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه اندیشه سیاسی.
- (۳۵) خودشناسی و دشمن شناسی.
- (۳۶) درآمدی بر اصول اندیشه امام خمینی.
- (۳۷) درآمدی بر تربیت اجتماعی.
- (۳۸) درآمدی بر تربیت سیاسی.
- (۳۹) در افراط و تفریط متخصص ایم.
- (۴۰) دستگاه منطقی تنوریهای روابط بین الملل و جایگاه این رشته در میان معارف بشری.
- (۴۱) دین و توسعه از منظر برخی متخصصان دینی (مطهری، مصباح یزدی، مصباحی و حسینی).
- (۴۲) دورنمای جغرافیایی، فرهنگی، نظامی و سیاسی پاکستان.
- (۴۳) دورنمای جغرافیایی، فرهنگی، نظامی و سیاسی چین.
- (۴۴) دورنمای جغرافیایی، فرهنگی، نظامی و سیاسی کره جنوبی.
- (۴۵) راه‌حلهایی فراتر از راه‌حلهای ارایه شده برای مسأله گرانی.
- (۴۶) رژیم شاه و مواد مخدر.
- (۴۷) رمز بقا و نفوذ نهضت حسینی در میان شیعیان.
- (۴۸) زنان و حج: عصر هاجر و مقطع اسلامی (ارسال به مجله میقات حج).
- (۴۹) سنتهای الهی در قرآن.
- (۵۰) سه پرسش از مرگ.
- (۵۱) سه گفتمان مراجعه به قرآن: با تأکید بر قرائت امام خمینی.
- (۵۲) سیری در اندیشه سیاسی آیت الله سیدمحمدباقر صدر (زیر چاپ).
- (۵۳) سیری در اندیشه سیاسی آیت الله عبدالله جوادی آملی (زیر چاپ).
- (۵۴) سیری در اندیشه سیاسی آیت الله محمدتقی مصباح یزدی (زیر چاپ).
- (۵۵) سیری در اندیشه سیاسی آیت الله محمدحسین غروی نایینی (زیر چاپ).
- (۵۶) سیری در اندیشه سیاسی آیت الله روح الله موسوی خمینی (زیر چاپ).
- (۵۷) سیری در اندیشه سیاسی دکتر سیدجواد طباطبایی (زیر چاپ).
- (۵۸) سیری در اندیشه سیاسی دکتر عبدالکریم سروش (زیر چاپ).
- (۵۹) شهیدان زنده اند: یک نکته در شهید و شهادت.
- (۶۰) ضرورت اخلاق در عصر حاضر.
- (۶۱) عقل از نظر گاه فلاسفه اسلامی و تأملاتی در موضوع.
- (۶۲) عقل در دین زرتشت (ارسال به مجله آناهید).
- (۶۳) عقل و ریاضیات.
- (۶۴) فرآیندی راهگشا (بسط مقاله فرآیند مطلوب گذار از نظر به عمل).

- ۶۵ فرهنگ، نظام آموزش عالی و اشتغال فارغ التحصیلان رشته های علوم غیرانسانی.
- ۶۶ فیش برداری.
- ۶۷ کتاب و عثرت از دیدگاه امام خمینی.
- ۶۸ گذری بر زندگانی امام حسین (ع) و حماسه عاشورا.
- ۶۹ گزارش و تحلیل گونه یی بر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۷۰ گفتار در روش: با تأکید بر آسیب شناسی کارکرد الگوهای نظری در علوم انسانی (ارسال به همایش روشهای تحقیق در علوم، فنون و...).
- ۷۱ لیبرالیسم.
- ۷۲ مالکیت در اسلام.
- ۷۳ مبانی دینی مشارکت سیاسی (پذیرفته شده برای چاپ در مجله حکومت اسلامی).
- ۷۴ مبانی نظری دینی درباره جایگاه زن در جامعه.
- ۷۵ مریان از نگاهی دیگر.
- ۷۶ مردم سالاری دینی.
- ۷۷ مسایل سیاسی جهان اسلام.
- ۷۸ معابر آسان ورود به قرآن.
- ۷۹ معرفی شخصیت و اندیشه سیاسی زرتشت.
- ۸۰ مفهوم عقل از نگاه فلاسفه اسلامی - ایرانی و فقدان عقل جدید در اندیشه آنها (پذیرفته شده برای چاپ در مجله نامه فرهنگ).
- ۸۱ مقایسه غایبات در خودکشی و مرگ شهادت طلبانه.
- ۸۲ مهمترین پریشهای نسل جوان پیرامون جنگ چیست؟ و چگونه می توان پاسخ مناسب داد؟
- ۸۳ نخبه گرایی و مسأله فرار مغزها.
- ۸۴ نصوص دینی به عنوان عوامل و موانع توسعه سیاسی.
- ۸۵ نظارت از دیدگاه امام خمینی (ارسال به مجله متین).
- ۸۶ نظارت و ارزشیابی.
- ۸۷ نظام دفاعی اسلام.
- ۸۸ نقش بسیج دانشجویی در وحدت عملی حوزه و دانشگاه.
- ۸۹ نقش فراماسونرها در سلطه فرهنگی ییگانگان در ایران (عهد قاجار).
- ۹۰ نقش فرهنگ سیاسی مسلط در کاربرد حقوق شهروندی (ارسال به مجله فرهنگ عمومی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).
- ۹۱ نگاهی گذرا به بعضی نکات در پژوهش علمی.
- ۹۲ نیروهای مسلح در ایران.
- ۹۳ ولایت در قرآن.
- ۹۴ هدایت در قرآن (پذیرفته شده برای چاپ در دو هفته نامه گلستان قرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).
- ۹۵ هویت دینی در نهضتهای دو سده اخیر (مؤسسه مطالعات ملی).
- ۹۶ The Aims of the Plan of the Dialogue between Civilizations
- ۹۷ The Process Of Desired Passing From View To Action
- ۹۸

برخی از سایتهای مهدویت

www.Almawood.net
www.HazratMahdi.com
www.Baqiyatullah.com
www.ImamAlmahdi.com
www.Majaalis.com
www.Baqiatollah.org
www.Al-Mahdi.org
www.ImamMahdi.com
www.YaMahdi.com (English)
www.ImamMahdi-s.com
www.Zohoor.com
www.۱۴Masom.com
www.Jamkaran.info
www.Alqaem.net
www.Mahdieh.org
www.almahdi۴u.com
http://abasaleh.ofogh.net
www.zohoor.net
www.HazrateSaheb.com
www.KhorshideMakkeh.com
www.Montazar.net

www.EjlasMahdi.com
www.Monjee.org
www.HazratMahdi.com
www.Mouood.com
www.Mouood.org
www.Mouood.net
www.ImamMehdi.org
www.Almontadhar.com
www.ZohoorTV.com
www.Ya-Mahdi.info
www.Yoosof.com
www.Zohour.ir
www.Emammahdi

۱۳۸۱/۰۶/۲



تاریخچه

■ اندیشه های مهدوی (۱۴)
رسول مکرم اسلام طی ۲۳ سال تلاش و مجاهدت و تحمل زحمات و مشقتها فراوان، سعادت دنیا و آخرت و رسیدن به قله های بزرگ پیروزی در میدان دنیا و آخرت را به جوان بشریت هدیه کرد و مسلمانان عالم در قبال این خدمت بزرگ رسول مکرم اسلام، طبق مقتضای عقل و وجدان شکر منزه، باید شکر این نعمت را اداء کنند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ لَا أُسْئَلُكُمْ أَجْرًا إِلَّا الْوَدْعَةَ فِي الْقُرْبَى» که «حق القربی» در عصر ما امام زمان، حضرت حجة بن الحسن العسكري علیه السلام است...

■ اندیشه های بنیادین مهدوی (۱۳)
رفتار امام زمان علیه السلام در صدر امامت و رهبری و ریاست جامعه اسلامی، بخشنامه و قانون بدون الهی برای حاکمان و مسئولان و متصدیان امر است. مردم گریبی، ساده زیستی، زهد و برخورد اجتماعی امام زمان علیه السلام الگوی همه است. سفره ای که در خانه امام زمان علیه السلام پهن می شود، ساده ترین سفره است، از راهی می روند که مردم از آن راه عبور و مرور می کنند، مرکبشان مانند مرکب مردم است، دربان و نگهبان نخواهد داشت...

■ اندیشه های بنیادین مهدوی (۱۲)
اتحاد یک جامعه، بل ترقی و شریان اصلی حیات آن جامعه است. اصلاحات و مباحث اقتصادی حکومت مهدوی بر مبنای تقوا محوری، فقر را از جامعه برخواهد چید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: در آن زمان (ظهور) است من چنان از نعمت برخوردار می شوم که هرگز اعتیاد آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشم. هر کس نزد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آید و گوید به من مالی ده، مهدی (علیه السلام) بی درنگ بفرماید: بگیر...

■ اندیشه های بنیادین مهدوی (۱۱)
جامعه خانواده ای است که پرورش دهنده افراد است. اثرات متقابل فرد بر اجتماع و اجتماع بر فرد بر می تابد که برای پرورش انسانهای ارزشمند باید جامعه ارزشمند ساخت. جامعه مهدوی که سازنده سربازان دلاور مهدوی است باید دارای چند شاخصه مهم باشد: ۱) شکوفایی اندیشه ها ۲) شکوفایی اخلاق ۳) گسترش علوم و حکمت در بین مردم ۴) احیاء سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ۵) اجرای قسط و عدل در جامعه.

■ نقش انقلابی امام زمان (ع) در پیروزی انقلاب اسلامی
یکی از مسائل مهم و حیاتی که در معادلات سیاسی سیاستمداران ایران و جهان به آن خیلی توجه نمی شود در حالی که مهم ترین مؤلفه پیروزی انقلاب به شمار می آید، نقش ولایت و امام زمان علیه السلام در پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. پیروزی پیروزی روحانی با دست خالی و فقط متکی بر مردم انجمن مردمی مستضعف و پابرنه بر استعمار پر شرب و شراب، خود موهب این نکته است که در پشت صحنه انقلاب، نیروی الهی قوی وجود دارد که از همان زمان شروع تاکنون آن را هدایت کرده و می کند.

■ تقویت پیوند عاطفی
ایمان یعنی اعتقاد و گرایش ایمان یعنی مطلوب شدن به یک فکر و پذیرش یک فکری که کسی به حضرت ایمان دارد که پس از کسب موفقیت از راه دل یا مولا و مقتدای خود نمی بگیرد و پیوند عاطفی برقرار سازد. پیامی که به شکل گوناگون از رسول گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله و آله معصومین علیهم السلام در مورد وظایف شهیدان در قبال حضرت آمده به شرح ذیل تقدیم می گردد...

چشمور

بیاورد

از روزهای گذشته
انتخاب مهدویت

انجمنی حجتیه و
انحزافان آن (۱)

وحدت ضرورت جامعه
ما

اندیشه های بنیادین
مهدوی (۱۰)

مسئله ساختن
استعمار

پاسخ به استیلا

اندیشه های مهدوی
(۹)

اندیشه های مهدوی
(۸)

اندیشه های مهدوی
(۷)

شمیم غدیر

از ظهور غدیر تا غدیر
ظهور

اندیشه های بنیادین
مهدوی (۶)

پاسخ به شبهات در
باب مهدویت

اندیشه های بنیادین
مهدوی (۵)

سیمای پاران مهدوی
در قرآن (۱)

اندیشه های بنیادین
مهدوی (۴)

پایگاه تخصصی منابع و اسناد مهدوی

مرکز مطالعات مهدوی
روشن و پوی

میزگرد
مهیبه

انجمن مهدویت
محرکات و بیننده‌ها

تخصصی مهدویت
مقاله های کوتاه

انتشارات مهدی
پودمان

سمن نورگان
مستند

مستند اسطر
روی اسطر

جستجو کن

اصلاح نامه
 پیدا آورنده

عنوان کتاب یا مجموعه
 عنوان مقاله مجموعه

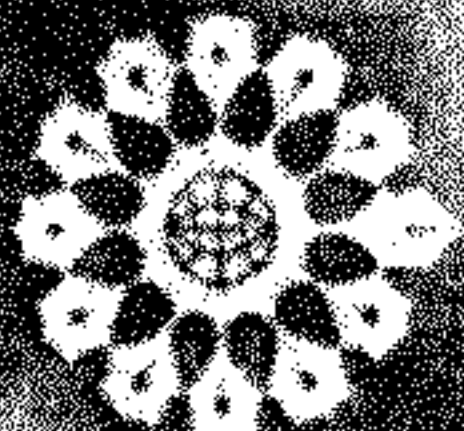
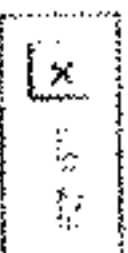
عنوان مقاله نشریه
 کلمه واژه چکیده

نشر
 محل نشر

متن چکیده
 عنوان پایان نامه

مرجع جامع مهدویت

<p>معارف مهدوی</p> <p>اخلاق</p> <p>انبیات</p> <p>جامع شناسی</p> <p>حدیث</p> <p>عرفان و تصوف</p> <p>فرقه شناسی</p> <p>فقه و اصول</p> <p>قرآن و علوم قرآنی</p> <p>تاریخ و حضرات</p> <p>اقتصاد و بازار گیتی</p> <p>کتاب کورنگان</p>	<p>اسم مهدی (صحیح)</p> <p>آثار وجودی</p> <p>آخر ازمان</p> <p>اثبات</p> <p>اصحاب و یاران</p> <p>انتظار</p> <p>بزرگ داشت‌ها</p> <p>توقیفات</p> <p>طول عصر</p> <p>ظهور</p> <p>عبودیت</p>
--	---



سه شنبه ۷ تیر ۱۳۸۴ - ۲۰ جمادی الاول ۱۴۲۶ - ۲۸ جون ۲۰۰۵

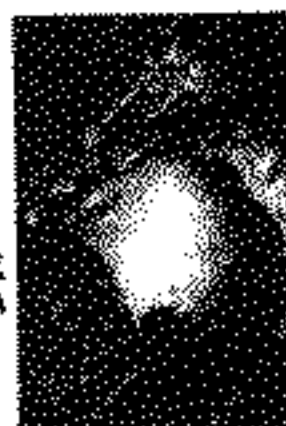
صفحه اصلی



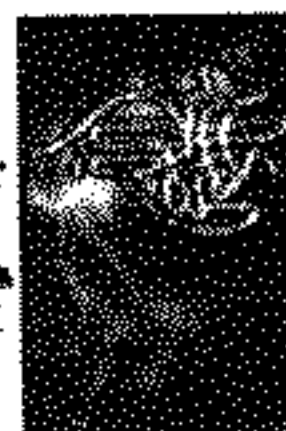
سرگرمی



نشانه های ظهور



کلام نور

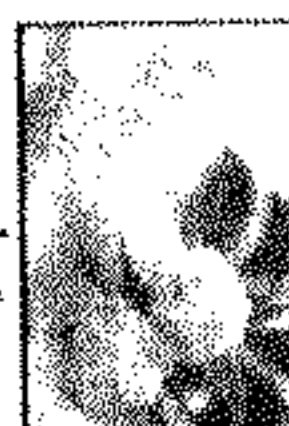


رنگی نامه

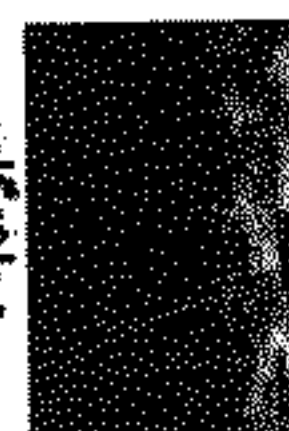
<p>آغار سایت</p> <p>اخبار سایت : ۱ نفر</p> <p>بازدید از این صفحه:</p> <p><input type="checkbox"/> Hit Counter</p>



مطالب آموزشی



نماز و دعا



ره باوفیگان

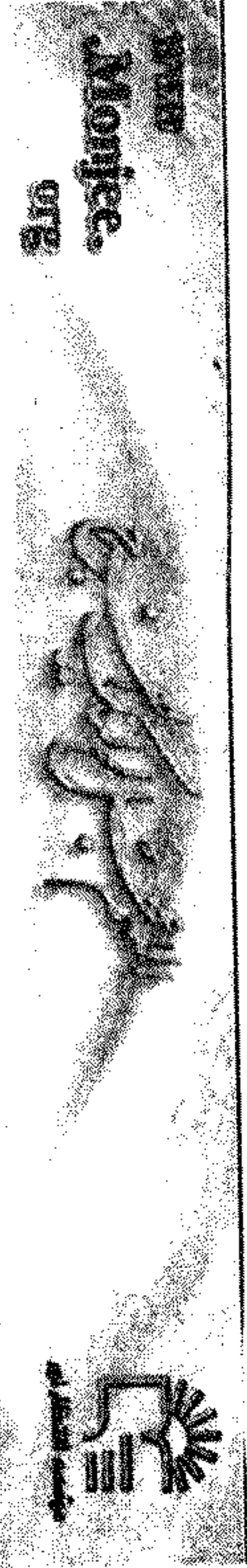
Wallpaper ::



در صورت تعامل کد زیر را جهت ایجاد ارتباط در سایت یا وبلاگ خود کمی کنید . باتشکر

تازه ها ::

- انتظار فرج و علت عقب افتادگی
- یکی از موضوعاتی که دستاویز دشمنان شده و بدان وسیله بر آنها تاخته اند . موضوع انتظار فرج و ایمان به مهدی موجود است...
 - آموزش کلمات کلیدی گوگل برای جستجو
 - همان طور که می دانید برای بازمی مطلب مورد نظر خود در اینترنت 2 چیز اهمیت دارد . یکی گوگل 1 و دیگری استنادی با نگان جستجو و مهارت کار با آن است
 - آغاز عقیده به حضرت مهدی علیه السلام
 - عقیده به مهدی علیه السلام از چه زمانی داخل مذهب اسلامی شد؟
 - تکلیف اول
 - از عصر برین و واجب ترس نکالیف مردم نیست به امام زمان - عدل الله تعالی فرجه الشریف - تحصیل معرفت و شناخت به آن حضرت است که آراه ی عقیده و نظریه بر آن دلالت دارند



از کتابها | تاریخچه | دوره های عصر | تاریخچه | تاریخهای دیگر | از کتابها

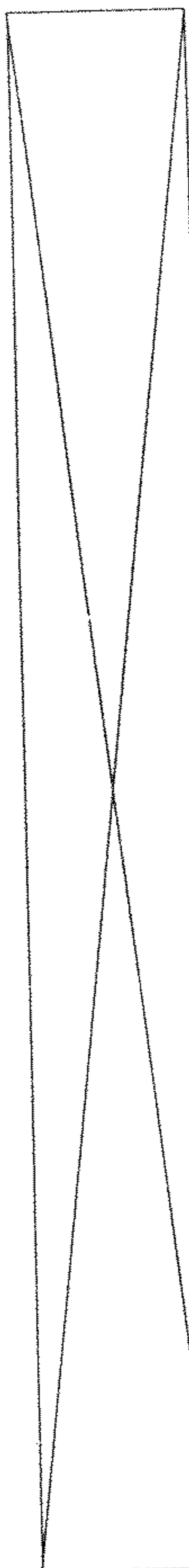
به تمام خدا

انجمنی اجتماعی با پایگاه ها و مراکز فعال مهدویت سراسری بر روی شبکه جهانی "اینترنت"

علاقه مندان، محققین و پژوهشگرانی که مبحث مهدویت بر ایشان چنانچه ویژه این دوره به دنبال آن هستند تا در جری برای عمل بخشیدن به این اصطلاح از راهی دست لال نباشند و پیش از پیش آمدن و انتظار به معنای جهانی و رهنوی، همین را در خویش تقویت نمایند.

به طور اجمال به هر پایگاه اسلامی بر روی شبکه جهانی هر آنچه گفته در حد امکان بخشی را به اهل بیت (ع) اختصاص داده است و مخصوص اهل بیت (ع) را از دیگران قرآن، و عقل و اندیشمندان اسلامی گرفته می کند، اما برخی از پایگاه ها به طور کلی توجه به تعریف اهل بیت و تغییر و تحولی نموده است.
در این راستا برخی پایگاه هایی که بنا رویکردی کلی نسبت به مسائل مهدویت بوده اند را به حضور عزیزان مهدی پاره معرفی می نمایم. ابتدا از پایگاه هایی که در خصوص اسلام مهدی (ص) و مهدویت به طور خاص فعالیت دارد سخن می گوئیم و به دنبال آن از مراکز و پایگاه هایی که در زمینه عمومی تر مانند مسیح گرایی، هزاره گرایی، یانده گرایی و منجی گرایی سخن می گفتیم سخن خواهیم گفت.

ادامه



بناهندگان نشریه موعود

با توجه به درخواست دوستان عزیز نسبت به تهیه مقالات و محصولات موعود لیست بناهندگان طای نشریه موعود در نقاط مختلف کشور را در اختیار عزیزان موعودی قرار می دهیم.

بناهندگان نشریه موعود

مطالب این شماره:

- فریسان اشعراک
- تاریخ نبود با تاکید بر ایت و روایان
- عیبت، ظهور و رحمت
- اسبب شناسی باور به ظهور منجی
- نظام و حکم
- منابع وجودی امام عصر (ع) در عصر عیبت
- مشابهت‌های امام عصر (ع) به پیامبران الهی (ع)
- شرح میزان طهارت
- جهان در بحران
- عصمت کتاب مقدس
- آموزه‌های اخلاقی، رفتاری امامان شیعه (ع)
- هویت ذکر و تشریف خدمت امام زمان(ع)
- ویژگی‌ها به رنگ انتظار
- از میان خبرها
- امام خمینی و انقلاب اسلامی از منظر اندیشمندان جهان
- برسش شما، پاسخ موعود

این شماره از مجله موعود در روزنامه فروشها موجود می باشد.

فهرست

- صفحه اول
- لوگوهای سایت
- مقالات
- موجودات
- معرفی کتاب
- نسخه موبایل (AventGo)
- نظر سنجی
- پیشنهاد سایت
- پرسش و پاسخ
- آمار سایت
- آرشو مجله
- آرشو نوشته‌ها
- ارسال مطالب
- برزخهای سایت
- تماس با ما ...
- جستجو
- دریافت فایل
- درباره ما ..
- صفحه شخصی

مطالب گذشته

Monday, June 13



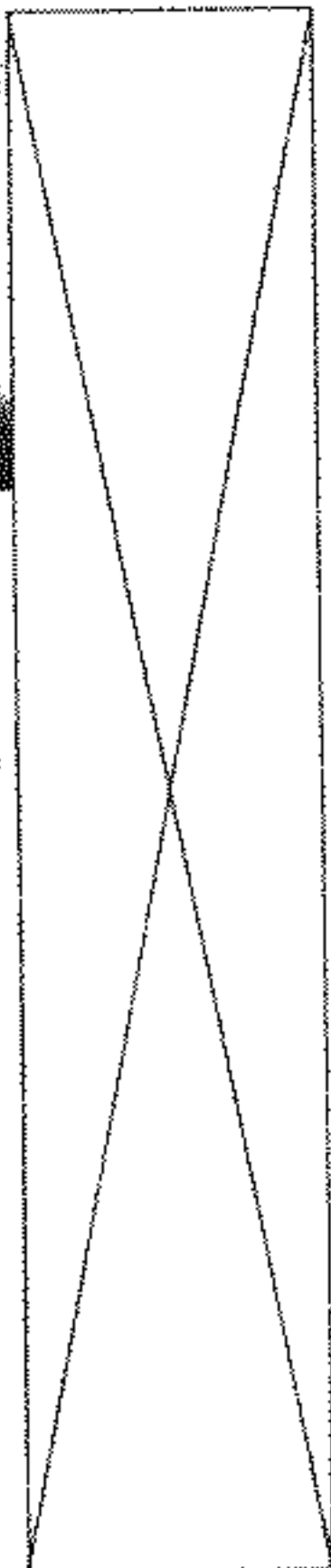
- سرفصل مقالات
- امام مهدی (ص)
- عیبت
- ظهور و نشانه‌ها
- اجرا زمان
- پیشگویی‌ها
- عرب و منجی گزاشی
- شعر و داستان
- امامت و ائمه (ع)
- اخلاق و تربیت
- سینه‌ها، رسانه‌ها و مهدویت
- رنگب عیبت‌ها
- ایران و مذاهب و مهدویت
- جامعه مهدوی، جامعه مظلوم
- کشتی‌ها
- سخن سردرود
- عدالت
- مطالب فرهنگی و اجتماعی
- جهان پس از ظهور
- رحمت
- انتظار
- تدبیر جم



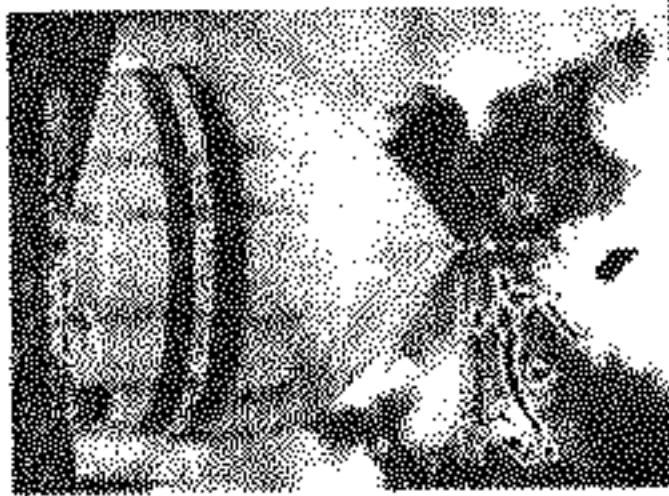
مناظره موعود شماره 53 منتشر شد!



سخنانه اشرف | مجله مهر | آذرماه ۱۳۸۶ | شماره ۳۰ | تهران: نشر نی



[۲]



درباره صحیفات جلاله

- سخن ما / اینها جواب نیستند، ما جواب هستیم
- بشوئید باهنگام / بشوئید کیلاص، کلام به محضر حضرت ولی عصر، علیهم السلام
- حالات منتظران / علامه‌ی مجلسی، رحمه الله علیه بان الائمة علیه السلام

نویسنده: دکتر کاظم مجله شماره ۳۰ آذرماه ۱۳۸۶

کتاب: مفاتیح علمیه، جلد ۱، فصل ۱، باب ۱، صفحه ۱۰۰

© All Rights Reserved 2004 by www.azadnet.org

بسیجین

بلك همه دنګن بهر دورمقای ریاسته چه رئیس جمهوری چه کلمنت (جون عربون) اسمی از صبیحونیمه رساله‌های عصر عهد رساله‌های سید و ک رساله‌های سید و ک رساله‌های سید و ک کلمنت‌های ریاسته کلمنت‌های "جندی"

پروینتال‌ها

- جمله شماره ۲۹
- آرسو جلاله
- سوال شما پاسخ
- جمله صوری
- سرفا باهنگام
- آرسو عربون
- تصویر دستخط ما
- تاریخچه ریاسته
- تصویر سگهای که

بسیجین‌ها

اینها جواب نیستند، ما جواب هستیم

بسیجین‌ها

ارسال سوال
آرسو سؤالات "جندی"

[۳]

سوال شما: "بچه" اگر کسی بگوید فقهی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الیه) در سترگ ما در استقامت و رای ما راهم هستیم تا به "پاسخ ما: چون سترگ در استقامت ما به امر ولی فقیه است و ولی فقیه پیام‌رسان جامعه اسلامی ... الله سوال شما: "جندی" همیشه از نامهای باربران به بسیاری علایق هند سترگ که همین علایق



Mahdaviyat Virtual Center

مرکز مجازی مهدویت

http://zohoor.ir/ib.ir

www.zohoor.ir

Name: Password:

مرکز مجازی مهدویت



برای آشنایی با مرکز کلیک کنید
برای ثبت نام در مرکز مجازی مهدویت و آموزش مهدویت کلیک کنید

بعضی دل

برای دیدن نمونه آثار استاد اسکندری کلیک کنید



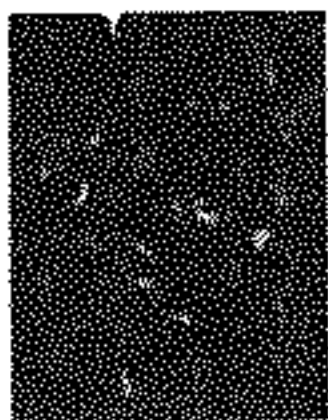
آثار همی خود را به آدرس
art@zohoorTV.com ارسال کنید

بسیار متشکریم به سبوی ظهور



- * آئیننامه های ستاد سبوی (سه نسخه 7 تیر 1384)
- * شما و به سبوی ظهور برنامه 44 (جمعه 3 تیر 1384)
- * جلایه برنامه جهل و جهل " به سبوی ظهور " (جمعه 3 تیر 1384)
- * عصر طلایی (جمعه 2 تیر 1384)
- * سنگ، هدیه دانش آموزان جهل به صورت مستقیم ها (جمعه 2 تیر 1384)
- * شما و به سبوی ظهور برنامه 43 (جمعه 2 تیر 1384)
- * جلایه برنامه جهل و سوس " به سبوی ظهور " (جمعه 2 تیر 1384)
- * جهل در آستانه جنگ، جهلی سوس (چهارشنبه 1 تیر 1384)
- * آزاده معنوی به حق (دوشنبه 30 خرداد 1384)
- * دشمنی با اسلام برای حفظ هویت ملی (جمعه 27 خرداد 1384)
- * میرگرد " به سبوی ظهور " با استاد محمود علی نور (جمعه 27 خرداد 1384)
- * مصاحبه با داریوش ارجمند (بزرگی) (چهارشنبه 25 خرداد 1384)

سه نسخه 7 تیر 1384
یک کتاب...



من کامل کتاب را خواندم:
بزرگی جنگ بزرگی
نوشته گریس هال سسل

یک کتاب...

برنده های جوایز و

- نصرتی
- برنامه 16
- برنامه 17
- برنامه 18
- برنامه 19
- برنامه 20
- برنامه 21
- برنامه 22
- برنامه 23
- برنامه 24
- برنامه 25
- برنامه 26
- برنامه 27
- برنامه 28

دعای عهد

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس با این عهد، چهل روز به درگاه خداوند دعا کند از یاران قائم ما خواهد بود، و اگر هم پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند (در وقت ظهور) او را از قبرش خارج خواهد ساخت. خداوند به ازای هر کلمه، هزار حسنه به او عطا می کند و هزار گناه را (از کارنامه اعمالش) محو می کند؛ آن عهد چنین است:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ

خدایا ای پروردگار روشنی بزرگ ای پروردگار جایگاه بلندمرتبه ای پروردگار دریای

الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظُّلِّ

بی پایان ای فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور و ای پروردگار سایه

وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ،

و آفتابا و ای فرو فرستنده قرآن بزرگ و ای پروردگار فرشتگان مقربا

وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ

و ای پروردگار پیامبران و رسولان بار خدایا من از تو درخواست می کنم به ذات کریمت، و به روشنی

وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

ذات روشنی‌بخش، و فرمانروایی بی‌آغازت؛ ای زنده‌ای پایدارا درخواست می‌کنم به واسطه نامت،

الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ

همان نامی که آسمان‌ها و زمین‌ها به سبب آن روشن گردید؛ همان نامی که

بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ

پیشینان و آیندگان با آن شایسته می‌شوند. ای زنده پیش از هر زنده‌ای و ای زنده پس از هر

حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ،

زنده‌ای و ای زنده‌ای که زنده بودی در حالی که هیچ زنده نبودا ای زنده‌کننده مردگان! ای میراننده زندگان!

يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ

ای زنده‌ای که جز تو معبودی نیستا بار خدایا! به مولای ما، یعنی پیشوای هدایتگر هدایت شده‌ای

الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ

که به دستور تو قیام می‌کند - که درود خدا بر او و بر تمام نیاکان پاکیزه‌اش باد - سلام برسان؛ سلام و درودی از

جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا،

طرف همه مؤمنان زن و مرد که در شرق و غرب زمین

سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ، مِنْ

بیابان و کوهسار، دریا و یا خشکی زمین هستند. سلامی از من و پدر و مادرم.

الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ،

سلام‌ها و درودهایی که هم‌سنگ عرش الهی و به قدر گستردگی کلمات او باشد. آن قدر که علم خدا آن را شماره کند،

وَأَخَاطُ بِهِ كِتَابُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا،

و کتاب الهی به آن احاطه دارد. بار خدایا! من در این صبحدم و در ابتدای این روز نو،

وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَكَ فِي عُنْتِي، لَا

و تمامی ایام زندگانیم، بیعت و پیمان و قراردادی را با آن عزیز می‌بندم که

أَحُولُ عَنْهَا، وَلَا أَزُولُ أَبَدًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ،

هیچگاه و به هیچ وجه از آن برنخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی‌برم. خداوندا! مرا از یاران و کمک‌رسانان

وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ

و حمایت‌کنندگان و مدافعان آن بزرگوار قرار ده؛ جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته‌های او به سوی می‌شتابند؛ جزو

لِأَوْامِرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ

دسته‌ای که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می‌دهند؛ جزو حمایت‌کنندگان از او و پیشی‌گیرندگان برای انجام امور دلخواه او

بَيْنَ يَدَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى

و شهادت‌طلبان در پیش‌روی او قرار ده. بار خدایا! از تو می‌خواهم که اگر مرگ - که آن را یک امر حتمی و قطعی برای

عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتَرًّا كَفَنِي، شَاهِرًا

بندگان قرار داده‌ای - بین من و آن عزیز حایل شد، مرا از قبرم در حالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته‌ام؛ شمشیرم را برهنه کرده‌ام

سَيْفِي، مُجَرَّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي، فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.

نیزه‌ام را آماده کرده‌ام و فراخوانی شخصی را که دعوت‌کننده به سوی اوست لبتیک گفته و پاسخ مثبت می‌دهم؛ فراخوانی همان کسی که

اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحُلْ نَاطِرِي

در شهرها و صحراها ندا می‌دهد. بار خدایا! آن رخسار زیبای جذاب، و روی نورانی دوست‌داشتنی را به من نشان بده؛ و سرمه دیده‌ام

بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مِنْهَجَهُ،

را نگاهی بر آن عزیز قرار ده. و در گشایش آموزش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دستیابی به مقاصدش

وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَأَشْدُدْ أَرْزَهُ. وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ

گسترش ده، و مرا نیز راه‌پیمای راه روشن او گردان، و دستوراتش را نافذ کن، و پشتش را محکم کن. خدایا! با حضور او

بِلَادِكَ، وَأَخِي بِهِ عِبَادِكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ

سرزمین‌ها و شهرهایت را آباد گردان، و بندگان را زنده گردان؛ زیرا، تو فرموده‌ای - به خوبی نیز می‌دانم که گفته‌های تو حق است - که - پیش از

فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ ﴿۱﴾، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا

آن که آن بزرگوار ظهور فرماید - فساد در خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است؛ پس، ای خدا،

وَلِيَّكَ، وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ

ولن و نماینده خودت را که پسر دختر پیامبرت می‌باشد و هم‌نام فرستاده تو - محمد ﷺ - است؛ برای ما آشکار کن تا

بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ، وَيُحِقِّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ. وَاجْعَلْهُ

هر باطل و نادرستی را نابود کند و بر آن پیروز گردد، و حق را پایدار و محقق فرماید.

اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا

بار خدایا! او را پناه ستمدیدگان از بندگانت، و یار و یاور کسانی قرار ده که جز تو یآوری برای خود نمی‌یابند.

غَيْرِكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ

و خدایا! او را تجدیدکننده آن دستورات کتابت (قرآن) قرار ده که تعطیل شده است؛ و محکم‌کننده

مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ

نشانه‌های اشکار دینت، و روش‌های نیکوی پیامبرت - که درود بر او و آل او باد - قرار ده.

اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ. اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا

خدای من! او را جزو کسانی قرار ده که از بدی و عذاب تجاوزکاران در امان می‌داری. خدایا! پیامبرت حضرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ

که درود بر او و آل او باد - را با دیدن این فرزند شایسته‌اش و کسانی که از دعوت او پیروی نموده‌اند، شاد و خوشحال فرما؛ و به

اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ،

بیچارگی ما که با غیبت او به وجود آمده است، رحم کن. خدایا! این اندوه و افسردگی را با حضور آن عزیز پنهان شده، از این امت برطرف کن؛

وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا، وَنَرِيهِ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا

و در ظهور و اشکار شدن او شتاب کن؛ چرا که آنها (دشمنان تو) زمان ظهور او را دیروقت می‌پندارند، ولی ما آن را نزدیک می‌دانیم؛ البته، به امید رحمت

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و مهربانی تو؛ ای مهربان‌ترین مهربانان!

آن گاه سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی:

الْعَجَلِ، الْعَجَلِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ۱.

بشتاب؛ بشتاب؛ ای مولای من! ای صاحب اختیار زمان.

۱. مفاتیح الجنان: ۱۰۶۱، زاد العماد: ۴۸۸، البلد الأمين: ۱۲۴، مصباح الزائر: ۲۵۵، المصباح: ۷۲۹، الصحيفة الصادقية:

معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فدا

معنای بیعت، تعهد بیعت کننده، و پیمان محکم اوست به این که با جان و مال خود، کسی را که با او بیعت کرده است یاری کند، و هر چه از دستش برمی آید نسبت به او کوتاهی نکند، و هر یاری که می تواند نسبت به او انجام دهد، و خود و مال خودش را فدای او کند. و بیعت به این معنی در دعای عهد که دستور خواندنش در هر روز روایت، و در دعای عهدی که خواندن آن به مدت چهل صبح وارد شده، مطرح شده است.

و پیامبر اکرم ﷺ در خطبه غدیر که در کتاب «الإحتجاج» روایت شده است همه مردم را چه حاضر در آن مکان و چه آنان که در آنجا نبودند فرا خوانده است.

بدون شک، بیعت به این معنا، از لوازم و نشانه های ایمان است؛ بلکه ایمان بدون آن محقق نمی شود.

بیعت کننده (و فروشنده)، مؤمن است؛ و مشتری (خریدار) نیز خداوند عزوجل است. لذا، در قرآن فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ...﴾^۱

همانا خداوند از مؤمنان جانها و مالهایشان را خریده است؛ و در عوض آن، بهشت را به آنان ارزانی می دارد.

خداوند، پیامبران و انبیا را فرستاد تا این بیعت را تجدید نمایند، و بر آن تأکید ورزند؛ بنابراین، هر کس با آن پیامبران بیعت کند، با خداوند بیعت نموده است؛ و هر کس از آنان رو بگرداند از خدا رو گردانده است. لذا، خداوند فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۲

۱. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۲. سوره فتح، آیه ۱۰.

دعا برای ظهور آن بزرگوار

پس از نماز ظهر در هر روز

در کتاب «فلاح السائل» آمده است: از اذکار مهم در تعقیب نماز ظهر، اقتدا کردن به امام صادق علیه السلام در دعا کردن برای حضرت مهدی صلوات الله علیه است. امامی که رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله در روایات صحیح به امتش بشارت او را داده است و به امتش وعده داده که آن حضرت در آخر الزمان ظهور می کند.

چنان که محمد بن رهبان دیلی این مطلب را این گونه روایت کرده است: ابو علی محمد بن حسن بن محمد بن جمهور قمی به ما گفت: پدرم از پدرش محمد بن جمهور و او از احمد بن حسین سکری و او از عبّاد بن محمد مدائنی نقل کرد که او به ما گفت: در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم هنگامی که از نماز ظهر فارغ شده بود، او دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده بود و می گفت:

أَيُّ سَامِعٍ كُلِّ صَوْتٍ، أَيُّ جَامِعٍ، أَيُّ بَارِيٍّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ،

ای شنونده هر صدا! ای گردآورنده! ای آفریننده هر جان و روان بعد از مرگ!

أَيُّ بَاعِثٍ، أَيُّ وَارِثٍ، أَيُّ سَيِّدِ السَّادَةِ، أَيُّ إِلَهِ الْإِلَهِةِ، أَيُّ

ای برانگیزاننده! ای وارث! ای آقا و سرور آقایان! ای معبود معبودها!

جَبَّارِ الْجَبَابِرَةِ، أَيُّ مَلِكِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَيُّ رَبِّ الْأَرْبَابِ، أَيُّ

ای جبار جباران! ای پادشاه دنیا و آخرت! ای پروردگار پروردگاران! ای

مَلِكِ الْمُلُوكِ، أَيُّ بَطَّاشٍ، أَيُّ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، أَيُّ فَعَالٍ لِمَا

پادشاه پادشاهان! ای سختگیر! ای کسی که دارای سختگیری و انتقام سخت هستی! ای کسی که هر کاری را بخوای

يُرِيدُ، أَيُّ مُحْصِي عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ، أَيُّ مَنْ السَّرُّ

انجام می‌دهی! ای شمارشگر تعداد نفس‌ها و حرکت و جابجایی قدم‌ها! ای کسی که پنهان در

عِنْدَهُ عِلْمٌ، أَيُّ مُبْدِيٍّ، أَيُّ مُعِيدٍ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى خَيْرَتِكَ

نزد او آشکار است! ای آغازگر آفرینش! ای بازگرداننده! از تو می‌خواهم به حق خودت بر بندگان برگزیده‌ات

مِنْ خَلْقِكَ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ

از میان آفریدگانت، و به حقی که برای ایشان بر خودت لازم کردی؛ که

عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفِكَارِ رَقَبَتِي

بر محمد و اهل بیتش درود بفرستی، و در همین ساعت بر من منت گذاشته و گردنم را

مِنَ النَّارِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ،

از آتش، خلاص کنی؛ و برای ولی خودت و فرزند پیامبر خودت که خواننده به سوی تو به اجازه تو

وَأَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ، وَعَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ،

و امانت‌داریت در میان خلق تو و چشم تو در میان بندگان تو، و حجت تو بر آفریدگان تو است

عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ وَعِدَّةُ. اللَّهُمَّ أَيَّدْهُ بِنَصْرِكَ، وَأَنْصُرْ

که درودها و برکات تو بر او باد - وعده‌ات را انجام بده، خداوندا! با یاری خودت او را تأیید کن، و

عَبْدَكَ، وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ، وَافْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

بنده‌ات را یاری نما، و اصحابش را قوت بخش و آنان را شکیبایی عنایت کن؛ و برای ایشان از نزد خودت چیرگی یاری‌کننده بگشای؛

نَصِيرًا، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَمْكِنَهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ

در راحتی و فرجش تمجیل کن، و او را بر دشمنانت و دشمنان رسولت مکن و قدرت ببخش،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهربان‌ترین مهربانان!

دعای معرفت در زمان غیبت

سید بزرگوار، جناب علی بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب «جمال الأسبوع» می فرماید: دعای دیگری است که حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه با خواندن آن، دعا می شود. اگر در مورد تمامی دعاها و دیگری که در تعقیب نماز عصر روز جمعه عذری دارید، از ترک این دعا پرهیزید.

زیرا ما از فضل و لطف خدا آگاهی پیدا کردیم به این نکته که این فضلش مختص ماست. پس بدان، اعتماد کن و مداومت نما.

این دعای شریف به دو طریق از «محمد بن همام» روایت شده است که او گفته است: شیخ ابو عمرو و عمری رحمته الله علیه این دعا را به او املا نموده و دستور به خواندن آن داده است؛ این، دعایی برای زمان غیبت قائم آل پیامبر صلی الله علیه و آله است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ،

بارخدا! خود را به من بشناسان؛ زیرا اگر خود را به من نشناسی تو و

وَلَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

پیامبرت را نمی شناسم. خدایا! پیامبرت را به من معرفی فرما؛ زیرا اگر پیامبرت را به من نشناسی،

رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ

حجت تو را نخواهم شناخت. خداوندا! حجت را بر من بشناسان؛ زیرا اگر

تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ،

حجّت را به من نشانانی، از دینم گمراه می‌گردم. خدایا! مرا به مرگ جاهلیت نسیان

وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي. اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ

و پس از آن که هدایت نمودی گمراهی را بر قلب من مسلط ساز. ای خدا! همان گونه که مرا به ولایت و

فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وِلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

دوستی آن کس که طاعتش را بر من واجب نمودی - یعنی: والیان امر پس از رسول گرامیت - درود تو بر او

وَأَلِهِ، حَتَّى وَالَيْتُ وِلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ،

و آل او باد - رهنمون شدم، تا صاحبان حقیقی خلافت و والیان امرت یعنی: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب،

وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا

حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی،

وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُكَ

محمد، علی، حسن و حجت قائم حضرت مهدی منتظر - که درودهای تو

عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ،

بر همه آنان باد - را دوست بدارم. ای خدا! مرا بر دین خودت ثابت بدار، و مرا بر طاعت خویش بکار گیر،

وَلَيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَثَبِّتْنِي

و قلبم را برای صاحب امرت مطیع و نرم کن، و مرا در عرصه‌های امتحان‌هایی که از بندگانت به عمل می‌آوری عافیت ببخش، و در

عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، فَبِإِذْنِكَ غَابَ

فرمان‌برداری از صاحب فرمانت استوارم ساز؛ همان کسی که از بندگانت پنهانش گرداندی؛ پس با اجازه تو

عَنْ بَرِيَّتِكَ، وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ

از میان خلق پنهان شد، و منتظر فرمان توست؛ در حالی که تو آگاهی - بدون اینکه کسی تو را آگاه کند - به زمانی

الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَلِيكَ، فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ

که در آن، کار ولایت را اصلاح فرمایی، و آن وقت به او اجازه فرمایی که امرش را آشکار نماید و از اسرارش پرده

سِرِّهِ، وَصَبْرُنِي عَلَى ذَلِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا

بردارد. و مرا بدان شکبیا فرما تا شتاب در چیزی را نخواهم که تو تأخیرش را می‌خواهی، و

تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَ، وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ،

تأخیر چیزی را مطالبه نکنم که تو تعجیلش را اراده نموده‌ای، و پرده برندارم از آنچه تو پنهانش کرده‌ای، و چیزی را کاوش نکنم که تو پوشیده‌اش

وَلَا أَنَاذِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ

فرموده‌ای، و نسبت به تدبیر تو (در کار عالم) با تو نزاع و مجادله نکنم، و در برابر اراده تو چون و چرا نکنم، و نگویم که چرا صاحب

الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَأَفْوَضَ أُمُورِي

الامر ظهور نمی‌کند - با این که زمین پر از ظلم و ستم گشته است؟! - (بلکه) همه کارها و امور عالم را به محضر مقدس

كُلِّهَا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا

تو وا می‌گذارم. بار خدایا! از تو می‌خواهم که جمال صاحب امرت را آشکارا به من بنمایانی در حالی که امرش در عالم،

الْأَمْرِ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ، وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ،

نافذ است؛ چون می‌دانم که سلطنت، قدرت، برهان، دلیل رسا،

وَالْمَشِيَّةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ، فَأَفْعَلُ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ،

مشیت نافذه، نیرو و توانایی واقعی از آن توست. پس این لطف را به من و به همه مؤمنان بفرما

حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وِلِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ

تا به ولیت - که درود تو بر او و آل او باد - آشکارا بنگریم، در حالی که با گفتار آشکار

الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ، وَأَبْرَزُ يَا رَبِّ

و دلالت روشنش، از گمراهی به راه هدایت رهنمون شویم، و از جهالت نجات پیدا کنیم. پروردگارا!

مُشَاهَدَتَهُ، وَثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ،

مشاهده او را آشکار فرما، و پایه‌های حکومتش را محکم گردان، و ما را از کسانی قرار ده که با دیدن جمالش، چشمش روشن گردد،

وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَقَّفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ.

و ما را در خدمتش پایدار بدار، و بر ملت و آیین او بمیران، و روز قیامت نیز در گروه او محشور فرما.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ، وَذَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ

خدایا! تو او را از شر هر چه خلق کردی و پدید آوردی، آفریدی و ایجاد کردی،

وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ

و صورت بخشیدی، پناه بده و او را از مقابلش، پشت سرش، سمت راست و

شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ

چپش، و از بالای سرش و زیر پایش حفظ کن؛ به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن گونه حفظ کنی

حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

ضایع و تباه نمی‌شود، و در وجود او پیامبرت و وصی پیامبرت - که درود بر ایشان باد - را حفظ کن.

اللَّهُمَّ وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ، وَأَعِنُّهُ عَلَى مَا وَلَّيْتَهُ

خداوند! عمرش را طولانی کن، و بر مدت زندگانش بیفزای، و در ولایت و حکومتی که بدو عنایت کردی و واگذار نمودی

وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كِرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمُهْدِي، وَالْقَائِمُ

و نگهبان ساختی کمکش فرما، و در کرامتت نسبت به او افزایش ده؛ زیرا او هدایت‌کننده بشر و هدایت یافته و قیام‌کننده

الْمُهْتَدِي، الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ

برای هدایت خلق است؛ گوهر پاک، باتقوا، پاک سرشت، پاک سیرت، صاحب مقام رضا و خشنودی خدا،

الشُّكُورُ الْمُجْتَهِدُ. اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي

و شکوایا در بلا و مصایب، شکرگزار، مجاهد و تلاشگر است. خدایا! به واسطه دراز شدن زمان

غَيْبَتِهِ، وَأَنْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَلَا تُسِنَّا ذِكْرَهُ وَأَنْتِظَارَهُ، وَالْإِيمَانَ

غیبتش و قطع شدن خبرش از ما، یقین ما را زایل مگردان؛ و از یاد ما منیر یادش را و انتظارش را و ایمان

بِهِ، وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ، وَالِدُعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى

به او را، و یقین استوار بر ظهورش را، و دعا برای (وجود نازنینش)، و درود فرستادن (بر آن حضرت) را؛ تا

لَا يَقْتِنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ [ظُهُورِهِ وَ] قِيَامِهِ، وَيَكُونَ يَقِينًا فِي

طولانی شدن زمان غیبتش ما را از ظهور و قیام بر حقیقتش ناامید نسازد؛ و ایمان ما به قیام او و ظهور او

ذَلِكَ كَيَقِينَا فِي قِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ بِهِ

همانند اعتقاد ما به قیام پیامبر خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - و

مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، وَقَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ، حَتَّى تَسْلِكَ

وحی و کتاب نازل شده بر او، محکم و استوار باشد. و قلبهای ما را بر ایمان به او تقویت کن تا

بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ

به دست مبارکش راه هدایت و طریقه بزرگ و مسیر اعتدال را بیماییم.

الْوَسْطَى، وَقَوَّنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَثَبَّتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي

و ما را بر پیروی و فرمان برداری از او نیرو بخش، و بر پیرویش ثابت بدار، و ما را در

حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي

گروه او و یاران و یاورانش و کسانی که به کار او خشنودند؛ قرار بده و این سعادت را در

حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِينَ

زندگی و مرگ ما از ما مگیر، تا در حالی ما را بمیرانی که نه دچار شک و تردید شده،

وَلَا نَاكِثِينَ، وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَيِّدْهُ

و نه پیمان شکسته باشیم، و نه در مورد آن دودل بوده و نه آن را تکذیب کنیم. خداوندا! در فرجش تعجیل فرما، و

بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَأَخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّدْ عَلَى مَنْ

با یاریت تأییدش کن، و یارانش را یاری کن، و آنان که ترک یاری او می کنند را ذلیل و خوار بنما، و هر آن که

نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمِثَ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَقِذْ

رودر رویش به جنگ بایستد و او را تکذیب کند نابودش کن، و حق را به واسطه او آشکار نما، و ستم را به وسیله او بمیران، و

بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ، وَأَنْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَأَقْتُلْ بِهِ

بندگان مؤمنان را به واسطه او از خواری و ذلت برهان، و عالم را به وجودش آباد گردان، و

جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَذَلِّ [بِهِ] الْجَبَّارِينَ

سرکشان کافر را توسط او هلاک کن، و سران گمراهی را به وسیله او درهم شکن، و طغیان پیشگان

وَالْكَافِرِينَ، وَأَبْرِ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ، وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ

و کافران را (توسط او) ذلیل فرما، و همه منافقان و عهدشکنان، و تمام مخالفان

وَالْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا،

و ملحدان بی دین را - در شرق و غرب عالم، در دریا و خشکی،

وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا،

در کوهها و دشتها به وسیله او هلاک و ریشه کن فرما؛ تا کسی از آنان وانگذاری، و اثری از آنها باقی نماند.

وَطَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَأَشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ. وَجَدِّدْ بِهِ مَا

و سرزمین هایت را از لوث وجود آنان پاک گردان، و سینه بندگانت را با هلاکت دشمنان، شفا عنایت فرما. و آنچه

امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلَحَ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، وَغَيْرَ مَنْ

از دینت محو شده است به وسیله او بازسازی کن؛ و هر آنچه از احکامت تبدیل یافته، و از سنت تو دگرگون

سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَحِيحًا

شده است اصلاح کن؛ تا دین تو به دست مبارکش به صورت تازه و صحیح اعاده گردد به گونه‌ای

لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَذْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ،

که هیچ کژی در آن نباشد و هیچ بدعتی به همراه آن نباشد تا با عدل و دادی که حاکم می‌کند آتش فتنه‌های کافران را خاموش نماید؛

فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَأَرْتَضِيْتَهُ لِنُصْرَةِ دِينِكَ،

زیرا او بنده مخلص توست که برای خودت خالص گردانیدی، و برای یاری دینت او را پسندیدی.

وَأَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ،

و با علم بی‌نهایت او را برگزیدی، و از گناهان او را باز داشتی و نگهداری کردی، و از عیب‌ها پیراسته‌اش کردی.

وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ،

و بر پنهانی‌ها مطلعش ساختی، و بر او نعمت ارزانی داشتی، و از هر گونه پلیدی پاکش گردانیدی.

وَتَقَيَّتَهُ مِنَ الدَّنَسِ . اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَّةِ

و از ناپاکی پاکیزه‌اش ساختی. بار خدایا! بر او و پدرانش - آن پیشوایان

الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى شَيْعَتِهِ الْمُتَّجِبِينَ، وَبَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ

پاک - و بر پیروان نیک‌نژادش رحمت فرست؛ و آن‌ها را به آرزوهای‌شان به برتر

مَا يَأْمُلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ

از آنچه در نظر دارند برسان، و این دعا را - خالصانه و به دور از شک و شبهه و ریا

وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ . اللَّهُمَّ

و سماعه - قرار بده؛ تا از آن، غیر تو را اراده نکنیم و جز تو را طالب نگردیم. خداوند!

إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا،

ما به تو شکایت می‌بریم از فقدان پیامبرمان؛ و از غیبت ولی‌مان، و سختی دوران بر ما،

وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ [عَلَيْنَا]، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ

و وقوع فتنه‌های گوناگون نسبت به ما، و غلبه و چیرگی دشمنان علیه ما، و زیادی دشمن ما و کمی

عَدَدِنَا. اللَّهُمَّ فَفَرِّجْ ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَتَنْصُرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ،

جمعیت خودمان. خدایا! با فتح و گشایشی از جانب خویش ما را از این اندوهها به سرعت رهایی بخش، و یاری با عزت

وَأِمَامٍ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ [آمِينَ] رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا

و ظهور پیشوای عادل را نصیبمان فرما؛ ای خدای به حق، و پروردگار جهانیان! این دعا را اجابت کن. خدایا!

نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ، وَقَتْلِ

از درگاہت می‌خواهیم که به ولایت اجازه دهی تا عدلت را در میان خلقت آشکار نماید، و

أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً إِلَّا

دشمنانت را در سرزمین‌هایت هلاک گرداند؛ تا هیچ پایگاه و ارکانی برای ستم باقی نگذاری ای پروردگار من! و همه پایگاه‌های

قَصَمْتَهَا، وَلَا بَقِيَّةَ إِلَّا أَفْنِيَّتَهَا، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنًا إِلَّا

آنان را درهم شکنی، و بقایای آنان را نابود گردانی، و نیروهای‌شان را سست نمایی، و پایه‌های آنها را

هَدَمْتَهُ، وَلَا حَدًّا إِلَّا فَالَلْتَهُ، وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلَلْتَهُ، وَلَا رَايَةً إِلَّا

درهم بریزی، و تیزی و سختی آنها را کند و بی‌اثر گردانی، و سلاح‌شان را از کار بیندازی، و پرچم آنها را

نَكَّسْتَهَا، وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَارْمِهِمْ

سرنگون سازی، و شجاعان آنها را نابود کنی، و سپاه‌شان را شکست‌خورده و خوار سازی.

يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّامِعِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَبَأْسِكَ الَّذِي

پروردگارا! سنگ نابودکننده‌ات را به سوی ایشان رها کن، و شمشیر برزانت را بر ایشان فرود آور، و آنها را دچار عذابی

لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَعَذِّبْ أَعْدَاءَكَ، وَأَعْدَاءَ دِينِكَ

کن که هر گروه مجرم از آن رهایی ندارند. و دشمنانت و دشمنان دین

وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ، وَأَيْدِي عِبَادِكَ

و پیامبرت - درود تو بر او و آل او باد - را به دست ولایت و بندگان

الْمُؤْمِنِينَ. اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ،

مؤمنت، معذب فرما. خداوندا! ولی و حجت خویش را بر زمین از ترس دشمنانش کفایت فرما،

وَكَيْدَ مَنْ كَادَهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى

و از مکر و حيلة آن که قصد مکر و خیانت به او دارد محفوظش دار، و با آن کسی که با او خدعه کند مکر کن، و هر بدی

مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَاقْطَعُ عَنْهُ مَا دَتَّتْهُمْ، وَأَزْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ،

را برای بدخواهانش مقرر دار، و ریشه فساد آنها را از وجود مقدسش قطع کن، و ترس و هیبتش را در دل‌های ایشان ایجاد گردان؛

وَزَلِزْلُ [لَهُ] أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبِغْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ

و قدم‌هایشان را سست و لرزان قرار ده، و به قهر ناگهانیت به طور آشکار گرفتارشان کرده، و عذابت را بر آنها شدید

عَذَابِكَ، وَأَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ، وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنَهُمْ

نما، و در بین بندگان خوار و ذلیل‌شان فرما، و در این دنیا در میان شهرها آنها را مورد لعن قرار بده، و در آخرت نیز

أَسْفَلَ نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَضِلِّهِمْ نَارًا، وَاحْشُ

در پست‌ترین نقطه جهنم سکونت‌شان بده، و شدیدترین عذاب‌هایت را بر آنها مسلط ساز و به آتش دوزخ بیفکن،

قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَأَضِلِّهِمْ حَرَّ نَارِكَ، فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ،

و قبرهای مردگان آنها را پر از آتش گردان، و حرارت و سوزندگی آتش را به آنها بچشان؛ زیرا آنها نماز را تباه کردند،

وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ. اللَّهُمَّ وَأَخِي بُولِيكَ الْقُرْآنَ،

از شهوت‌ها پیروی کردند، و بندگان را گمراه ساختند. خدایا! با وجود ولایت (صاحب الامر علیه السلام) قرآن را زنده کن،

وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا، لَا ظِلْمَةَ فِيهِ، وَأَخِي [بِهِ] الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ،

و نور جمال او را به طور دائم و همیشگی به ما بنمایان؛ به گونه‌ای که هرگز تاریکی گرد آن نور را نگیرد، و به واسطه او قلب‌های مرده را حیات

وَأَشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى

بخش، و دل‌های غمگین را شفا بده، و هواهای گوناگون و نظرات مختلف را با رأی او بر محور

الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى

حق جمع بگردان، و حدود الهی تعطیل شده و احکام ترک شده را به وسیله او برپا کن؛ تا

لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ

حقی نماند مگر این که ظاهر گردد، و عدلی نماند مگر این که شکوفا شود، بارپروردگارا! ما را از

أَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبَةِ سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،

یاران او و تقویت‌کنندگان حکومتش و فرمان‌بران دستورش و از آنانی که به کار آن حضرت راضی هستند،

وَالْمُسَلِّمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ،

و در برابر حکمش تسلیمند، و نیازی به تقیه‌کردن از آنها در میان بندگان ندارد قرار ده.

أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضُّرَّ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاكَ،

ای پروردگارا! تو هستی که هر اندوه و بلایی را برطرف می‌کنی، و هر مضطر بیچاره‌ای را که تو را بخواند، اجابت می‌فرمایی،

وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَاكْشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَارْحَمْنِي، وَاجْعَلْهُ

و از سختی و مصیبت بزرگ نجاتش می‌دهی؛ پس غم و اندوه را از وجود ولایت برطرف کن و او را

خَلِيفَتَكَ فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ. اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

خليفة (اشکار) در زمینت قرار ده؛ همان گونه که این امر را تضمین فرموده‌ای. خداوند! مرا از

خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ

مخالفان آل محمد - سلام و درود بر آنها باد - قرار مده، و مرا در زمره دشمنان آل

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْغَيْظِ عَلَيَّ

محمد - سلام و درود بر آنها باد - مقرر نکن؛ و مرا از آنانی قرار مده که نسبت

آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي،

به آل محمد - سلام و درود بر آنها باد - کینه و خشم دارند؛ چرا که من از این امر به تو پناه می‌برم پس پناهم ده.

وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و از تو امان می‌طلبم؛ پس امانم بده. خدایا! بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست،

وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ،

و مرا در دنیا و آخرت به واسطه ایشان از رستگاران و مقربان درگاهت قرار ده.

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان! این دعاها را اجابت فرما.

دعا برای امام زمان ارواحنا فداء پس از نماز عصر

سید بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب «فلاح السائل» می‌نویسد: از اذکار مهم بعد از نماز عصر اقتدا کردن به مولای مان حضرت موسی بن جعفر رحمته الله علیه در دعا برای مولای مان حضرت مهدی صلوات الله علیه است.

چنان که یحیی بن فضل نوفلی روایت می‌کند که گفت: در بغداد بر ابی الحسن موسی بن جعفر رحمته الله علیه - وقتی از نماز عصر فارغ شده بود - وارد شدم. دیدم دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده و شنیدم که می‌گوید:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَأَنْتَ

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، اول و آخر و ظاهر و باطن تویی؛

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَنُقْضَانُهَا، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا

خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ فزونی و کاستی چیزها در اختیار توست؛ تو خدایی

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَ الْخَلْقَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ، وَلَا حَاجَةَ

هستی که معبودی جز تو نیست؛ خلق را بدون کمک دیگران و بدون نیاز به آنان آفریدی؛

إِلَيْهِمْ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مِنْكَ الْمَشِيئَةُ وَإِلَيْكَ الْبَدْءُ. أَنْتَ

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، مشیت از توست و آغاز کردن به سوی توست. تو

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، قبل از هر قبلی بوده‌ای و آفریدگار قبل هستی؛ تو خدایی

أَنْتَ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، تَمْحُو مَا

هستی که معبودی جز تو نیست، بعد از هر بعدی هستی و آفریدگار بعد تویی، تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هر چه را

تَشَاءُ وَتُثَبِتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، غَايَةُ

بخواهی محو یا اثبات می‌کنی و اصل کتاب (اختیار سرنوشت) نزد توست، تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، نهایت

كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ

و وارث هر چیزی؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ چیز کوچک

وَلَا الْجَلِيلُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَخْفَى عَلَيْكَ اللَّفَاتُ،

و بزرگ از نظرت پنهان نمی‌ماند؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ لغتی بر تو پوشیده نمی‌ماند

وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ. كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ، لَا يَشْغَلُكَ

و صداهای مختلف تو را به اشتباه نمی‌اندازد. هر روز شانی داری که هیچ

شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى، دَيَّانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ،

شانی تو را از شان دیگر باز نمی‌دارد. دانای غیب و پنهانی‌ها، پاداش دهنده کار، تدبیرگر امور،

بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، مُخِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

برانگیزاننده افرادی که در قبرهایند، زنده‌کننده استخوان‌ها در حالی که پودر و خاکستر شده‌اند تو هستی؛ از تو

الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ،

می‌خواهم به اسم پنهان ذخیره‌شده‌ات، که زنده و پاینده است. که هر کس تو را به این نام بخواند ناامید نمی‌شود؛

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ

که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و فرج و گشایش در کار انتقام‌گیرنده‌ات از

أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

دشمنانت را تعجیل فرمایی و آنچه به او وعده داده‌ای به جای آوری؛ ای صاحب جلال و کرامت!

یحیی بن فضل می‌گوید: گفتم: برای چه کسی دعا کردید؟

حضرت فرمود:

برای مهدی آل محمد علیهم‌السلام.

آن حضرت افزودند: پدرم فدای آن که دارای شکم ستبر، ابروهای به هم پیوسته است؛ باریک ساق؛ شانه‌های پهن؛ رنگ گندمگون که به خاطر شب زنده‌داری کمی مایل به رنگ زرد است می‌باشد.

پدرم فدای آن کسی که با رکوع و سجده شب را به صبح می‌رساند؛ پدرم فدای آن کسی که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسد؛ چراغ فروزنده در تاریکی‌ها است؛ پدرم فدای قیام‌کننده به امر خدا باد.

گفتم: چه وقت خروج می‌کند؟ حضرت فرمود:

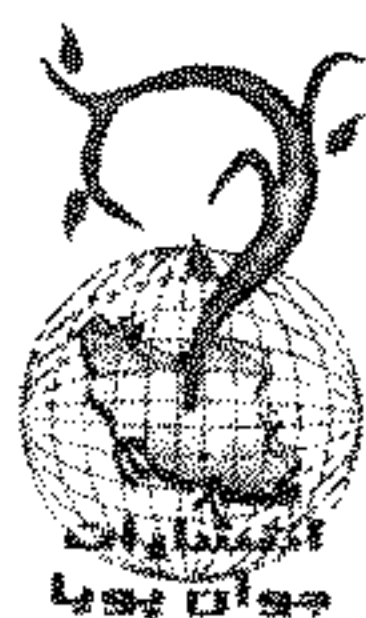
هنگامی که دیدی لشکریان به ساحل فرات و صرات و دجله آمده‌اند و پل کوفه ویران شد و بعضی از خانه‌های کوفه سوزانده شد، هنگامی که این نشانه‌ها را مشاهده کردی، بدان که خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد و کسی نیست که بر امر خدا غلبه کند و یا حکمش را به تأخیر بیندازد.

The Problem of **Mahdaviat**

From the Rational & Emotional Views

By:

Mohammad Mansoornejhad (Ph.D.)



Javan-e-Pooya Puplication
Iran-Tehran